تصویر ابو عبدالرحمن الکردي

کُردهای لبنان

نویسنده: دکتر گیتا جی حرانی

مترجم: مهرداد رحیمیان



کُـردهـای لبنـان

براي دانلود كتابهای مختلف مراجعه: (منتدى اقرأ الثقافى)

لتحميل أنواع الكتب راجع: (مُنْتَدى إِقْرَأ الثَقافِي)

بۆدابەزاندنی جۆرەها کتێب:سەردانی: (مُنْتَدى إِقْرَأ الثَقافِي)

www. iqra.ahlamontada.com

سرشناسه	: حورانی، گیتاجی،
عنوان و نام پدیدآور	: کردهای لبنان / نویسنده گیتاجی حرانی؛ مترجم مهرداد رحیمیان
مشخصات نشر	: سنندج، کانی کتیب، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۲۰۶ ص؛ مصور، نمودار، نقشه؛ ۱۴/۵× ۲۱/۵ س م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۶۸-۱۲-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی؛ The Kurds of Lebanon: Socioeconomic Mobility and Political Participation Via Naturalization 2011
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۹۸ - ۲۰۶.
موضوع	: کردان، لبنان
شناسه افزوده	: رحیمیان، مهرداد، ۱۳۷۲، مترجم
رده‌بندی کنگره	: DS ۸/۵۵ ۱۳۹۴ ۹ح ۴ ک/
رده‌بندی دیویی	: ۹۵/۹۲۰۰۴۹۱۵۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۳۶۵۰۵

کُـردهـای لبنـان

نویسنده: دکتر گیتا جی حرانی

مترجم: مهرداد رحیمیان

۱۳۹۴

شناسنامه کتاب

نام کتاب	: کردهای لبنان
مولف	: دکتر گیتاجی حرانی
مترجم	: مهرداد رحیمیان
ناشر	: کانی‌کتێب
ناشر همکار	: شوان
طراح جلد و صفحه‌آرایی	: شاهو احمدیان
حروفچینی	: شریفه زندسلیمی
نوبت چاپ	: اول- ۱۳۹۵
ناظر چاپ	: شوان طاهری
تیراژ	: ۱۰۰۰
شماره شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۶۸-۱۲-۳
قیمت	: **۱۰۰۰۰ تومان**

حقوق چاپ برای انتشارات کانی کتێب محفوظ است.

مرکز پخش: سنندج- کانی کتێب

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۵۲۵۹، ۰۹۱۸۱۷۱۷۲۵۷

۱۳۹۴

به پاسداشت

عشق جاری در خیابان‌های کوبانی

فهرست مطالب

فصل پنجم، پژوهش میدانی- نتایج توصیفی

فصل ششم، نتایج پژوهش: الگوی رأی‌گیری و گرایش سیاسی

فصل هفتم، کلیـات پـژوهش

فصل هشتم، ضمـایـم

تشکر و قدردانی

بر خود لازم می‌دانم از موسسه‌ی ... که نامش قابل به ذکر نبوده و مخارج مالی این تحقیق را فراهم کرد تشکر و قدردانی کنم. همچنین باید از استاد گرامی آقای اورسِ واتر که ویرایش متن اولیه و پشتیبانی کلی از تحقیقات به همراه دکتر ابراهیم سیرکج نویسنده کتاب مهاجرت کُردهای ترکیه به آلمان، دکتر کریستی آندرسون، جمی ویندرس، جولیا گانسون را بر عهده داشتند تشکر کنم. درواقع متن کلی تحقیقات حاضر مدیون پیگیری و کمک‌های دوستانه مرکز مطالعاتی تحقیقاتی سیلف واقع در دانشگاه سیراکیوز نیویورک، مرکز مطالعات و همکاری خاورمیانه و دکتر جُردی تجل نویسنده کتاب کُردهای سوریه است.

همچنین باید سپاس و قدردانی خود را آراسته کمک‌های خستگی‌ناپذیر تمامی گروه تحقیقات که عبارت‌اند از: دکتر توماس شفلر، دکتر دنیز گوکالپ، دکتر مونا رحمه، دکتر شادی رحمه و آقایان راجر گاتمن، کنف مورتیمر و دکتر یوجین سنسنیگ برای نمونه‌خوانی و ویرایش نهایی کتاب کنم. در پایان از تمامی سازمان‌ها و اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی برای تکمیل تحقیقات که شامل پرسشنامه‌ها، مصاحبات و داده‌های تحقیقی بسیاری زیادی است تشکر می‌کنم.

پیشگفتار مترجم

با توجه به شرایط فوق که تنها بخش کوچکی از مثال‌های بحثمان در رابطه با مسـئله‌ی پراکندگی ملت کرد در جهان و علل آن بود جمعیتی حدود ۵ میلیون کُرد هنوز به دلایل سیاسی و... ساکن محل تولد خود نیستند. همچنین شایان‌ذکر است که کُرد و مسئله‌ی کُرد تنها بسته به مرزهای داخل این چهار کشور نیست. بلکه جمعیت در تبعید کُرد در کشورهای اروپایی (آلمان، سوئد، سویس، فنلاند، فرانسه) و آمریکایی (نیویورک و واشنگتن) تابه‌حال موردتحقیق و پژوهش اجتماعی-اقتصادی و سیاسی قرار نگرفته‌اند.

جمعیت در تبعید کُرد (خواه اختیاری و اجباری) در بسیاری از کشورهای هم‌جوار کُردستان حضور دارند. بنا بر شرایط فوق‌الذکر و عوامل ناپایدار جنگ، سیاست و محرومیت اقتصادی-اجتماعی پناهنده کشورهایی نظیر لبنان، اردن، عربستان، قطر، امارت، کشورهای حوزه خلیج‌فارس و شوروی پیشین شده‌اند. تاکنون هیچ تحقیق و پژوهش آکادمی-میدانی بر سر موقعیت اقتصادی-اجتماعی این اقلیت مهاجر و در تبعید صورت نگرفته است.

عدم وجود و یا حتی اهمیت پژوهش میدانی بر سر مسئله‌ی کُردهای در تبعید یکی از خلأهای پژوهشی بزرگ تاریخ کُرد و مشکلات محققان این حوزه برای دریافت اطلاعات به‌روز است. به‌طوری‌که در اکثر کتابخانه‌های کُردی هیچ منبع موثقی در این حوزه وجود ندارد؛ که خود

در بعد عظیمی موجب سردرگمی محققان حوزه مطالعات کُردستان شناسی شده است.

هم‌اکنون در جهان امروزی شاهد پیشرفت عظیمی در عرصه علوم انسانی به‌خصوص تاریخ و پژوهش در این باب در مراکز علمی مشهوری همچون اکستر در انگلستان، سوربن در فرانسه، هاروارد در آمریکا و چندین مرکز علمی دیگر که مشغول تحقیق و بررسی بر مسئله‌ی کُرد و پراکندگی جمعیت در تبعید کُردستان در کشورهای دیگر هستند که نمونه آن کتاب ذیل است.

چه‌بسا کُردها نخستین بار در لشکرکشی‌های هخامنشیان، به کرانه خاوری دریای مدیترانه رسیده باشند؛ اما آنچه با قطع و یقین در مورد حضور کُردها در خاک لبنان ثبت‌شده به سده دوازدهم میلادی بازمی‌گردد که سردار نامدار کُرد صلاح‌الدین أیوبی فرماندهی سپاه مسلمانان را در جنگ‌های صلیبی در دست داشت. صلاح‌الدین حکومت فاطمیان را در مصر و شام برانداخت و دولت ایوبیان را تشکیل داد و برخی خانواده‌های کُرد را به‌عنوان حکام مناطق مختلف شام گماشت (جوهر جلال ۲۰۱۳: ۲۳).

مملوکیان هم که پس از أیوبیان بر این خطه حاکم شَدند از قبائل کرد برای حفظ مرزهای قلمرو خود بهره بردند و بدین ترتیب گروهی از کُردها در شمال لبنان ساکن شدند در دوران امپراطوری عثمانی هم برخی از حکامی که به اداره مناطق مختلف منصوب می‌شدند کُرد بودند (جوهر جلال ۲۰۱۳: ۲۵).

بخشـی دیگر از طوایف کُرد هسـتند که از اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم در دوران عثمانی بر ترکان شوریدند و سپس سرکوب و فراری شـدند. این طوایف از سـرزمین‌های کُردستان ترکیه و کردستان سوریه به سـرزمین لبنان مهاجرت کردند و امروزه تقریباً همگی در بیروت سـاکن شـده‌اند. معروف‌ترین این طوایف، طوایف جان پولاد (طوایف جنبلاط) هستند که چهارصد سال پیش به دره شوف گریختند و به مذهب دروزی درآمدند و نوادگانشـان اکنون خاندان معروف جنبلاط هسـتند (شری لیزر ۲۰۰۴).

پیشـینه سـکونت کُردهای لبنان امروزه در قسمت بزرگی از خاک لبنان بااقتدار به زندگی خود ادامه می‌دهند و نقش آشکاری را در ساختار تاریخ سیاسـی و اجتماعی لبنان خصوصاً در دوران عثمانی‌ها و در دوران حاضر بازی کرده‌اند به چند سـده قبل برمی‌گردد. ازجمله این خاندان اصـیل و ریشـه‌دار سـاکن در لبنان: خاندان کُرد معنیون، آل عماد، جنبلاطیون، آل‌مرعب، آل‌عبود و آل‌سـیفا در مناطق شـمالی و در شـهرهای عکار و طرابلس و در مناطق جنوبی آل فضـل و صـعیان هسـتند. بیشـترشـان خانواده‌هـای فئودال و نیرومندی بودند که در مراحل مختلف زمانی و همچنین به دلایل مختلفی نظیر جنگ، عدم ثبات جانی، اقتصـادی، فرار از خدمت سربازی و... به لبنان سفرکرده‌اند (حرانی ۲۰۱۱: ۴۵).

به‌عنوان‌مثال: ایوبیان در دوره‌ی جنگ‌های صلیبی به جهت پاسداری از مرزهـای اسـلامی بـه این منطقه وارد شـدند. گروهی نیز در ابتدای قرن چهاردهم میلادی به منطقه طرابلس، عکار و ضـنیته باهدف اسـتوار کردن

حکومت ممالکیت در بلاد شام وارد شدند. جنبلاطیون نیز در سده هفدهم میلادی پس از انقلاب علی پاشا جانبولارد در منطقه حلب سیواس در سال ۱۶۰۶ م از ترس نخست‌وزیر پاشا و حاکم شام سلیمان پاشا به ارتفاعات شوف فرار کردند. شهر زحله الکرد زمانی دراز نقطه‌ی اتصال و برخورد راه‌های تجارتی بود که کُردهای کُردستان تولیدات حیوانی و دام‌هایشان را با کالاهای تجارتی لبنان و اروپا مبادله می‌کردند. دولت عثمانی امیران کرد را در پست‌های اداری مانند والی، استاندار و فرمانده‌های لشکر و پلیس در شهرهای عربی قرار می‌دادند و این نهایت اعتماد عثمانی‌ها به کُردها بود این یک مورد به‌تنهایی ظهور شخصیت‌های کردی را در میدان جدید در سرزمین‌های عربی بود. این شخصیت‌ها فوراً نیرومند شده و مقتدر شدند و تعدادشان زیاد شده، خواستند خودشان را با محیط جدید سازگار کنند و مذاهب وادیان بزرگی را قبول کردند.

کُردهای جدید مهاجر از منطقه جزیره سوریه و از مناطق ماردین و بوتان در ترکیه بعد از شکست انقلاب‌های کُردی بر ضد دولت جدید ترکی کوچ کردند و از دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی در شهر بیروت متمرکزشده‌اند. تعداد آنان در این مناطق به صد و پنجاه‌هزار تن می‌رسد که فقط ۱۵۰۰۰ از آنان در بیروت غربی در منطقه زقاق البلد زندگی می‌کنند. کُردهای لبنان نقش آشکاری را در عرصه سیاسی لبنان بازی کرده‌اند که نفوذشان به بیرون از لبنان نیز تجاوز کرده است. خانواده‌های عالی‌مقامی که در ارتفاعات جبل لبنان حکومت کرده‌اند عبارت‌اند از: خاندان معنیین که نفوذشان را در سده هفدهم میلادی در ارتفاعات لبنان و فلسطین شمالی و ارتفاعات اردن گسترش دادند. خانواده جنبلاط که آنان

نیز مانند نیرویی حقیقی در خلال سده هجدهم میلادی آشکار شدند و نفوذ سیاسی‌شان را تا به امروز گسترش داده‌اند. امیران کُرد رأس النحاش که در منطقه کوره در لبنان شمالی و آل‌مرعب در شمال لبنان حکومت کرده‌اند. بیشتر کُردهای لبنان مسلمان هستند تعدادی سنی و تعدادی شیعه که شیعیان در جنوب لبنان زندگی می کنند. عده‌ای نیز دروزی مذهب‌اند: مانند خاندان جنبلاط معنییون و آل حماد و برخی نیز مسیحی هستند مشهورترین خاندان‌های کُرد لبنان عبارت‌اند از:

معنییون: نسبشان به معن بن ربیعه کُرد ایوبی می‌رسد. اجدادشان ابتدا در سرزمین‌های ایران کنونی زندگی می کردند سپس به جزیره قراتیه آمده‌اند. جدشان معن بن ربیعه کُرد ایوبی در سده شانزدهم میلادی ازآنجا به ارتفاعات لبنان آمد. محمدامین المحبی تاریخ‌نویس لبنانی در کتابش به نام "خلاصه الاثر"درستی این نسبت را تأکید کرده است. او بیان کرده است که برخی از نواده‌های فخرالدین معنی از خود او روایت کرده‌اند که می گفت اصل پدران ما از کُردها هستند که در این سرزمین ساکن شده‌اند. نوادگان ابن فخرالدین معنی از مشهورترین حاکمان جبل لبنان و شوف، در خلال سال‌های (۱۵۱۶-۱۶۹۷ م) بوده‌اند که به امیران دروزی شناخته‌شده‌اند. نفوذشان را بر دیگر سرزمین‌های لبنان و قسمت‌هایی از سوریه، فلسطین و اردن گسترش دادند؛ و دروز به آنان مدیون بود چراکه آنان از مذهب دروز پیروی می کردند.

أیوبیان: أیوبیان به سال ۱۱۳۹ م، زمانی که ایوب بن شادی پدر صلاح‌الدین أیوبی به‌عنوان والی بر شهر بعلبک تعیین شد وارد لبنان شدند.

آنـان در قلعه‌ی تکریت در خدمت نورالدین زنگی بودند. پس از مدتی به موصـــل و پس‌ازآن بـه بعلبـک کوچ کردند. کمال صـــلیبی مورخ لبنانی انتســـاب کُرد بودن خاندان ایوبی را تأیید کرده اســـت. نامبرده می‌گوید: الملک ناصـــر صـــلاح‌الدین یوســـف بن ایوب بن شـــادی پایه‌گذار دولت أیوبیان مصر بوده است؛ که أیوب بن شادی و برادرش شیرکوه از کُردهای تکریت در عراق بوده‌اند که به دمشـق و پس‌ازآن به مصر رفته‌اند و دولت أیوبیـان را تأسیس کرده‌اند.

رأس نحاش: این امیران به کُردهایی که ســـلطان ســـلیم اول عثمانی در ســده‌ی شانزدهم میلادی در بخش کوره شمالی لبنان به خاطر پاسداری از آن بخش در برابر فرنگیان به سـال ۱۵۵۶ م قرارداد منتسب‌اند. مشهورترین امیران این خاندان عبارت‌اند از: امیر موسـی پدر اسـماعیل به سال ۱۶۳۷ م که شاهین پاشا و شیخ علی حماده، امیر موسی را با لشکری برای مبارزه با آل سیفا به طرابلس و عکار و حصن الکرد فرستاده‌اند.

خاندان جنبلاط: از خانواده‌های مشـهور در لبنان و از کُردهای اصیل و ریشـه‌دار دروزی مذهب هســتند که امروز در بخش شـوف در جبل لبنان سـاکن هستند. شهر مختاره پایگاه آنان به‌حساب می‌آید. این خاندان نقش سـیاسـی پویایی را در روزگار عثمانی‌ها در شمال شام و در جبل لبنان ایفا کرده‌اند. همچنین نقشـــی مشـــابه در تاریخ جدید لبنان دارند. نســـبت این خاندان به امیر جان بولارد بن قاســـم بک بن احمد بک بن جمال بک بن عرب بک بن مندک ایوبی برمی‌گردد.

آل سـیفا: خاندان سـیفا حاکمان طرابلس شـام در لبنان به بزرگواری و ادب مشهورند آن‌ها کُرد اصیل هستند که از سرزمینشان مهاجرت کرده‌اند و در زمین‌های هموار عکار و طرابلس در شمال لبنان ساکن شده‌اند. برای مدت مدیدی در طرابلس حکومت کردند و دارای مقام‌های بلندی بودند. در طرابلس موقوفه‌های زیادی به اسمشان و جود داشت که سود آن را آل شهال و دیگران به‌واسطه نسب با آل‌سیفا بین خود تقسیم می‌کردند و نقش اصـلی در حیات سیاسـی لبنان را در خلال عصـر عثمانی بازی کرده‌اند و جنگ‌های متعددی نیز بین آنان روی داد. ابراهیم بک الاسـود در کتابش کُرد بودن خاندان سیفا را تائید کرده است که آل سیفا امیر لاکُراد هستند. زمانی که امیر یوسـف ابن سـیفا به درجه وزیری و والی طرابس تعیین شد حکومتشـان پیشـرفت کرد. مورخ معروف فیلیپ تأکید کرده اسـت که حکومت بعد از بنی‌عساف به رقیبانشـان بنی‌سـیفا در عکار رسید. فرزندان سیفا در اصل کُرد بودند وطرابلس پایگاه آنان بود.

خاندان شـهال: خانواده شـهال از خاندان بزرگ و قدیمی در شـهر طرابلس شـام بودند. نسـبشـان به خاندان سـیفای کُرد حاکمان طرابلس به سال‌های طولانی می‌رساند و همراه برخی خانواده‌های کُردی از اوقاف آل سیفا استفاده کرده و نیرومند شدند.

خضـر آغا: خاندان کُرد خضـر آغا یکی از خاندان‌های بزرگ طرابلس لبنان است که با دلایل و اسناد شرعی زیادی که به مهر قاضیان آن روزگار و مفتیان مشـهور شـده اسـت (حبیب نوفل ۱۹۸۴: ۵۶). بزرگان شـیوخ و دانشـمندان به‌درسـتی اتصـال نسـبشـان به خاندان سـیفای کُرد تأکید شـده

است. از آن جمله مدارکی که نسبتشان را تأکید کرده اسناد و مدارکی است که از بزرگان صاحب کرام این خاندان ابراهیم آغا پسر مرحوم اسماعیل آغا خضر زاده که ناظر شرعی و ناظر اوقاف بود.

خاندان عمادیون: خاندان بزرگ و معروف آل‌عماد ساکن لبنان و فئودال هستند نسبشان به جدشان که در اصل کرد بوده است برمی‌گردد. آن‌ها از شهر عمادیه نزدیک شهر موصل در کردستان عراق، ازآنجا به لبنان کوچ کرده و در روستای مرطحون ساکن شد. سپس ازآنجا به‌طرف باروک حرکت کرده‌اند. نوادگانشان از باروک به منطقه شوف آمده‌اند و مذهب ودرزی که در آنجا رایج بود را برگزیدند. برخی نیز دین مارونی را برگزیدند. دکتر سلیم آلهیشی کُرد بودن آنان را این‌گونه تأکید کرده است که: آنان به‌واسطه خویشاوندی با عماد الدوله دیلمی کُرد که در منطقه عمادیه حکومت می‌کرد کُرد هستند.

ذکر چند نکته درباره ترجمه این کتاب.

کتاب حاضر همچنان که در اختیار شما خواننده گرامی است به گفته نویسنده اولین و آکادمی‌ترین اثر تحقیق در حوزه پراکندگی جمعیت قوم کُرد به‌خصوص کُردهای لبنان است. لازم به ذکر است که کتاب فوق درنتیجه تلاش گروهی کارآمد و کوشا پدید آمده است. امید می‌رود که ترجمه این اثر خدمتی به جامعه کُردستان و کتابخانه کُردی در جهت دستیابی بهتر به اطلاعات مفید در حوزه تاریخ کُردستان و مسئله‌ی پراکندگی کُرد باشد.

در این کتـاب علاوه بر ارائه مقدمه‌ی موثقی از پیشـــینه کُردهای لبنان، برای اولین بـار در تـاریخ کتب و تحقیقات پیرامون این موضـــوع آلبومی حاوی تصاویر اشخاص و فعالان سیاسی کُرد در لبنان در اختیار خوانندگان محترم قرار گرفته است.

درنهـایـت بر خود لازم می‌دانم از کلیـه کســانی کـه مرا در تهیـه و آماده‌سـازی این کتاب یاری دادند تشـکر کنم. همچنین سـپاس و ستایش مخصـــوص خود را تقـدیم عبـدالکریم مَحو دبیر کـل حزب دموکرات کُردهای لبنان می‌نمایم که مرا در تهیه اطلاعات این مقدمه و آلبوم تصاویر الحاقی بنده در فصل آخر کمک کردند تشکر نمایم.

اعضای گروه تحقیقات

نویسنده، مسئول پروژه و کارگردان تحقیقات: دکتر گیتا جی حرانی

مدیر پروژه: بسما عبدل خالق - سوزانه منهم

گروه میدانی: سوزانه منهم - سارا المقداد - مایکل فانیانس - نجاه منهم - نادیه عبدل خالق - نادر الخاکی - بلال ناصر الدینه- ناصر المقربی - مروه زیتونی - سامرا یوسف

گروه مصاحبه‌گر: دکتر گیتا جی حرانی - ردیارد خزان - ملکار الخورای- رودی ساسین - بسمه عبدلخالق

گروه تحقیق: ردیارد خزان - رودی ساسین - مایکل فانیانس - بسمه عبدلخالق

تحلیلگران داده و اطلاعات: دکتر گیتا جی حرانی - بسمه عبدلخالق

مدیریت اطلاعات: بسمه عبدلخالق

ویراستار: راجر گاتمن

نمونه‌خوان: کنف مورتیمر

آرشیو اطلاعات: لیانه حداد - الی نبحان - الیاس سفیر

گرافیک: وت اوهانیان - الی نبحان - الیاس سفیر

مسئول جمع‌بندی تحقیقات: سازمان مهاجرت و آرشیو اطلاعات لبنان - مرکز مطالعات مهاجرت لبنان

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی روابط و چگونگی زندگی اجتماعی-اقتصادی و مشارکت سیاسی کُردهای پناهنده و تابع لبنان بر طبق تحقیقات انجام‌شده به روش وضعیت اجتماعی فردی بر روی ۱۶۴ نفر در ۲۰ ژوئن ۱۹۹۴م است. شیوه تحقیق نویسنده در نوشتار حاضر تحلیل موقعیت اجتماعی- اقتصادی و مشارکت سیاسی کُردهای لبنان بر مبنای تحقیقات و پرسشنامه‌های آن‌ها در طول سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰م است. در خلال تحقیقات حاضر نویسنده به دلیل وجود منابع و اطلاعات ناپایدار و متغیر متوجه تغییراتی در عمل ثبت و تحلیل آن‌ها شد.

واژگان کلیدی: لبنان، کرد، مهاجرت، تابعیت، شهروندی، ملیت، فردی، اجتماع، وضعیت، قابلیت اجتماعی-اقتصادی، مشارکت سیاسی، وضعیت اجتماعی، طبقه‌بندی اجتماعی و نژادی، امپراتوری عثمانی ترکیه.

مقدمه نویسنده

نوشـتار حاضـر مبنی بر ارائه دقیقی از آمار و اطلاعاتی راجع به مسـئله‌ی سـکنی گزینی (شـهروندی) کُردها در لبنان و همچنین تحقیق مفصـل و آمارگونه‌ای بر حول مسئله‌ی سکنی گزینی، مشارکت سیاسی و مشارکت اجتماعی-اقتصـادی کُردهای لبنان بر طبق قانون شـماره ۵۲۴۷ مصـوبه ریاسـت جمهوری در ۲۰ ژوئن ۱۹۹۴ میلادی اسـت. به‌منظور ارائه دقیق آمـار و اطلاعـات کـافی و مطمئن دربـاره مسـئلـه‌ی ذیل گروه تحقیقاتی مربوطه دست به طراحی پرسشنامه‌ای بر حول مسئله‌ی مربوط و ارائه آن به ۱۶۴ کرد سـاکن لبنان در شـهر بیروت کرد که ادامه و نتیجه آن در طی فصـل‌های بعدی تقدیم خوانندگان گرامی خواهد شـد. بنا برگزارش‌های حکومتی سال ۱۹۹۴م در کشور لبنان بیش از ۱۰,۰۰۰ کرد ساکن لبنان در حال حاضر دارای شناسنامه ملی و پروانه فعالیت تجاری-اجتماعی هستند، اما در آن‌سوی دیگر به این مسـئله‌ی برمی‌خوریم که از سال ۱۹۳۲م هیچ آمار و سـند دقیقی مبنی بر چگونگی روال سکنی گزینی و کنترل جمعیت پناه‌جویان و سـاکنان غیربومی کشـور لبنان در دسـت نبوده و نیسـت که همین خود دلیلی برافزایش اهمیت مسـئله‌ی کرد در لبنان و سکنی گزینی پناه‌جویان از سال ۱۹۹۴م شد.

لازم به ذکر اسـت که تمامی اطلاعات ارائه‌شده در تحقیق حاضر که بر حول مسـئله‌ی کُرد در لبنان و سـکنی گزینی این گروه قومی غیربومی در لبنان است قبل از ارائه و خوانش توسط گروه ویراستاری فنی و کارگردان کلی تحقیقات تحلیل و بررسـی‌شـده‌اند. تجربه سکنی گزینی کرد در لبنان

سرشار از نتایج مثبت در مشارکت سیاسی-اجتماعی و پذیرفته شدن توسط عرب‌های ساکن و بومی لبنان برای زندگی و ادامه بقای سیاسی-اجتماعی است، به‌طوری که بسیار واضح و مبرهن می‌توان نقش کُردها را در میدان و تحولات سیاسی لبنان نظیر شرکت انتخابات و احزاب سیاسی مشاهده کرد. با اندر نگاه مختصری به آمارها و نتایج پرسشنامه‌های ارائه‌شده می‌توان دریافت که جامعه پویای کُرد در لبنان در میان‌سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰م پیشرفت کثیری در باب تحصیل و صنعت‌های تکنولوژیکی به‌خصوص در مقاطع حرفه‌ای و آکادمیک به خود دیده است. پیشرفته‌ای کارشناسی و حرفه‌ای کُردها در لبنان همواره به‌عنوان نقطه عطف و آغازی برای نواختن آهنگ پیشرفت در مسئله‌ی اقتصاد و فعالیت اقتصادی در لبنان به شمار می‌آید که به‌عنوان‌مثال می‌توان به شرکت‌های خصوصی کُردها در لبنان، شغل‌های پایدار، حقوق ثابت و امنیت شغلی و اجتماعی اشاره کرد. همچنین در سوی دیگر مسئله‌ی و حول مشارکت سیاسی کُردها در لبنان می‌توان به مشارکت حزبی آن‌ها در حزب مستقبل سنی مذهب اشاره کرد که دارای بیشترین قدرت نفوذ و تأثیرگذاری سیاسی در لبنان است.

با توجه به سیر صعودی پذیرفته شدن کُردها در لبنان و پیشرفت اجتماعی-اقتصادی آن‌ها بر طبق آمارها و تحقیق‌های میدانی می‌توان دریافت که اوضاع مالی آن‌ها اعم از داشتن حساب‌های کلان بانکی، خانه و امنیت شغلی دارای امنیت رفاهی نسبتاً پایداری هستند.

بررسـی آماری و تحلیل چگونگی و چرای سـکنی گزینی در لبنان این اختیار را به ما می‌دهد که پیشـرفت‌های آماری و نموداری کُردهای لبنان در طی یک و نیم دهه فعالیت اجتماعی-اقتصادی بررسی کنیم و همچنین پرواضح می‌توان بر طبق نمودارها سیر صعودی پیشرفت نسبتاً پایدار جامعه کرد لبنـانی را مشـاهـده کرد. بر طبق آمـارهـای موجود برآمده از تحلیل پرسـشـنـامه‌ها می‌توان دریافت که جامعه کُردهای لبنان پس از ورود به کشـور لبنـان و دریـافت تابعیت لبنانی توانسـته‌اند وضـعیت اجتماعی-اقتصـادی خود را از پله ۴ الی ۶ بی‌سـوادی به طبقه باسواد و تحصیل‌کرده لبنانی برسانند، البته تنها گوشه‌ای از آمارهای تحلیلی پرسشنامه مبنی بر این نتیجه مثبت بوده اسـت. به‌عبارتی‌دیگر قسـمت اعظم کُردهای لبنان هنوز به‌دوراز تحصـیلات عالیه دانشـگاهی می‌باشـند. بر طبق آمار و اطلاعات بـه‌دسـت‌آمـده از تحقیقـات گروه میـدانی پروژه کُردهـای لبنان کثیر بر[۲] کُردهای لبنان خوش‌بین به تابعیت لبنانی و آینده فرزندانشان هستند.

برای تفصـیل بیشـتر در عامل پویایی اجتماعی-اقتصـادی بخشی از کُرد های لبنان (از سال ۱۹۹۴م) می‌توان اشاره به چند عامل زیر کرد:

- ازدواج و همبسـتگی‌هـای خـانوادگی کُردهـای متولـد لبنـان بـا لبنانی‌ها که خود باعث پیشـرفت اجتماعی-اقتصـادی روزافزون آن‌ها از طریق خانوارلبنانی شده است.
- سـکنی گزینی آن‌ها در بیروت پایتخت و شـرکت در پروژه‌های عمران و آبادانی ملی از طریق شرکت‌های شخصی و احزاب بانفوذ.

بـه‌طور کلی می‌توان گفـت کـه زندگی در بیروت پایتخت خود عاملی مثبت برای نفوذ و قدرت بیشـتر در جهت اعلاء و پیشـرفت منافع شـخصی

است؛ زیرا اکثر شرکت‌های سنی مذهب و احزاب رده‌بالا و پرنفوذ سنی مذهب همچون مستقبل که دارای پایگاه‌های مردمی پرقدرتی هستند در بیروت فعالیت کرده و از ین طریق می‌توان به اهمیت کُردها در لبنان و خاصیت ژئوپولوتیکی شهر بیروت پی برد. به‌عبارت‌دیگر نمی‌توان پا بر این ادعا گذاشت که سیر صعودی پیشرفت و نزول اجتماعی-اقتصادی جامعه کُردها در لبنان تنها مبنی بر دلایل ذیل بوده و است بلکه عوامل دیگری همچون رکود اقتصادی جهانی بخصوص جهان عرب، جنگ، بی‌ثباتی سیاسی و... می‌تواند عاملی برای رکود و نزول این پیشرفت مثبت قومی همچون بقیه ساکنان لبنان شود.

در تحقیق حاضر با توجه به معیارهای آکادمیک و معمول موجود در سیر پیشرفت کلی کلیه تحقیقات اشاره مبرم و پایداری بر تمایز هویت کُرد و عرب ازلحاظ قدرت گیری به‌مثابه دولت اشاره‌شده است. در دسته‌بندی قومی اقوام یا اِتنیک‌های ساکن لبنان به دودسته قوم یا اتنیک ناهمگن برمی‌خوریم که عبارت‌اند از عرب‌های مِردالی[1]-مُبالامی[2] و

---

۱ مِردالی‌ها لقبی عامه برای مشخص کردن منشأ نژادی کسانی است که از شهرهای و جنوب شرقی ترکیه آمده‌اند. همچنین لقب مِردالی شامل گروهی از مُبالامی ها که خود را غیر کُرد می‌پندارند می شود و تلاش بر این است که در این رساله از القاب مِردالی و مُبالامی برای تعیین منشأ نژادی غیر کُردها استفاده شود.

۲ مُبالامی ها آن دسته از افراد ساکن ساطق میدیا، ماردین و جنوب شرقی ترکیه هستند که به لهجه مُبالامی زبان عربی که خود شاخه‌ای کهن از زبان قولتوهاست تکلم می کنند. حوزه جغرافیایی متکلمان این لهجه از شهر بصره عراق تا مشرق ترکیه ادامه دارد.

کُردهای کُرمانج. چنین تعریف نیم روشنی از اتنیک و قومیت در لبنان را می‌تواند نشانگر عدم دسترسی جامعه کُردهای لبنان به شهروندیت لبنانی باشد؛ زیرا که در طول چند سال اخیر مذاکرات سیاسی شهروند کردی-لبنانی مواجه با مشکلات فراوانی شد که امروزه از آن به‌عنوان پست ناسیونالیسم لبنانی نام می‌برند. از طرفی دیگر بر طبق تحلیل‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها می‌توان دریافت که عده کثیر و قابل‌توجهی از کُردهای لبنان راضی از شهروندی و تابعیت قانونی-سیاسی خود هستند. بر پایه تحقیقات به‌دست‌آمده ۹۲٪ از کُردهایی که اقرار به هویت ملی خودکرده و دارای تابعیت لبنانی بوده‌اند فاقد نماینده در پارلمان لبنان هستند. چنین ضعف ناشی از فقدان نماینده و احساس اجحاف سیاسی در میان شهروندان عادی کُرد لبنانی می‌تواند باعث بروز بی‌تفاوتی سیاسی و به وجود آمدن خوانش‌های جدیدی از مشارکت غلط سیاسی در لبنان شود.

چنانچه که پیش‌تر بحث از خوانش غلط از مشارکت سیاسی جامعه کُردهای لبنان شد می‌توان گفت که بر پایه آمارهای به‌دست‌آمده از پرسشنامه اختیاری داوطلبان عده کثیری از جواب‌دهندگان خود را دارای استقلال سیاسی لازم برای مشارکت اختیاری و آزادانه در انتخابات نمی‌بینند که عامل آن را می‌توان در وابستگی مالی به اشخاص رده‌بالای حزبی و شرکتی دید که مردم عامه زندگی‌وحیات اقتصادی خود را مدیون زحمات و کمک‌های آن‌ها می‌بینند و درنتیجه فرد خود را مستلزم پشتیبانی بی‌چون‌وچرای سیاسی از فرد، شخص و یا حزب خاصی می‌بیند. برای تحقیق و بررسی اوضاع سیاسی کُردها در لبنان و مسئله‌ی مشارکت

عمومی جامعه کُردهای لبنان در میدان انتخابات و سیاست‌گذاری‌های ملی-سیاسی کشور لبنان، باید مراجعه به سال‌های قبل ۱۹۹۶م کرد که جامعه کُردهای لبنان به دلیل قرار داشتن در انزوای سیاسی و عدم‌تغییر در بنیان‌های سیاستِ کشور خود را داخل بازی سیاست دولتی ندید و از مشارکت در آن سرباز زد به‌طوری‌که آمارها حکایت از مشارکت بسیار ضعیفی از جامعه کُردهای لبنان در انتخابات سرتاسری می‌کنند.

در کل می‌توان گفت که تحقیق حاضر مبنی بر ارائه تحلیل دقیقی از اطلاعات و آمارهای موجود درباره سکونت و مهاجرت کُردها در لبنان و همچنین تحلیل سیر نزولی و صعودی پیشرفت‌های آنان در کلیه عرصه‌ها بخصوص عرصه فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی و میزان تأثیرشان بر آن‌ها است. به‌عبارتی‌دیگر مهاجرت و سکنی گزینی در مکانی جدید و بهتر حق هر انسانی بوده و همچنین می‌تواند به‌عنوان عاملی مثبت برای پیشرفت و تعالی کیفیت زندگی هر دو طرف مهاجر و کشور مقصد باشد. هدف دیگر این تحقیق تحلیل قوانین مهاجرت کشور لبنان و چگونگی زندگی و کیفیت مهاجران و ساکنان غیربومی لبنان یعنی کُردها است که امید می‌رود بتواند در آینده نقطه عطفی برای پیشرفت در قوانین و وضع موجود در لبنان باشد و همچنین بتواند به‌عنوان کشوری مقصد برای پناهندگان، شرایطی عاری از جنگ، خشونت و بی‌ثباتی در جهت دستیابی به زندگی بهتر تأمین کند.

کُـردهـای لبنـان

فصل اول

کُردها در اوایل قرن بیستم

مقدمه

به‌منظور درک چگونگی مهاجرت به کشورهای بیگانه باید به قومیت این گروه مهاجر و تشخیص آن‌ها بپردازیم و همچنین به مفهوم مهاجرت به کشورهای بیگانه و تاریخچه‌ی سکنی گزینی در کشور میزبان نگاهی بیندازیم. در اینجا ما به بحث درزمینه‌ی کُردهای لبنان می‌پردازیم. پیدایش مسئله‌ی کُرد نه در لبنان آغازشده و نه‌فقط محدود به این کشور می‌شود.

مهاجرت کُردها به‌سوی لبنان از کشور ترکیه و کُردهای ساکن آنجا شروع شد درحالی‌که دومین موج از ورود گردها به لبنان مربوط به کشور سوریه بود. متأسفانه مطالعات اندکی درزمینهٔ مهاجرت گردها به لبنان وجود دارد.

بر اساس تعریف ما گردها به‌عنوان یک گروه نژادی با عنوان جمعیتی با اسطوره‌ای کهن که خاطرات تاریخی خود را به اشتراک گذاشته‌اند تعریف می‌شود که دارای یک یا چند شاخص از فرهنگ عوام هستند که با بومیان منطقه به هم پیوند می‌خورد (هاتچینسون و اسمیت ۱۹۹۶: ۶).

کُردها جزء پرجمعیت‌ترین اتنیک‌های فاقد دولت و حکومت در منطقه خاورمیانه هستند که در آن‌سوی دیگر هم شامل ارمنی‌ها، چرکسی‌ها (مردمی که در جنوب روسیه زندگی می‌کنند)، یهودی‌ها، دروزی‌های سوریه، علویان و ... است. این گروه‌های نژادی ازنظر زبان، منطقه، تاریخ و مذهب باهم متفاوت هستند (هَریک ۱۹۷۲: ۳۰۶).

ناسیونالیسم مدرن کُردی در دوره بحران قبل از فروپاشی امپراتور عثمانی و وضع قانون اساسی در سال ۱۸۷۸م آغاز شد. دوران حاضر همگام با قبول سرپرستی مناطق تحت السلطه امپراطوری عثمانی در قبال کمک‌های مالی اروپایان است که موجب سرکشی و از کنترل خارج شدن گروه‌های نژادی تُرک از دامان حکومت و همچنین به رسمیت شناختن قیومت دولتهای متخاصم در مناطق قبلی تحت السلطه عثمانی است[1].در سال ۱۸۷۸م، سلطان عبدالحمید دوم تصمیم به تعلیق وضع قانون اساسی و پارلمان (مجلس شورا) گرفت که بعدها در سال ۱۹۰۸م شعله‌فعالیتی را که خودش آن را جنبش ترک جوان نامید، شعله‌ورتر کرد. بعدها جوهره این انقلاب با بازگرداندن پارلمان آغاز شد که بعدها ثمره آن از جانب

---

۱ برخی از این مناطق به شرح ذیل است:

تونس به فرانسه، مصر به بریتانیا، بوسنی به اتریش، لیبی به ایتالیا و قسمت شرقی آناتولیبه به روسیه.

ناسیونالیست‌های کوته‌نظر تبدیل به جنایت‌های شدیدی علیه اقلیت‌های ساکن ترکیه شد. قدرتمندان اروپایی متعهد به معاهده‌های پاریس در سال ۱۸۵۶م، برلین در سال ۱۸۷۸م و سور در سال ۱۹۲۰م به‌منظور محافظت از این اقلیت‌ها و به بهانه غیرمسلمان بودن بخشی از اقلیت‌های ساکن ترکیه به‌عنوان اسلحه‌ای علیه امپراطوری عثمانی اقدام به تصویب قطع‌نامه و پافشاری‌های مبرمی مبنی بر اجرای آن‌ها و اعمال فشار بر کشور ترکیه برای رعایت آن‌ها و قبول قیومیت خودشان بر سر ممالک تحت السلطه کردند (توکتاس ۲۰۰۵: ۴۰۸). بخشی از معاهده سور که قبل معاهده لوزان به تصویب آرا دولت‌های قدرتمند رسید اشاره به تشکیل کشور خودمختار کردستان در نواحی کردنشین ترکیه کرده دارد (داول ۱۹۹۲: ۱۷).

ناسیونالیسم سلطه‌جوی ترکیه جوان بر بسیاری از اقلیت‌هایی که در دولت عثمانی ترکیه قرار داشتند، تأثیر گذاشت. برای مثال اغلب اقلیت‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مجبور بودند سرزمین‌های خود را ترک کنند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: کرد، یونانی[۱]، ارمنی[۲]، ارمنی–سوری[۳]،

---

۱ Carroll Brown and Theodore Ion, *Persecutions of the Greeks in Turkey since the Beginning of the European War,* American-Hellenic Society, New York: Oxford University Press American Branch, ۱۹۱۸.

۲ Roderic H. Davison, Armenian Crisis, ۱۹۱۲-۱۹۱۴, *The American Historical Review*, Vol. ۵۳, No. ۴ (Apr. ۱۹۴۸), pp. ۴۸۱-۵۰۵;

۳ Jenny Thomsen, *The Assyrians/Syriacs of Turkey: A forgotten People*, School of International Migration and Ethnic Relations, Human rights ۶۱-۹۰, Malmô University, fall ۲۰۰۷.

یهودی[1] و چرکسی[2] و لز[3] که همگی تحت تأثیر سیاست دولت-ملت ترکیه جوان و تازه انقلابی‌قرار گرفتند که جایی برای افراد غیر ترک نداشت (داول ۱۹۹۲: ۱).

درواقع پس از سقوط امپراطوری عثمانی تمامی مناطق مخصوصاً آناتولی شاهد نبرد نیروهای اینترناسیونال برای کنترل این منطقه و تضاد داخلی بودند که به‌موجب آن اقلیت‌ها به‌طور متناوب موقعیت خود را پیدا می‌کردند و محیط سیاسی خود را تغییر می‌دادند که بعدها به گفته مفسران به‌مثابه‌ی بازیچه سیاسی بر ضد اقلیت‌ها تلقی شد (دنیز گوکالپ ۲۰۱۱).
بین سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۲۵م، منطقه آناتولی شاهد برون‌ریزی گروه‌های اقلیت و ریزش درونی مسلمانان از دولت‌های بالکان بود. اولین مهاجرت‌های عمده در سال ۱۹۱۵م آغاز شد که همزمان با تصمیم دولت عثمانی مبنی بر اخراج دو میلیون ارمنی از زادگاهشان بود که بعدها با پروژه نسل‌کشی مداوم و اکثریت آنان پایان یافت. دومین پروژه مهاجرت اجباری در ترکیه زمانی بود که دو میلیون یونانی از مناطق آناتولی ترکیه و یونان بعدازاینکه ارتش یونان در مبارزه علیه آتاتورک شکست خورد تبعید شدند (متز ۱۹۹۵).

---

۱ A. a. Pallis, *the Population of Turkey in ۱۹۳۵*, the Geographical Journal, vol. ۹۱, No. ۵, May ۱۹۳۸, pp. ۴۳۹-۴۴۵.

۲ Zeki Sarigil, Comparative Ethno-nationalism: *The Laz vs. Kurds*, APSA ۲۰۰۹ Toronto Meeting Paper, ۲۰۰۹.

۳ Dr. Deniz Gökalp author of a Ph.D. thesis entitled *Beyond Ethnopolitical Contention: The State, Citizenship and Violence in the 'New' Kurdish Question in Turkey*.

با تداوم حملات حکومت ترکیه به اقلیت‌های نژادی و دینی آن کشور در طول دهه ۱۹۲۰م تراکم جمعیتی آن‌ها به‌خصوص بعد از تشکیل جمهوری ترکیه به دلیل نسل‌کشی، جنگ، بی‌ثباتی امنیت، مهاجرت اجباری و... به‌شدت کاهش یافت (سیرکسی ۲۰۰۶: ۵۱). اقلیت‌های گوناگون ساکن ترکیه اعم از کُرد، ارمنی و یونانی پیشینه دیربازی از زندگی در این مناطق دارند و حتی تاریخ اسکانشان به بسی قبل‌تر از عثمانی می‌رسد، اما به دلیل سوءظن و گمان همیشگی و خانمان‌سوز حکومت ترکیه مبنی بر احقاق حقوق آن‌ها و تشکیل کشورها و مناطق مستقل از طرف آن‌ها به‌شدت تحت ظلم و ستم‌های حکومت جمهوری ترکیه جوان قرار گرفتند که برای مثال می‌توان به پروژه تُرکیزاسیون ملی اشاره کرد.

بنا بر گفته سایکس موقعیت جغرافیایی کُردها در طول زمان، مرزهای رودخانه وان و سرزمین‌های هموار ارمنستان بوده که از غرب با رودخانه دجله و از جنوب با دشت‌های عراق هم‌مرز است. آرایش اجتماعی کُردها به‌صورت طایفه‌های کوچک و بزرگ است که سکونتگاه ابتدایی آنان در کوهپایه‌های معتدل شغل دائمی اکثرشان گله‌داری و کشاورزی بوده است (هَریک ۱۹۷۲: ۳۰۷). جوامع آن‌ها بیشتر به‌صورت طایفه‌های چادرنشین و نیمه چادرنشین بوده است. بااین‌وجود در قرن بیستم بسیاری از کُردهایی که به شهرها مهاجرت کردند هویت طایفه‌ای خود را از دست دادند (داول ۱۹۹۲: ۱۲).

بنابراین نظر تاریخی آرایش اجتماعی کُردها به‌صورت هسته‌گرایی مرکزی طوایف است که به‌عبارتی‌دیگر به این معنی است که جوامع

محلی کُردها به‌صورت خویشاوندی و تحت رهبر طایفه اداره می‌شده است که موجب همبستگی ملت کُرد می‌شد (نیسان ۲۰۰۲: ۳۴). سیستم طایفه‌ای وابستگی خونی اغلب بر اساس استثمار زمین‌های طایفه‌ای بود و این در جامعه ارضی به‌خوبی قابل‌اجرا است، به صورتی که مبادله زمین حداقل بود و تولید مازاد کشاورزی توان تهیه پول خارجی را فراهم می‌کرد (هَریک ۱۹۷۲: ۳۰۷). وجود پیوند طایفه‌ای قوی همراه با خاطرات ملی‌گرایانه کُردها از زندگی در کوه‌ها و چادرنشینی و همچنین آگاهی محدود آن‌ها از سرزمین‌های خود و شیوه‌های زندگی اجتماعی مجزا در هر دوره تأثیر بسزایی در ادامه بقا وزندگی سیاسی و اجتماعی کُردها در دوران پسامدرن و مدرن داشته است (نیسان ۱۹۹۱: ۲۸). رهبران سنتی به دلیل ترس از تضعیف موقعیت و قدرتشان، جوامع کردستان را به‌صورت سلسله مراتبی اداره می‌کردند که باعث افزایش سلطه روزافزون دولت ترکیه بر جوامع کُردی و ایجاد مانع بر سر راه تشکیل دولت کُردستان شود (داول ۱۹۹۲: ۱۶).

خودمختاری ایالات کُردی آناتولی تحت فرمانروایی والیان محلی توسط امپراطوری عثمانی گسترش یافت. قوانین امپراطوری عثمانی بدین گونه بود که کلیه والیان محلی یا امیران باید از قوانین عثمانی اعم از پرداخت کامل و سروقت مالیات، جلوگیری از هرگونه ارتباط با ایران و عدم تجاوز به قلمروهای دیگران حمایت کنند که در این صورت خودشان هم حمایت می‌شدند (برونسِن ۱۹۹۲: ۴۲).

آرایش اجتماعی جوامع روستایی کُردها در مناطق حاشیه‌ای و دورافتاده بیشتر به‌صورت طبقاتی و طایفه‌ای بود که نخبگان طایفه‌ای بر روی

کشـــاورزان و طوایف نیمه چادرنشـــین و غیرمهاجر فرمانروایی می کردند (ناتالی ۲۰۰۵: ۷۷۴؛ برونســـن ۱۹۹۲: ۳۴). همان‌طور که نقل‌شـــده اســـت کُردها به‌صـــورت ســـلســـله مراتبی طایفه‌ای و اتحاد طایفه‌ای ســـازمان‌دهی می‌شدند. مردم بسیار وفادار بودند و رهبر منتخب یک طایفه به‌خوبی قادر بود پیروان زیـادی بـه دســـت آورد و حتی نظر گروه‌هـای دیگر یـا حتی حکومـت‌هـای دیگر را به خود جلب کند (دیوید مک داول ۱۹۹۲: ۱۲). درنتیجه، رقابت‌های داخلی و افسانه‌های طایفه‌ای همراه با روابط استثماری بین حاکمان و طبقات موردنظر لشـــکرکشـــی‌های طولانی‌در جوامع کُرد ایجاد کرد (برونسـن ۱۹۹۲: ۳۴).شیوه حکومت طوایف به‌صورت فئودالی بود کـه بـه‌موجب آن طبقه‌های مجزایی به نام آقاها شـــکل می‌گرفت که فقط خودشان به آموزش مدرن و اقتصاد پایدار دسترسی داشتند و به‌ندرت با مردهای طایفه‌های خود ازدواج می‌کردند (برونسن، ۱۹۹۲: ۴۱). آقاها با استفاده از اســتراتژی تقســیم کردن و تحریک طوایف به غلبه بر یکدیگر باعث به وجود آمدن رقابت‌های داخلی فرسـایشـی درون طایفه‌ای شـدند؛ بـه‌طوری‌کـه از طرف دیگر بـاعـث تضـــعیف نیروی ملی کُردها در برابر جاه‌طلبی‌های ناسیونالیسم تُرک شد (داول ۱۹۹۲: ۲).

این شـــرح خلاصـــه از جوامع کُرد به‌منظور مشـــخص کردن پیچیدگی اجتماعی و طبقه‌بندی سیاسی جوامع کُردستان است که تبدیل به تراژدی شـــکل‌گیری نیروهای داخلی اجتماعی کُرد با عوامل خارجی و غیرکُردها درگذشـــته اســـت. بعلاوه پیچیدگی تفاوت این اقلیت‌ها مذاهب و زبان‌ها تقســیمات اقلیتی را از بین برده اســـت. علی‌رغم نفوذ جامعه‌ی پســـامدرن مبتنی بر خویشاوندی نسبی و هنجارهای سیاسی و آرایش اجتماعی کُردها

بر طبقه مذاهب و طایفه‌هایشان تقسیم‌بندی شده‌اند. به‌مرورزمان تنها یک هویت اصلی و شاهرگ اشتراکی در بین همه‌ی کُردها وجود داشت که آن‌هم زبان، فرهنگ و قلمرو مشخص و یگانه کُردها در منطقه بود.

علی‌رغم وجود تعارضات و عدم اتحاد جوامع کُردستان با همدیگر تاریخ معاصر کُردها سرشار از تلاش‌های نافرجام فردی و دسته‌جمعی جوامع کُرد برای دستیابی به کشور مستقل کُردستان است که به دلیل مقاومت فرسایشی حکومت‌ها و دامن زدن به اختلافات داخلی جوامع کُردی از طرف نیروهای خودی و بیگانه تمامی تلاش‌های دسته‌جمعی برای مقاومت در برابر هژمونی هجوم نیروهای دشمن دیگر ملل به قیمت تقسیم کردن و چند پارگی میان کُردها کاهش یافت (برونسن ۱۹۹۲: ۳۴). سرهنگ عزالدین چاه‌شالار منشی دفتر ریاست جمهوری آتاتورک در تاریخ ۲ ماه می سال ۱۹۱۶م درباره کُردهای «دیاربکر»[1] می‌نویسد: دشمن مقاومت بسیار بزرگی از خود نشان داد؛ هنوز بیشتر آن‌ها تمایلی به دفاع کردن از سرزمین خود ندارند. به‌طورکلی دشمن هیچ درکی از معنا و مفهوم تُرک و دولت ندارد. آن‌ها هیچ کاری برای خدمت‌رسانی به ارتش انجام نمی‌دهند. به‌طور خلاصه آن‌ها هنوز جایی را فتح نکرده‌اند. آن‌ها فقط از رهبران و شیوخ طایفه‌ای اطاعت می‌کنند. البته شیخ‌ها و رهبرانی که بر این بخش‌ها تأثیر زیادی بگذارند (مانگو ۱۹۹۹: ۲).

---

۱ شهری کُردنشین در شمال کُردستان (ترکیه) که پس از به قدرت رسیدن آتاتورک و آغاز پروژه تُرکیزاسیون ملی از ئامه د به دیار بکر تغییر یافت. مترجم

ملت‌سازی

سرآغاز جنبش ترک‌های جوان در سال ۱۸۸۹م به‌صورت اتحادیه‌ای از گروه‌های اصلاح‌طلب و مختلف روشنفکران، مخالفین در تبعید و افسران ارتش بخصوص آن‌هایی که در مرکز فرماندهی ارتش سوم در سالونیکا- که شامل مصطفی کمال آتاتورک هم می‌شد- اعمال وظیفه می کردند نشأت می گرفت. ملی گرایی آتاتورک بیشتر بر سر آنچه در اروپا و بخش اروپایی اتفاق افتاده بود نشأت می گرفت. به گونه‌ای که بعدها اندیشه دموکراسی خود را مبنی بر آن ترویج داد. در ۱۹۰۶م، چند سازمان مختلف اعم از ترک‌های جوان به نیروهای انقلابی پیوستند و کمیته اتحاد و ترقی را تشکیل دادند که توانست امپراطوری را از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۸م اداره کند. شور و اشتیاق ترک‌های جوان توسط روشنفکرانی چون نامیک کمال که بعدها به‌عنوان شاعر انقلاب و شاعر آزادی شناخته شد، تحریک می‌شد. وی در ۱۸۷۸م این گونه نوشت: باید سعی کنیم تمام زبان‌ها را در کشورمان به‌جز زبان تُرکی نابود کنیم، آیا ما باید به آلبانیایی‌ها، لَزها و کُردها سلاحی معنوی با اقتباس و پذیرش شخصیت‌هایشان بدهیم؟...زبان احتمالاً محکم‌ترین مانع باشد... شاید محکم‌تر از مذهب ... بر ضد اتحاد ملی (مانگو ۱۹۹۴: ۴).

جنبش ازیک‌طرف به دنبال مدرنیته بود درحالی که از سوی دیگر، می‌خواست آنچه از امپراطوری باقی‌مانده بود را حفظ کند این به معنای از بین بردن هر گونه تلاشی در جهت استقلال اقلیت است (به خاطر اتحاد آنچه از سرزمین امپراطوری عثمانی باقی‌مانده بود). هنوز مدت زیادی از

تجزیه امپراتوری و تأثیرات آن بر ترکیه نگذشته بود که انقلابیون تُرک تصمیم به اتحاد فاجعه‌بار با آلمان‌ها را گرفتند به این امید که تاکتیک امپراطوری را حفظ کند. در این صورت پیروزی متفقین طلیعه‌ای در پایان قدرت خود تُرک‌های جوان بود؛ اما همه‌چیز از دست نرفته بود در طول این مدت کوتاه آن‌ها در پایه‌ریزی دولت-ملت ترکیه در آسیای صغیر موفق شدند که متعاقباً تحت رهبری مصطفی کمال آتاتورک به وجود آمد. بعد از جنگ جهانی اول و شکست نیروهای یونانی که به امید تقسیم ناعادلانه‌ی دولت نوپای ترکیه به آسیای صغیر هجوم بردند، مصطفی کمال رهبر جنبش انقلابی ۱۹۲۳م در ایجاد و سازمان‌دهی دولت ترکیه موفق شد و این‌گونه به او لقب آتاتورک توسط پارلمان به او داده شد.

از ۱۹۲۳ تا ۱۹۴۵م ترکیه توسط حزب خلق جمهوری‌خواه اداره می‌شد. این دوره به نام دوره انضمام تک‌حزبی شناخته شد؛ یعنی هنگامی‌که سیاست‌هایش برای ایجاد یک دولت-ملت ترکی و ایجاد شهروندی ترکیه‌ای تا حد زیادی از طریق همسان کردن جامعه تحت اصطلاح آتاتورک توصیف و مشخص می‌شد (توکتاس ۲۰۰۵:۴۲۰). در پی تجدید حیات ناسیونالیسم ترکی، این دوره عموماً با ستمگری بر ضد گروه‌های غیرمسلمان و غیر ترک مشخص‌شده است.

کُردها در حکومت آتاتورک

تمام جمعیت میان مرزهای

رسمی ترکیه بدون توجه به خواستگاه نژادی و مذهبی‌شان و بر اساس مدل جمهوری‌خواه فرانسه برچسب شهروندان ترکیه‌ای خوردند؛ بنابراین به‌طور قانونی هر شخص در جمهوری بدون توجه به جنس، نژاد، قومیت یا مذهب به‌عنوان یک ترک طبقه‌بندی شد. بر این اساس جمهوری ترکیه هیچ گروه نژادی را به‌عنوان اقلیت به رسمیت نشناخت که چنین حالتی تنها به شهروندان غیرمسلمان اطلاق شد. واژه یا لفظ اقلیت تنها برای غیرمسلمان به کار می‌رفت. ارمنی‌هایی که در آناتولی ماندند به‌صورت گروه اقلیتی بررسی می‌شدند، اما با این تفاوت که آن‌ها هم هنوز شهروندان ترکیه‌ای بودند. از طرف دیگر کُردها به‌عنوان شهروندان ترکیه‌ای، بدون در نظر گرفتن هیچ تفاوتی همانند موقعیت نژادی و قانونی با آن‌ها رفتار می‌شد. کُردهای ترکیه تحت قانون به‌عنوان شهروندان برابر تحت خط قرمزی که به‌طور اجباری با آن‌ها وفق داده‌شده بود موردپذیرش واقع شدند[۱]. ازآنجایی‌که هویت کردی به رسمیت شناخته‌نشده بود، زبان و فرهنگ کردی علاوه بر اینکه بخشی از سیستم آموزشی رسمی نبود تکلم و نوشتار آن نیز جرمی غیرقانونی تلقی می‌شد. به‌عبارت‌دیگر، کُردها همیشه تُرک‌های بالقوه یا متمایل با حقوق کامل شهروندی بودند تا مادامی‌که آن‌ها تُرک بودن تحمیلی‌شان را می‌پذیرفتند. در این رابطه رژیم شهروندی ترکیه‌ای بیشتر حکومتی فراگیر است تا انحصاری (یِگِن ۲۰۰۴: ۵۱-۶۶).

---

۱ Gunter, M.M. (۲۰۰۸), *The Kurds Ascending – The Evolving Solution to the Kurdish Problem in Iraq and Turkey*, New York: Palgrave Macmillan, p.۲.

سوریه، ایران و عراق دولت‌سازی خودشان را بر اساس تجربه ترکیه دهه ۱۹۲۰م و ایجاد گذرگاه مدرنیزاسیون خاورمیانه‌ای نمونه‌گیری کردند. هر چهار کشور ایدئولوژی‌هایی ملی اتخاذ کردند که مبتنی بر هویت و فرهنگ غالب بود و هر وضعیت خاص برای هویت و فرهنگ گروه‌های اقلیتی را مانع می‌شد. در پاسخ، یک حزب بافکر ملی‌گرایانه‌ی میان این گروه‌های نژادی، هویت‌های متضاد بی‌شماری گسترش دادند. این استراتژی‌ها، به‌هرحال به‌نوبه‌ی خود اغلب توسط همگن‌سازها و رهبران سنتی میان این گروه‌ها که شانس و فرصت بیشتری در دنبال کردن پروژه‌های همگن‌سازی می‌دیدند، تحمیل می‌شد (نوگِنت ۱۹۹۴: ۳۳۴)؛ بنابراین سیستمی از مشوقین منحرف طلب هویت نژادی در ترکیه و دولت‌های همسایه‌اش شکل گرفت. کُردهای ترکیه چندین باربر ضد روند همگن‌سازی طغیان کردند که سبب شد چندین اردوکشی علیه آن‌ها در ترکیه راه‌اندازی شود. یکی از شورش‌های اصلی تحت رهبری شیخ سعید که هزاران کُرد را در اطراف خودش بر ضد دولت مصطفی کمال آتاتورک گردآورده بود، رخ داد.

کُردهای ترکیه به‌طور متوالی و در چند برهه زمانی پی‌درپی دست به انجام جنبش‌های متعددی علیه سیاست‌های خصمانه دولت ترکیه(مبنی بر تُرکیزاسیون ملی، آسمیلاسیون ملی زبان و فرهنگ کُردها) زدند که برای مثال می‌توان به جنبش شیخ سعید پیران علیه آتاتورک اشاره کرد. جنبش مذکور نتیجه اتحاد روشنفکران کُردها، افسران بلندپایه نظامی مستخدمین دولتی و کنترل مفروض روحانیت بر بخشی از استان‌های شرقی نظیر شهر دیاربکر بود که پس از مدت کوتاهی بدون موفقیت و شدیداً سرکوب شد

(بزارسلان ۱۹۸۸). دیری نپایید که انقلابیون کُرد در معرض تاکتیک‌های بی‌رحمانه‌ای اتخاذشده توسط نیروی نظامی ترکیه قرار گرفتند که از ترفندهای زمین سوخته و بمباران هوایی جهت فشار بر سرکشان استفاده می‌کردند. در این رخداد، شیخ سعید دستگیر و در ۲۹ ژوئن ۱۹۲۵م با ۴۶ نفر از حامیان و نزدیکانش اعدام شد (السن ۱۹۸۹).

مورخین در باب علت مخالفت و شورش شیخ سعید مبنی بر اینکه علیه سیاست‌های سکولاری آتاتورک که قدرت شیخ‌های دوره عثمانی و رهبران قبیله‌ای را کاهش داده بود باهم توافق ندارند که آیا شورش شیخ سعید بیشتر علیه اصلاحات سکولاری آتاتورک بود یا واقعاً شورشی ملی‌گرایان بود که به عقیده برخی به فتنه‌انگیزی آن توسط بریتانیایی‌ها که در ذخایر نفتی موصل منفعت داشتند اشاره‌کرده‌اند (السن و تاکر ۱۹۷۸: ۱۹۶). اهمیت جنبش در آن بود که واقعه ذیل هر دو قشر جامعه کُردها را که اعم از انقلابی و غیرانقلابی بودند مجبور به ترک وطن و آوارگی کوه‌ها کرد. موفقیت سیاست تهدید و اجبار دولت ترکیه منجر به سرکوب خشونت‌بار کوچک‌ترین نشانه از جنبش کُردی شد.

وقتی دولت در پی جنبش درسیم[1] تصمیم به دوباره سازمان‌دهی منطقه گرفت علاوه بر تغییر نام آن به تونجلی، کلیه نیروهای نظامی‌اش را به‌منظور سرکوب جنبش کُردهای سرکش در بهار سال ۱۹۳۸م جمع کرد. کنسولگری بریتانیا در ترابوزُن در طی گزارشی به وزارت امور خارجه در

---

۱ یکی از استان‌های شمال کردستان در جنوب کشور ترکیه است که در طول پروژه تُرکیزاسیون ملی به تونجلی تغییر نام یافت. مترجم

لندن در ۲۷ سپتامبر ۱۹۳۸م اعلام کرد هزاران کُرد شامل زنان و بچه‌ها به قتل رسانده شدند. مادران، اکثر بچه‌های خود را به درون فرات انداختند درحالی که هزاران نفر دیگر در نواحی کمتر متخاصم که در ابتدا از احشام و سایر متعلقاتشان محروم شده بودند به استان‌های مرکزی آناتولی تبعید شدند. (مارتین وان برونسن ۱۹۹۴: ۱۴۱). چنان اردوکشی وحشیانه‌ای علیه مردم غیرنظامی و بی‌دفاع به بهانه سرکشی و شورش هیچ دلیل منطقی ندارد بلکه به نظر می‌رسد که نتیجه سیاستی اعم از تهدید و ارعابی مخرب به‌منظور نابودی خشونت‌بار هویت کُردی باشد[1] (برونسن ۱۹۹۴: ۱۴۴-۱۴۵). این رخدادها عمیقاً نظم کهن اجتماع کُردی را بی‌ثبات کرد. دوره طولانی خلافت و سلطنت کُردها را برای ساخت برنامه ملی (کشور مستقل کُردستان) آماده کرده بود. نخبگان کُرد باید تعاملی سیاسی از نوع سناریوی مدرن را با جمع جدیدی از بازگیران جدید عرصه سیاست شامل کشورهای تحت حمایت بریتانیا در عراق و دولت‌های خاورمیانه‌ای ملی جدید یاد می‌گرفتند. علیرغم این حقیقت که کُردها نمایندگی سیاسی باثباتی در طول زمان نداشته‌اند، بخشی از آن‌ها در پی تلاش‌های مستمر بی‌نتیجه و عواقب خون‌بار آن برای جوامع کُردی قانونی بودن و مشروعیت ترکیه را پذیرفتند و عده دیگر هم به بلندپروازی خود برای دستیابی به خودمختاری بیشتر ادامه دادند. در هر مورد، گردش رویدادهای ذکرشده در بالا سبب افزایش مهاجرت داخلی به شهرها و مهاجرت خارجی از جنوب شرق ترکیه به سایر کشورها ازجمله لبنان شد.

---

۱ David McDowall, *A modern history of the Kurds*,۲۰۰۰ : ۲۰۷-۲۱۰.

کُردها

بررسی ما در بالا با ارتباط با شکل گیری سیاسی مسئله‌ی کُرد است؛ بنابراین جهت فهم دقیق و ایجاد آگاهی در ارتباط با مسئله‌ی کُرد و ریشه نژادی او ابتدا باید آن را از دیدگاه انسان‌شناسی و پیشینه تاریخی این ملت مورد تفحص قرارداد. پیدایش مردم کُرد فراتر از حوزه‌ی آکادمیک این رساله است[۱]. می‌توان گفت که کُردها آمیخته‌ای نژادی از قبایل ایرانی و ایرانیزه شده می‌باشند و همچنین امکان دارد برخی از آن‌ها بومی و از قبیله کاردو، سامی و دیگر نژادها باشند (دیوید مک داول ۱۹۹۲: ۱۱). تا به اکنون، هیچ اطلاعات آماری و جمعیتی راجع به پراکندگی کُردها در سطح جهان وجود ندارد. برای نمونه، تعیین جمعیت ملتی پراکنده در چهار جغرافیای سیاسی مهم منطقه‌ای (ترکیه، ایران، عراق و سوریه) که همواره از مسئله‌ی کُرد معنای سیاسی بحث‌برانگیزی دارد کار بسیار سختی است. اگرچه کُردهای ترکیه محققاً از عدم تعلق به یک گروه نژادی خاص (نظیر ایرانی، کورک، یهودی، عرب و آرامی / سریانی) آگاه هستند، اما به دلایل نامحسوسی هیچ اتفاق آرایی در این مورد که چه چیزی این هویت نژادی را تشکیل می‌دهد و مرزهای گروه نژادی‌شان کدام است وجود ندارد (برونسن ۲۰۰۰: ۱). آنچه بیشتر به‌عنوان آگاهی نژادی در مسئله‌ی کُرد رایج است بیشتر میان طبقه تحصیل‌کرده جوامع کُردی رایج و موردبحث قرار می گیرد، به‌طوری که هر قشر مشخصی از

---

۱ Mehrdad R. Izady, *Exploring Kurdish Origins*, Harvard University, a lecture given on March ۱۰, ۱۹۹۳ and published in The Kurdish Life, Number ۷, Summer ۱۹۹۳.

جامعه کُردستان -برای مثال دهقان و کارگر- خوانش متفاوتی از تقسیمات زبان و مذهب در کُردستان دارد.

تنوع مذهبی و زبانی

اکثریت کُردها، پیرو مکتب شافعی هستند؛ اما می‌توان در میان آن‌ها مسلمان شیعه، عَلَوی، مَسیحی، یَهودی، یَزیدی، اَهلِ حَق، قِزلباش و بابی هم پیدا کرد. همچنین می‌توان گروه‌های زیر قومی دیگری نظیر زازا، اَهلِ حَق و فَیلی را میان کُردها یافت. زبان کُرمانجی، به دو بخش؛ کُرمانجی شمالی یا بَهدینانی در کُردستان ترکیه، کُرمانجی جنوبی یا شَکاکی در کُردستان ایران و کُردی سورانی در جنوب کردستان تقسیم می‌شود. اکثر متکلمان زیر لهجه‌های اصلی کُرمانجی نظیر مُکری، اَردَلانی، گرمیانی، خُوشناو، پژدَر، وَرماوا، کرمانشاهی و اَربیلی می‌باشند. زبان‌های مرتبط دیگری هم مانند زازا و گوران که ریشه در قسمت‌های مختلف کردستان دارند در دیار بکر تکلم می‌شوند. زازاها و گوران‌ها علاوه بر باورمندی‌شان بر سر دارا بودن هویت کُردی همانند بقیه جوامع کُردستان خود را کُرد تلقی می‌کنند. بر پایه نظریه‌ای عمومی «زبان کُردی گواهی بر نماد هویت جداگانه‌ی کُردها است» (کرینبروک ۱۹۹۲: ۶۹) و همچنین باید به یادداشت که همه کُردها به یک مذهب معتقد نبوده و به یک‌زبان هم تکلم نمی‌کنند (مارتین وان برونسن، ۱۹۹۲:۳۴)؛ در حقیقت زبان کُردی محاوره‌ای نشان‌دهنده تأثیرپذیری شدید آن در حوزه لغت و دستور زبان از زبان‌های غالب و رسمی دیگری نظیر تُرکی، فارسی، عربی است (وان برونسن ۱۹۹۲: ۳۵). چندی پس از تغییر رسم‌الخط عربی در ترکیه توسط

آتاتورک، جلادت بَدرخان رهبر سیاسی و ملی‌گرا در تبعید کُرد در دهه ۱۹۳۰م رسم‌الخط زبان کُردی کُرمانجی را به لاتین تبدیل کرد و همگام با سایر روشنفکران کُرد و کرد شناسان فرانسوی تبدیل به اولین رهگذران رُنسانس مُدرن فرهنگ کُردی شدند. جریان روشنفکری فوق تا حدودی به‌عنوان تجدید حیات اساطیر، ضرب‌المثل‌ها و اشعار کُردی چاپ‌شده در جهان غرب است که نتایج بیشتر تحقیقات خود را به‌صورت کتاب و به زبان‌های غربی (بخصوص فرانسوی) ارائه دادند.

فصل دوم

کُـردهـای لبنـان

مقدمه

در فصـــل دوم، هدف ما بررســـی اجمالی تاریخ کُردها همراه با تأکید بر رخدادهای اصلی در حوزه جغرافیای کردستان اعم از مهاجرت‌های اصلی و طولانی کُردهـا بـه خارج از مناطقی اســـت که در آن زندگی می‌کنند. همچنین تلاش می‌کنیم کـه در همـان بخش اشـــاره‌ای به برخی جنبه‌های مرتبط باسـیاسـت ترکی سـازی دولت ترکیه در نیمه اول قرن بیسـتم که به‌عنوان مدلی از مدرنیزاسیون و ملت‌سازی برای سایر دولت‌ها در منطقه به کار گرفته شد را ارائه دهیم. حکومت کمالیست ترکیه (وابسته به مصطفی کمال پاشا آتاتورک) کشور را به‌صورت طرحی به‌عنوان مهندسی جمعیت در تلاش برای ایجاد تشکیل یک دولت-ملت مدرن، سکولار و متمرکز اداره می‌کرد. هدف دیگر ما در این تحقیق بررسـی کامل عوامل آوارگی و جابجایی کُردها از سـرزمین مادری‌شـان در اواخر دوره عثمانی و اوایل جمهوریت اســـت به‌طوری‌که بتوان خلاصـــه‌ای بســـیار دقیق از تاریخ و نژادشناسی کُردها با تأکید بر زبان و مذهبشان ارائه دهیم.

در این بخش از تحقیق هـدف ما ارائه و بررســـی فاکتورهای عاملی و کششی مهاجرت و سکنی گزینی کُردها در لبنان و همچنین تحلیل اوضاع اجتماعی-اقتصـادی و سیاسـی‌شـان به‌محض ورودشـان به‌لبنان و سـکنی گزینی آن‌ها در کشوری آزاد است. به همین دلیل در ابتدا، باید مطالعه‌ای اجمـالی بر روی جـامعـه لبنـانی و ملتی کـه مهاجرین در میان آن‌ها اقامت کرده‌اند را انجام دهیم.

مساحت جمهوری لبنان ۱۰۴۵۲ کیلومترمربع واقع در ساحل شرقی دریای مدیترانه است. لبنان تا پایان جنگ جهانی اول تحت کنترل امپراطوری عثمانی بود، اما مصادف با شکست امپراطوری عثمانی تحت سرپرستی و کنترل سیاسی کشور فرانسه آمد. قانون اساسی لبنان در ۱۹۲۶م نوشته شد و بعد از قانون اساسی جمهوری سوم فرانسه مدل گیری شد. کشور لبنان در سال ۱۹۴۳م و پس از انعقاد قرارداد نانوشته تحت عنوان پیمان ملی، قدرت سیاسی و اجتماعی حکومت لبنان را به‌طور اعترافی در دست احزاب و گروه‌های متنوع مذهبی قرارداد. این سیستم در توافقنامه طائف و پس از پایان جنگ داخلی اول در سال ۱۹۸۹م اصلاح شد، اما هنوز هم قدرت حزبی احزاب و سایر گروه‌ها سایه بر کنترل ادارات دولتی لبنان افکنده است[1].

لبنان کشوری بر مبنای دموکراسی پارلمانی است که در آن شهروندان به‌طور مستقیم ۱۲۸ نماینده در پارلمان را هر چهار سال یک‌بار انتخاب می‌کنند و پارلمان هم در مقابل آن هر ۶ سال یک‌بار رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کند. ۱۲۸ کُرسی پارلمان به‌طور مساوی بین مسیحیان و مسلمانان و بین فرقه‌های مربوطه تقسیم می‌شوند[2]. هر کدام از ۲۶ نواحی

---

۱ Mona Yacoubian, *Lebanon's Unstable Equilibrium*, United States Institute of Peace, USIPeace Briefing, November ۲۰۰۹.

۲ از مجموع ۱۲۸ کُرسی پارلمان، ۶۴ کُرسی به مسیحیان، ۲۴ کُرسی به مارونی ها، ۱۴ کُرسی به یونانیان اُرتُدکس، ۸ کُرسی به یونانیان کاتولیک، ۵ کُرسی به ارمنی‌های اُرتُدکس، یک کُرسی به ارمنی‌های کاتولیک، یک کُرسی برای پرِتستان‌ها و یک کُرسی آخر هم برای نماینده دیگر اقلیت‌های ساکن لبنان. از مجموع ۶۴ کُرسی مربوط به جامعه مسلمانان، ۲۷ کُرسی آن به

لبنان سهمیه‌هایی از پیش مقررشده‌برای انتخاب نمایندگان فِرَق دارند. رأی‌دهندگان می‌توانند علاوه بر اتخاذ رأی برای نمایندگان خودشان به نمایندگان تمام فرقه‌های موجود در انتخابات رأی دهند که در این صورت مجموع آرا نمایندگان به بیشترین حد ممکن خود می‌رسد (کامات ۲۰۰۹).

قانون اساسی لبنان بر طبق آرا و جمعیت اقلیت‌های لبنانی صدارت هرکدام از سه منصب دولتی حکومت لبنان را به شیوه ذیل تعیین می‌کند: رئیس‌جمهور باید یک مسیحی مارونی باشد، سخنگوی پارلمان یک شیعه و نخست‌وزیر یک سنی باشد. ازنظر جمعیتی، کشور لبنان مشتمل بر ۱۸ گروه نژادی و مذهبی است که به رسمیت شناخته‌شده است. کشور لبنان به دلایل سیاسی و از سال ۱۹۳۲م سرشماری ملی رسمی نداشته است، به همین دلیل هیچ آمار رسمی و غیررسمی در مورد جمعیت کلی و دقیق گروه‌های نژادی و اقلیتی ساکن لبنان وجود ندارد. اخیراً جمعیت کلی لبنان به چهار میلیون نفر که اکثریتشان مسلمانان شیعه و سنی و سمیعی هستند تخمین زده‌شده است. بر طبق قانون اساسی لبنان تمامی مذاهب دارای آزادی عمل برای انجام تشریفات مذهبی خود هستند. این جمعیت شامل ۴۰۰/۰۰۰ پناهنده فلسطینی تخمین زده‌شده که از طریق سازمان بین‌المللی مهاجران پناهنده کشور لبنان شده‌اند.

اهل سنت، ۲۷ کُرسی به اهل تشیع، ۸ کُرسی به دروزی‌ها و ۲ کُرسی به علوی‌ها سپرده‌شده است.

علاوه بر تکلم اکثر کشـور لبنان به زبان عربی و به‌عنوان زبان رسـمی و غالب کشـور زبان‌های دیگری نظیر زبان سُریانی، اَرمنی، کُردی، تُرکی و کِلدانی هم توسـط اجتماعات متنوع نژادی-مذهبی کشـور مورداسـتفاده قرار می‌گیرند.

بخش خدمات کشور لبنان سالانه سهمی بالغ‌بر ۷۰ درصد تولید ناخالص ملی را تـأمین می‌کنـد؛ ازنظر تـاریخی لبنان یکی از مراکز عالی و تجاری خاورمیانه بوده است. سلامت اقتصادی کشور لبنان مبنی بر وجود صنایعی نظیر کشـاورزی، صنـایع کوچک، توریسم و بانکداری است؛ اما این آمار به‌طور چشـمگیری پس از جنگ داخلی لبنان سـال ۱۹۸۹م تبدیل به ۲۳ تا ۲۵ درصـد تولید ناخالص ملی شـده اسـت که فشـار مضـاعفی بر اقتصـاد پناهندگان و ساکنان غیربومی لبنان گذاشته است.

بی‌ثباتی سیاسـی و خشـونت لبنان را از آغاز قرن بیستم به ستوه آورده اسـت. خشـونـت در بخشـی به دلیل تعارض‌های داخلی بین گروه‌های مختلف نژادی و مذهبی اسـت و در بخشی به دلیل سرریز شدن تعارضات درون دولتی همسـایگانش است که منجر به انفجار خشونت مزمن و ضربه سـاختارگرایی بـه شـالوده فیزیکی کشـور در کلیـه‌ی عرصـه‌ها نظیر محیط‌زیسـت و اقتصـاد کرده اسـت که خود دلیلی برای افزایش سـیل مهاجرت مردم به خارج از کشور است.

حتی تحت این اوضاع نابسامان، اقتصاد لبنان به علت انعطاف‌پذیر بودن سـاختار اقتصادی‌اش، حالت ارتجاعی قابل‌توجهی از خود نشان داده است و تقریباً به‌طور گسـترده‌ای از وجود شـرکت‌های تجاری کوچک و روح

کارآفرینی قوی جمعیتش منفعت می‌برد و همچنین به دلیل غنای اعتبار بخش مالی و بانکداری‌اش، شبکه‌ای غیررسمی و بین‌المللی از لبنانی‌های مهاجر را اداره می‌کند. کشور لبنان به دلیل پرداخت‌های اعتباری کلان و کمک خاص به پناهندگان همواره جزء کشورهای میزبان پناهندگان بوده است.

کُردها و لبنان

یک مرور ادبیاتی خلاصه نشان می‌دهد که حضور کُردها در لبنان به قرون پیش از یازدهم میلادی می‌رسد. در دوره حکومت والیانی همچون سیبل‌الدول و مِرداسید حاکم حلب (۱۰۴۱-۱۰۲۹ میلادی) چند قبیله وفادار از مسلمانان سلطنتی در دشت‌های آکار و بوقای بخش شمالی لبنان اسکان داده شدند (صلیبی ۱۹۷۳: ۲۱). کُردها در قلعه‌ای تاریخی به نام دژ شهسوران که بعدها نامش به دژ کُردها تغییر یافت سکنی گزیدند. بعدها دژ و همهٔ طرابلس دوباره به دستان صلیبیان افتاد و کُردها همراه با مابقی جمعیت دژ پراکنده و مطیع آن‌ها شدند. بعدازاینکه ممالک درقرن سیزدهم طرابلس را از صلیبیان باز پس گرفتند، اجتماعات تازه‌ای از قبایل کُرد و ترکمن در قسمت‌های مختلف لبنان جهت کنترل مناطق داخلی کوهستانی و محافظت از راه‌های عبور به داخل کشور تأسیس شد. (صلیبی، ۱۹۷۳: ۲۷).

کُردها به سبب جنگاوری و اعتبار تاریخی‌شان در سلحشوری نظامی به اولین پیشگامان سنتی خدمت نظامی برای رژیم‌های صاحب قدرت مبدل شدند (داول ۱۹۹۲: ۱۱)؛ که حضور کُردها در طرابلس و بخشی از مناطق

کوهستانی سوریه خود دلیلی بر اثبات این نظریه است (ایزدی ۱۹۹۲: ۹۵). بررسی تاریخی حضور کُردها در لبنان بسی بیشتر از یک کنجکاوی تاریخی است؛ به‌طوری‌که در تحقیقات انجام‌شده به نظر می‌رسد که کُردها به‌عنوان یک نیروی نظامی ضروری و وفادار به حکومت لبنان حضوری پررنگ در عرصه ملی آن کشور داشته‌اند. همچنین بسیاری از خانواده‌های نخبگان لبنانی ریشه کُردی دارند که برخی از آن‌ها شامل جنبلاط‌ها و عِمادها در مناطق کوهستانی لبنان، میرابی و اَبوودها در آگار و در شمال لبنان و فادِل‌ها در جنوب لبنان می‌باشند (ماوسلی ۱۹۹۵: ۴۹۴).

حتی اگر لبنان هم جایگاه موثق کُردها برای فعالیت وزندگی نمی‌بود بحث فوق ما چنان‌که باید، ادامه پیدا می‌کرد. علاقه ما به بررسی جوامع کُردی دوران مُدرن همراه با مهاجرت موج اول مهاجرین در نیمه اول قرن بیستم شروع می‌شود[1] که پس‌ازآن، موج دوم در نیمه دوم قرن به همان دلیل قبلی که عدم آسایش در سرزمین مادری‌شان بود صورت گرفت[2]. بیشتر کُردهایی که در طول‌موج اول به لبنان آمده بودند از نواحی ماردین

---

۱ Jean-David Mizrahi, (۲۰۰۳) *Genèse de l'Etat mandataire*. Service des Renseignements ET bandes armées en Syrie ET au Liban dans les années ۱۹۲۰, Paris, Publications de la Sorbonne. Méouchy, Nadine (۲۰۰۲) France ET Liban ۱۹۱۸-۱۹۴۶. Les ambiguïtés ET les dynamiques de la relation mandataire, Damas, Institut Français d'Etudes Arabes de Damas.

۲ Jordi Tejel, *Syria's Kurds: History, Politics and Society*, Translated from the French by Emily Welle and Jane Welle, London and New York: Routledge, ۲۰۰۹.

و طور عابدین در ترکیه رخت بسته بودند. مسیر مهاجرت آن‌ها از راه سوریه بود که برخی از آن‌ها مدتی قبل از اینکه به لبنان بروند در سوریه ماندند (داول، ۲۰۰۴: ۴۸۵). موج دوم مهاجران کُرد به‌سوی لبنان کُردهای سوریه‌ای بودند که در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ توسط رژیم سوریه از حقوق وزندگی شهروندی سوریه محروم شدند.

کریستوفرکلای در مقاله‌اش تحت عنوان مهاجرت کاری و اوضاع اقتصادی در آناتولی قرن نوزدهم خاطرنشان کرد که: مهاجرت و تبعیدهای این برهه زمانی تأثیرات غیرمنتظره‌ای بر جنبش کارگری داخل و خارج امپراطوری عثمانی گذاشته است. او همچنین اوضاع اجتماعی - اقتصادی آناتولی و کالاهایی که در آن زمان به‌طور محلی و بالاجبار سرازیر بازار می‌شدند و در حال فاسدشدن بودند را مورد خطاب قرارداد. نامبرده اذعان می‌دارد که در واکنش به این فشار اقتصادی عواملی چون بیکاری و مهاجرت از روستاها به‌سوی کلان‌شهرها که قادر به جذب اکثریت آن‌هایی که یا مجبور بودند و یا میل داشتند روستاهایشان را ترک کنند افزایش یافت (کلای، ۱۹۹۸: ۶).

کُردها و لُزها بیشترین حجم نیروی کار مهاجر دوره عثمانی قبل از دهه ۱۸۵۰م را تشکیل می‌دادند. بنا بر الگوی زنده اجتماعی که تا امروز ادامه دارد بیشتر پولی را که از طریق کار کسب می‌کنند به وطن خود بازمی‌فرستند. پروسه بازفرستادن پول به‌سوی وطن اصلی کُردها امری عادی به‌حساب می‌نماید. کارگران یا حَمالین کُردی که در لبنان کار می‌کنند به‌منظور پنهان سرمایه کاری خود لباس‌های مندرس و کمربندهای

چرمی پنهان‌شده‌ای می‌پوشیدند که در آن سکه‌های طلا را که به خانه می‌برند پنهان کنند (کلای ۱۹۹۸: ۱۲-۱۶).

تحقیق فوق نشان می‌دهد که حقیقت مهاجرت کاری در میان کُردها پدیده‌ای عادی و پیشینه‌ای قدیمی‌تر از اوایل قرن بیستم دارد و همچنین باید تاریخ شروع شهرنشینی را به دوره قبل‌تر مدرنیزاسیون دوره عثمانی نسبت داد که نو الگوهای مهاجرت از روستا به شهر و کلان‌شهرهای نزدیک یا محلی (حلب، دیار بکر، دمشق، بیروت، استانبول، ازمیر و...) در شرف شکل‌گیری بود.

در ابتدا انگیزه کُردها برای مهاجرت به خارج دلیل اقتصادی داشت؛ زیرا که کُردها به دنبال بهره‌گیری از تجارت‌هایی بودند که در آن تبحر داشتند. برای نمونه، کارگران کشاورز در طول زمان شخم بهاره و دوره برداشت تابستانی به‌عنوان کارگر بندرگاه سرپرست‌های اداری و متولیان خانه‌ها و باغ‌های شهری در نواحی غیر کُردنشین به‌طور دائمی یا نیمه دائمی یا بر پایه‌ای فصلی مشغول کار بودند. بنا بر اطلاعات نویسنده، کارگران کُرد مهاجر در مسئله‌ی پرداخت حقوق خود بسیار حساس بودند.

در اواخر قرن نوزدهم میلادی، لبنان یکی از مناطق موردعلاقه کارگران مهاجر کُرد در جستجوی کار بود. اولین گروه این مهاجرین اعضای قبیله عمران بودند که اصالتاً ساکن ماردین و تحت حاکمیت عثمانی بودند (تَجَل ۲۰۰۷: ۴۲).

اگرچه انگیزه‌های اقتصادی نقشی اصلی در تحریک و جابجایی نیروی کار کُرد ایفا می‌کرد؛ اما باید به خاطر داشت که ثبات سطحی حاکمیت عثمانی متکی بر سطح تعارض اجتماعی است که عمرانی‌ها پیرو رقابت درون قبیله‌ای به‌سوی کار در لبنان سوق داد (تَجَل ۲۰۰۷: ۴۲). بعدها ازآنجایی‌که پروژه ملی ترکیه تحت حاکمیت آتاتورک شکل داده شد، موج‌های عظیم دیگری از پناهندگان به‌عنوان نتیجه شورش شیخ سعید از ترکیه وارد لبنان شدند.

تحقیق جُردی تَجَل، در مرکز آرشیو دیپلماتی نانت در فرانسه نشان می‌دهد که شمار کُردهای ساکن بیروت در سال ۱۹۲۷، ۳۰۰ نفر بود و در ۱۹۳۶ به ۱۵۰۰ نفر و در ۱۹۴۴ به ۷۰۰۰ نفر رسیده است (تَجَل ۲۰۰۷: ۴۲). افزایش جمعیت پناهندگان کُرد مابین سال‌های ۱۹۲۷ و ۱۹۳۶م به علت عوامل فشاری و تشدید استراتژی جمعیت حکومت کمالیست ترکیه بوده است. از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۴م حکومت کمالیست ترکیه باهدف مهندسی اجتماعی و پاک‌سازی گسترده مبنی بر اجرای سیاست قانون سکنی گزینی شروع به اخراج دسته‌جمعی کُردها و دوباره سکنی گزینی افراد ترک در نواحی استان‌های شرقی کرد (آنگور ۲۰۰۸). در این برهه زمانی، برای برخی افراد عامل کششی طبیعتاً اقتصاد بیروت بود که یکی از پویاترین‌های شرق برای اشتغال در دهه ۱۹۳۰م بشمار می‌رفت.

با شروع جنگ جهانی اول و شیوع بیماری‌های واگیردار و قحطی که نیمی از جمعیت لبنان را درو کرد پویایی اقتصادی لبنان بر پاشنه‌های انهدام قرار گرفت. در دهه ۱۹۲۰م کشور لبنان به دلیل مواجهه با حجم کثیری از

انتقالات ارزهای خارجی که از طرف مهاجران خارجی داخل کشور برای خانواده‌هایشان به کشورهای آمریکا، کانادا، استرالیا، آمریکای لاتین و آفریقا فرستاده می‌شد به‌سرعت شروع به بهبود یافتن کرد. عامل دیگری که بهبود اقتصادی لبنان را تسریع بخشید قدرت الزام‌آور فرانسه در آن زمان بود که قیومیَت لبنان را بر عهده داشت، زیرا که فرانسه با اجرای سیاست‌های سرمایه‌گذاری در زیرساخت و ایجاد محیطی جذاب برای بازرگانی بخصوص در بیروت توانست تابوی سیاه شکست اقتصادی را در بیروت و لبنان برچیند.

مابین سال‌های ۱۸۶۰ و ۱۹۲۰م بیروت کلان‌شهر مهمی شده بود و همچنین به‌صورت تدریجی در مدارهای جدید اقتصاد جهانی ادغام‌شده بود (برکت ۲۰۰۴: ۴۸۶). توسعه و گسترش اخیر بندر بیروت آن را به خروجی اصلی صادرات ابریشم به فرانسه تبدیل کرد و با همان اهمیت، تبدیل به مرکز حمل‌ونقل اصلی برای تجارت خاورمیانه شد. در طی این دوران، شهر به‌سرعت در حال مدرن شدن بود که برای مثال می‌توان به بازسازی سیستم جاده‌ای نصب و اجرای خطوط ریلی و تراموا، ساخته‌شدن قابلیت‌های ارتباط از راه دور مدرن نظیر تلگراف و تلفن و همچنین نصب چراغ‌های جاده‌ای اشاره کرد. ساخت و تقویت سازه‌های شهر همگام با فعالیت‌های اقتصادی و الگوی حاشیه شهرسازی فرانسه بود، به‌گونه‌ای که فقط در زمان قیومیت فرانسه شهرها فراتر از مرزهای شهرداری گسترده شدند و روستاهای نزدیک دشت‌ها و تپه‌های اطراف شهر را به‌طرف هسته‌های برون‌شهری جذب کردند (ناصر و وردِیل ۲۰۰۸: ۱۱۷).

شــهر همچون یـک آهنربـا کـه کـارگران خـارجی، کـارآفرینـان و پیمـانکـارانی را کـه در جسـتجوی قراردادهـا و فرصـتهـای مناسـب سرمایه‌گذاری بودند، جذب می‌کرد و به همان شکل دیپلمات‌ها و مقامات رسـمی دولتی در آنجا توسـط دولت در پسـت معینی گمارده شـدند. مسافرین جذب آوازه شـهر شـدند و به این‌گونه شالوده آنچه بعداً صنعت توریسـتی خوانده شـد پی‌ریزی کردند. درنهایت، صـنعتی تحت عنوان سرگرمی و توریسـم مبتنی بر بیروت سر برآورد که در سراسر چشم‌انداز خـاورمیـانه‌ای جلوه می‌کرد به‌طوری‌که در مدت‌زمان کوتاهی صـنایعی همچون موسـیقی، فیلم، تئاتر و رسـانه‌هـای چـاپی بـه دلیـل موقعیـت استراتژیک و روابط خاصه‌آن با فرانسه روی به آنجا آوردند.

دولت فرانسه برای ایجاد فضـایی شهری در بیروت که به‌طور مشخص نمایه‌ای اروپایی داشـته باشـد شـروع به سـرمایه‌گذاری‌های هنگفتی برای سـاخت میدان‌هایی مانند کافه سـتاره و خیابان‌هایی مانند ژنرال آلِن بی و مارشـال فوش و تغییر سـفره‌خانه‌های سـنتی به تئاتر و سینما کرد (بارالات ۲۰۰۴: ۴۸۸).

سـیاست سرپرستی فرانسه تأثیرات مهمی مبنی بر تقویت بخش خدمات مالی و سـایر صـنایع خدماتی بیروت گذاشـت که نه‌تنها باعث جذب جمعیت روستایی داخلی لبنان به داخل شهرها شد بلکه باعث سرازیر شدن سـیل پناهندگان مختلف نژادی مانند سـریانی‌ها، کُردها و ملکانیون شـد (برکت ۲۰۰۴: ۴۸۸). بیروت امروزی اکنون فرصـت مطلوبی برای کلیه

اقشار لبنان برای گشایش فروشگاه‌ها، آتلیه‌های صنعتگری، رستوران‌ها و سایر تجارت‌های کوچک در شهر و حومه‌اش گردآورده بود.

یکی از عواملی که کُردها را به سمت بیروت جذب کرد تأسیس حزب سیاسی خوی بوون خود بودن (استقلال = خودمختاری) در سال ۱۹۲۷م بود. این حزب ناسیونالیست سیاسی به نمایندگی از روشنفکران و نخبگان روی آورد و با تلاش کسانی مانند امیر کامران بدرخان و برادرش جلادت که هر دو وکیل بودند و پس از به قدرت رسیدن کمالیسم در ترکیه تبعید شدند تأسیس شد. هر دو برادر بخشی از شبکه روشنفکران و نخبگان کُرد در تبعید بودند که سعی کردند به پشتیبانی فرانسوی‌ها که دشمن ترک‌ها بودند آگاهی نژادی کُردی را از طریق ابزار فرهنگ بالا ببرند.

فرصت نامبرده غنیمتی بی‌پایان برای تحصیل آکادمیک زبان و فرهنگ کُردی تحت عنوان کُردلوژی و به سرپرستی کسانی نظیر پییر راندوت، راجر لسکات و کشیش توماس بویس بود. بنا بر نتیجه مطالعه‌ای که جُردی تَجَل بر روی ارتباط بین زبان شناسان فرانسوی (راجر لسکات و پییر راندوت) و ناسیونالیست‌های کُرد در سوریه و لبنان تحت سرپرستی فرانسه انجام داده است پرواضح است که ناسیونالیست‌های کُرد اشتراک و قومیتشان را درراهی بسیار پیوسته و واقعی پی‌ریزی می‌کنند که همگام با تعریف هویت خاص کردی توسط نخبگان ناسیونالیست کُرد است (تَجَل ۲۰۰۶). بدرخان‌ها و همکارانشان دست به تأسیس گروهی کُرد نژاد بر طبق مشترکات باستانی و نژادی قدیمی زدند که هر دو از اساطیر و

نمـادهـای منظره‌ای و تاریخی به‌عنوان ابزاری ضـــروری جهت فراخوانی هویت ملی کُردی استفاده کردند (اِسمیت ۱۹۸۸: ۲۰۰).

موفقیت این سری از فعالیت‌ها در لبنان و به‌خصوص در سوریه تا حدی عامل جذب کُردهای بیشـــتری از این دو کشـــور بود. با افزایش جمعیت تبعیدیان کُرد خارج از وطن و تحت حمایت کشور فرانسه تصویر فرهنگی از کُردها به‌صـورت نوشـتار و خبرپراکنی به زبان کُردی در لبنان و سوریه پدیدار گشـت (حَسَن پور ۱۹۹۶: ۳۷۰). عامل رنسـانس فرهنگی توانست عده بیشـــتری از کُردها را به‌صـــورت اتحاد مجدد خانوادگی و مهاجرت زنجیروار از دسـت ظلم و سـتم به بیروت آورد که بعدها سـیل عظیمی از سـرمایه اقتصـادی این قشـر به وطن خود ترکیه بازگشت. فعالیت اقتصادی مهاجرین کُرد و سـایر اقشار ضعیف لبنانی در جهت رشد بازرگانی منطقه بیروت سـبب تغذیه و کامیابی خانواده‌های سرمایه‌دار به‌صورت خادمان و مصرف‌کنندگان اقتصاد داخلی شد.

مصـادف با اتمام جنگ جهانی دوم و کسـب اسـتقلال لبنان موج عظیم دیگری از کُردهای مهاجر بنا بر وخامت اوضـاع و سـرکوبی اقتصـادی - اجتماعی، فرهنگی و سیاسـی کُردها در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ سـوریه به‌سوی لبنان آغاز شـــد (مَحو ۲۰۰۲)[1]. گمان می‌رود که جمعیتی بالغ‌بر ۵۰/۰۰۰

۱ منبع گفته فوق پایان‌نامه کارشناسی ارشد دکتر لقمان ابراهیم مَحو تحت عنوان «تحلیل بر موقعیت ائتلاف سیاسی – اجتماعی اتنیک های کلاسیک درون نظام‌های کثرت‌گرا یا پلورال سیاسی» در سال ۱۹۹۵م به‌منظور تحلیل موقعیت اجتماعی – اقتصادی کُردهای لبنان و وضعیت زندگی آن‌ها تحت لوای سازمان ملل متحد است.

کُرد در طول سال ۱۹۶۲م از شهر جمعیت متراکم الحسکه سوریه به لبنان مهاجرت کرده باشند (داول ۲۰۴: ۴۵۸). بنا بر گزارش دیدبان حقوق بشر حکومت سوریه جمعیتی قریب به ۱۲۰,۰۰۰ تا ۱۵۰,۰۰۰ شهروند کُرد را محروم از حق شِهروندی و به بیرون از سوریه و مناطق کُردنشین اخراج کرده است (دیدبان حقوق بشر ۱۹۹۶، ان پی)[1] که جمعیتی کثیری از آن‌ها در طول دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی به دلیل پویایی اقتصادی لبنان رو به این کشور نهادند (دیوید مک داول، ۲۰۰۴، ۴۸۵). پس از انتشار خبر موفقیت اقتصادی کُردهای مهاجر -مبنی بر بازفرستادن درآمدهای مالی حاصل از فعالیت‌های اقتصادی در تبعید برای خانواده‌هایشان در ترکیه و سوریه - کُردهای بیشتری تمایل به مهاجرت و الگوبرداری از این نمونه‌های موفق مهاجرت اقتصادی نشان دادند.

جمعیت و مسکن در لبنان

نامشخص بودن هویت کُردها که درواقع به دلیل عدم وجود کشور کُردستان و کارت شناسایی کُردی است خود دلیلی برافزایش انگیزه و قطعیت وضعیت مهاجرت کُردها در قرن بیستم است، زیرا کُردها برخلاف ارمنی‌ها در طول سال‌های مهاجرت خود به دلایل سیاسی (فرار از خدمات سربازی در ترکیه)، اقتصادی و... پناهنده کشور لبنان شدند. بر طبق شواهد و مدارک موجود اعظم دلیل پناهندگی سیاسی کُردها به لبنان طرح

---

۱ چنین سرنوشت شومی بار دیگر در کشور عراق و برای کُردهای فَیلی در طول سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۸۸ اتفاق افتاد که حکومت عراق دستور اخراجشان به کشور ایران صادر کرد (مراد، ۱۹۹۲، ۱۳۰).

خدمت اجباری کُردها و مسیحیان در ارتش کشور ترکیه تحت قانون قیومیت اقلیت‌ها و در سال ۱۹۰۸م بود (نَف ۱۹۸۰: ۱۳۰).

در این قسمت مقایسه کُردها با ارمنی‌های آناتولی که مابین سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰م از ترس نسل‌کشی به دست عثمانی‌ها آواره لبنان و اردوگاه‌مهاجران بین‌المللی بیروت شده بودند عملی مجاز و قابل‌بحث است. اکثر کمپ‌های محل سکونت ارمنی‌های آواره بیشتر در مناطق پایین‌شهر قدیمی، فاقد بهداشت و تسهیلات شهرنشینی پایتخت بود. این نوع سکونتگاه یا کمپ‌ها که برای آوارگان ارمنی‌سازمان‌دهی شده بودند، نخستین نمونه‌های سکونتگاه‌های ساخته‌شده توسط سازمان‌های بین‌المللی برای مهاجران سیاسی و آوارگان سریانی در ۱۹۲۰ و فلسطینی‌ها در ۱۹۴۸ است (فازواز و پیلین ۲۰۰۳، ۴-۸).

کُردها هم همچون ارمنی‌ها و سریانی‌ها پس از مدتی اردوگاه را رها کرده و در مرکز شهر بیروت (فاواز و پیلین، ۲۰۰۳: ۷-۸) و در مناطقی از مراکز شهر نظیر القرنطینه، المسلخ، برج حمود، الجناح و برج البَرجنه (داول ۲۰۰۴: ۴۸۵) و همچنین در مناطقی از پایین‌شهر نظیر البَسته، زُقاق البلت، فُرن الشُبَک، عین المرای صح و رمل الظریف سکنی گزیدند (مَحو، ۱۹۹۵: ۴۶). بعدها که یهودیان لبنان درنتیجه جنگ دَاخلی ۱۹۷۵ به مناطقی ازجمله وادی ابو جمیل، باب ادریس و میناالحُسن مهاجرت کردند قسمتی از جمعیت مهاجر کُردها هم در کنار آن‌ها و در مناطق یهودی‌نشین سکنی گزیدند (داول ۲۰۰۴: ۴۸۵).

پس از جنگ جهانی دوم، به دلیل وضـعیت بد اقتصـاد لبنان‌مهاجرت کُردهای سوریه به دلیل ورود نیروی تازه‌کار، توسعه‌ی سیستم مالی لبنان و رونق گردش مبادلات ارزی کشورهای حوزه خلیج‌فارس در لبنان که تأثیر چشمگیری بر اقتصاد منطقه و خاورمیانه داشت تبدیل به امری مقبول و عادی شد. طبق نتایج اعلام‌شده به‌وسیله سازمان‌های زیربط بخش‌هایی نظیر سازمان عمران و ساخت‌وساز، شرکت‌های خدماتی و جهانگردی به دلیل پایین بودن نرخ دستمزد کارگران و کارمندان مهاجر -مخصوصاً کُردهای سوریه و ترکیه که بیشتر از مناطق روستایی برای کار به شهر آمده بودند- رشد چشم‌گیری را تجربه کرده‌اند (ماوسیلی ۱۹۹۵: ۴۸۷).

پس از مدتی شهرت کُردهای مهاجر در عرصه موفقیت اقتصادی و نرخ کم دستمزدها کُردهای بیشتری را جذب مهاجرت به‌سوی لبنان کرد (مَحو و کاوفارانی ۲۰۰۳: ۲۴۹). به‌طوری‌که مهاجرت فصلی و موقتی کُردهای مهاجر تبدیل به سکونت ثابت آن‌ها در لبنان شد (ماوسیلی ۱۹۹۵: ۴۸۷).

آرایش اجتماعی کُردها در لبنان

گروهی از افراد که بانام کُرد در لبنان شناخته‌شده‌اند، درواقع دارای هویتی همگن و یکپارچه نیستند. برای افراد غیر کُرد، جامعه لبنان بسی وابسته و یکپارچه به نظر می‌رسد، اما همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد کُردهای لبنان به دودسته تقسیم می‌شوند: کُردهای کُرمانج یعنی افرادی که ازنظر نژادی خود را کُرد می‌نامند و کُردهای عرب که منظور آن دسته از کُردهایی است که ازنظر نژادی عرب هستند و خود را مِردالی یا مُبالامی می‌نامند. همچنین ما دریافتیم که چندین تقسیم زبانی-قومی وجود دارد.

جامعه‌ی کُرد در لبنان به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود: گروهی که به زبان کُردی کرمانجی و گروهی که به زبان عربی صحبت می‌کنند (مَحو و کاوفارانی ۲۰۰۵: ۲۴۹)[۱].

در طی تحقیقات نتیجه بر آن شد که چند گروه قومی-زبانی متفاوت در لبنان وجود دارد. بنابر تقسیمات قومی-زبانی جامعه کُردهای لبنان به دو گروه تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: گروهی که به زبان کُردی کُرمانجی صحبت می‌کنند و گروهی دیگر که به زبان عربی تکلم می‌کنند و تحت عنوان مردالی-مُبالامی شناخته می‌شوند (مَحو و کاوفارانی ۲۰۰۵: ۲۴۹). دسته دیگر کُردهای متکلم به کُردی کُرمانجی هستند که ازنظر جمعیت یک‌سوم جامعه کُردهای لبنان را تشکیل می‌دهند (مَحو و کاوفارانی ۲۰۰۵: ۲۴۹). بنا بر برخی تقسیمات آن دسته از کُردها که زبان عربی صحبت می‌کنند به‌عنوان کُردهایی که دارای زبان عرب و ساکن جغرافیای مسکونی کُردها هستند به شمار می‌آیند[۲].

ازنظر منطقه‌ای کُردهای لبنان پیرو اسلام سنی و مذهب شافعی هستند. کُردهای لبنان ازنظر مذهبی دارای جمعیتی یکپارچه و سنی مذهب هستند.

---

۱ تلاش‌های ما (گروه تحقیقاتی پروژه) برای اثبات و یافتن مدرکی موثق و تاریخی برای ادعای فوق بی‌نتیجه ماند. بنا بر گفته‌های د. شب‌و تالای طی یک مکالمه تلفنی (۳ مارچ ۲۰۱۱م) تاریخ این فرقه یا دسته از جامعه لبنان هنوز موردبررسی و تحلیل نقدگرایانه اکادمیکی قرار نگرفته است و هر اطلاعاتی هم که موجود باشد به‌صورت شفاهی و غیرقابل مستند است.

۲ مصاحبه تلفنی با شخص آی. او در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۰. مصاحبه مستقیم در لبنان با اشخاص ام. اف، آ. ا. کی. اس در تاریخ ۱۹ فوریه ۲۰۱۱.

در اینجا باید اشاره کرد که اگر در میان آن‌ها اقلیتی از دین ایزدی یا مذهب دیگری وجود داشته باشد که به‌منظور جلوگیری از هرگونه تبعیض مذهبی و توهین به عقاید هرکدام تقیه پیشه می‌کنند.

در آغاز قرن بیستم هویت جمعی کُردهای سوریه، یعنی آن دسته از آن‌ها که به لبنان مهاجرت کرده بودند به چند دسته تقسیم می‌شود (جُردی تَجَل ۲۰۰۹: ۹). هویت نژادی کُردها بیشتر طبق موارد اجتماعی و سیاسی تعریف و کمتر بر طبق ویژگی‌های زبانی و تاریخی تعیین و مشخص‌شده است (تَجَل ۲۰۰۹: ۹). نکته قابل‌توجه در این است که مِردالی-مُبالامی هایی که خود را عرب یا کُرد خطاب می‌کنند، برهان روشنی برریشه نژادی خود نداشته و معمولاً طبق تعریفات حکومتی طبقه‌بندی می‌شوند (مَحو و کاوفارانی ۲۰۰۳: ۲۴۹).

درنتیجه مصاحبه‌ای که با شخصی بازرگان به نام آی.او داشتیم، وی اذعان داشت که گرچه از نژاد مِردالی- مُبالامی است اما درک صحیحی از زبان کُردی ندارد و علیرغم تلاش‌هایش تنها توانایی تکلم به زبان سریانی را دارد[1]. مُبالامی‌های لبنانی ترکیبی از خانواده‌های اتریس، فخرو،

۱مصاحبه تلفنی با شخص آی. او در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۰. مصاحبه مستقیم با اشخاص ام.

اف، آ. ا. کی. اس در تاریخ ۱۴ فوریه ۲۰۱۱.

هرب، میری، عمری، عمیرات، رامادان، راما، شابو، شریف، شیخماس، سیالا والزین هستند (مَحو و کاوفارانی ۲۰۰۳: ۲۵۰).

تنوع زبانی در لبنان

در لبنان رایج شدن زبان عربی باعث نفوذ وبرتری کثیری بر زبان کردی شده است. کُردهای جوان در لبنان معمولاً به هر دو زبان صحبت می‌کنند (حداقل به‌صورت شفاهی). بعلاوه وجود لهجه‌ها و فرهنگ‌های مختلف ازنظر جامعه‌شناسی باعث پیچیدگی نظرات و تحقیقات بر روی فرهنگ کُردی می‌شود.

ترکیب اجتماعی در لبنان

پرونده اقتصادی کُردها در لبنان به سمت یک نوع کارگری موقت (فصلی) کشیده شده است. به‌عبارت‌دیگر، وضعیت کارگران کُرد در زمینه‌های صنعتی و کشاورزی به دلیل پایین بودن سطح سواد و تحصیلات هیچ‌وقت ثابت نبوده است (مَحو و کاوفارانی ۲۰۰۳، ۲۵۰). اولین گروهی که وارد لبنان شد نه کارگران حرفه‌ای و نه صنعتگر بودند (ماوسیلی ۱۹۹۵: ۴۸۸). در ابتدا کارگرانی که مهارت نداشتند در مغازه‌های تره‌بار پایین‌شهر بیروت کار می‌کردند (مَحو و کاوفارانی ۲۰۰، ۲۵۱)؛ اما باگذشت زمان، تعدادی از کُردها مهارت‌های قابل‌عرضه‌ای در بازار همچون نقاشی، کارگری ساخت‌وساز، تعمیرکاری و خیاطی را کسب کردند. در آن زمان کُردها بیشتر به‌عنوان تاجران عمده‌فروش تجارت تره‌بار شناخته می‌شدند وزنان کُرد هم بیشتر مشغول خانه‌داری و سرایداری اماکن بودند.

کُردها ترکیبی از مهاجران و روستاییان کشاورز و دامدار مناطق ماردین و بوتان هستند که مابین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰م از کُردستان ترکیه مهاجرت کرده و در بیروت سکنی گزیدند (ماوسیلی ۱۹۹۵: ۴۸۸). همزمان با مهاجرت کارگران روزمزد کُرد به‌سوی لبنان و در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ صنعت ساختمان‌سازی رونق زیادی گرفت و کُردها هم‌سود کثیری به دست آوردند. عده دیگری از کُردها درزمینه ی تجارت تره‌بار و بازار املاک دشت ساحلی کار می کردند (داول ۲۰۰۴، ۴۸۵)؛ اما آن دسته از افرادی که هنوز صنعت مشخصی کسب نکرده بودند و دارای سطح سواد کمتری بودند به‌عنوان حمال و فروشندگان مغازه‌های کوچک کار می کردند (وانلی ۱۹۹۲: ۱۶۵).

بیشتر کُردهای لبنان ساکن روستاهای الرَجدیه، مسارته، المخاشنیه، المنزیل، مارجه، حبیب‌الگرو، کندریب، مارسکا، زنی، فاتح، متینا و غیره مناطق ماردین و طورعابدین در ترکیه هستند (مَحو ۱۹۹۵: ۴۵-۴۴).

کُردهای لبنان مانند دیگر خانواده‌های مهاجر روستایی و ... تمایل به زندگی در مناطق شهری به دلیل همبستگی محکمی که بازندگی و فرهنگ زندگی شهری داشتند بیشتر در تلاش برای سکونت در مناطق شهری بودند (داول ۲۰۰۴: ۴۸۷). اطلاعات جمعیت‌شناسی ما درباره کُردهای لبنان به دلیل حساسیت‌های موجود سیاسی و منطقه‌ای که در روبروی هر تحقیق منظم و آکادمیکی وجود دارد بسیار محدود است و به همین دلیل تلاش می‌شود که بیشتر در چهارچوب تحقیقات به بیان مسئله‌ی بپردازیم و از ایجاد هرگونه عمل غیر محققانه که تنش سیاسی و

حساسیت اقلیت‌ها برانگیزد خودداری می‌کنیم؛ بنابراین برمی‌گردیم به اصل مسئله‌ی تحقیق که بر روی میزان جمعیت کُردهای ساکن لبنان و بررسی شرایط زندگی آن‌ها است. اغراق‌آمیزترین روش ارزیابی جمعیت کُردها در لبنان را می‌توان به آمار و ارقامی از احزاب سیاسی نسبت داد که درصدد افزایش جمعیت هواداران خود در مقابل دیگر احزاب و گفتمان‌های سیاسی هستند.

جمیل مَحو در رساله‌ای منتشر یافته در سال ۱۹۷۵م خبر از جمعیتی بالغ‌بر ۷۰,۰۰۰ کُرد در کشور لبنان داد (السفیر: ۲۸ دسامبر ۱۹۷۵). محمد جمیل مَحو در رساله‌ی خود با عنوان چشم‌اندازی جدید بر مسئله‌ی جمعیت کُردهای لبنان که در سال ۱۹۷۷ انتشار یافت ادعا می‌کند که جمعیت آن‌ها بین ۷۵ تا ۱۰۰ هزار نفر است. علیرغم ادعای نامبرده روزنامه الأنوار در تاریخ ۸ می سال ۱۹۹۱ جمعیت آن‌ها را حدود ۳۵,۰۰۰ نفر تخمین زد. روزنامه النهار جمعیت کُردها را پیش از جنگ داخلی لبنان ۲۰۰ هزار نفر و بعد از جنگ ۱۵ هزار نفر تخمین زد (النهار ۱۲ اکتبر ۱۹۹۳).

بر اساس آخرین تخمین سازمان بین‌المللی مهاجران، جمعیت کُردها ۲۵۰۰۰ نفر یا ۵/۶ درصد از جمعیت کل لبنان را تشکیل می‌دهند. تمامی آمار موافق هستند که جمعیت کُردها به علت مهاجرت در طول جنگ‌های داخلی، جنگ‌های فرقه‌ای بین شیعه و سنی و همچنین جنگ بین اسرائیل و لبنان در سال ۱۹۸۲م کاهش‌یافته است. از دیگر عوامل ناملموس کاهش جمعیت کُردها در لبنان حمله ارتش سوریه به بیروت (لقمان ابراهیم مَحو

و کاوفارانی ۲۰۰۳، ۲۶۷-۲۶۶) و عقب‌نشینی کُردهای حامی «حزب کارگران کردستان»[1] و تخلیه اردوگاه‌های موجود این حزب در مرز سوریه و شهر بیروت بود که باعث مهاجرت برخی از کُردها به کشورهای المان و سوئد شد (بانک اطلاعاتی نروژ ۲۰۱۰: ۱۶)[2].

فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم فرانسوی‌ها بنا به دلایلی، کادر روشنفکری کُردها را به‌منظور ایجاد قدرتی ناسیونالیستی در میان مرزهای کلاسیک منطقه تشویق کردند که بعدها از آن به‌عنوان علل آغاز نبرد مشروع ناسیونالیستی کُردها یادکردند. با توجه به سیر صعودی فعالیت‌های احزاب و سازمان‌های متعدد کُرد در بسیاری از شهرهای وان، بیروت، حلب و دمشق ظهور پیدا کردند. یکی از این سازمان‌ها «جمعیت خویبون»[3] است که در سال ۱۹۲۷م تأسیس شد و اکنون به‌عنوان اولین سازمان ناسیونالیست کردی ارزیابی می‌شود. این سازمان اولین نمونه‌ی جنبش ناسیونالیست مدرن کُردهاست که تمام نیروی خود را صرف متحد سازی تمامی کُردهای جهان بدون در نظر گرفتن هرگونه تقسیمات زبانی، دینی و اجتماعی کرده است (جُردی تَجَل ۲۰۰۷: ۵).

تمامی ناسیونالیست‌های کُردی که در برابر کمالیسم واکنش نشان دادند هدفشان ایجاد کُردستانی سکولار بود که علت آن را می‌توان در الگوی

---

۱ Partîya Karkerên Kurdistan (PKK).مترجم

۲ تاریخ مصاحبه: ۴ سپتامبر ۲۰۱۰.

۳ خویبون به معنای استقلال. مترجم

فکری کسانی همچون خانواده بدرخان‌ها (کامران بدرخان و ثریا خواهرش) یافت. در سال ۱۹۲۷م، جامعه متحد کُردهای تبعیدی اولین دفتر مرکزی خود را در لبنان بانام شکل‌گیری دولت در تبعید کُرد اعلام کرد (ایزدی ۱۹۹۲: ۶۲). این روشنفکری توسط بدرخان‌ها در تطبیق گفتمان ناسیونالیستی از نوع اروپایی به دنیای ذهنی نمایندگان سنتی کُردها به موفقیت راه یافت. رهبر این جامعه متحد ارتباطات دیپلماتیک متعددی با نمایندگان فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، ایران و اتحاد جماهیر شوروی و همچنین بازیگران غیردولتی مانند اپوزیسیون آمریکا و ترکیه را با موفقیت انجام داد (تَجَل ۲۰۰۷: ۵).

کُردها در دوره ملت‌سازی و بعدازآن

در همان زمان که روشنفکرهای کرد فعالیت‌های ناسیونالیستی خود را گسترش می‌دادند کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و ایران پروژه‌های ملت‌سازی خود را اجرا می‌کردند که بر اساس هویت غالب و فرهنگ طبقه حاکم بود.

حکومت سوریه اعلام کردکُردها علیرغم تاریخچه‌ی چندین هزارساله خود در سوریه مردمانی مهاجر و تازه‌وارد هستند که نتیجه آن باعث تبعید و آوارگی یک‌سوم کُردهای سوریه در سال ۱۹۶۰ شد وَهمچنین باعث مهاجرت اجباری برخی از آن‌ها به نواحی مرزی و به شهرهای دور مانند دمشق و حَما شد. پس از به قدرت رسیدن جمهوریت در ترکیه و آغاز یورش‌های جنگ‌طلبانه و خانمان‌سوز ترک‌ها مبنی بر جنگ داخلی علیه اشرار (حتی گاهی این سری عملیات بر ضد غیرنظامیان انجام می‌گرفت)

در سـالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی سـیل عظیمی از کُردها را به‌سوی کشورهایی نظیر سوریه، فلسطین، اردن و مصر سوق داد.

تابعیت در لبنان

حاکمیت فرانسهَ بر لبنان و سوریه توسط جامعه‌ی متحد ملل غالب بعد از جنگ جهانی دوم شـکل گرفت که نتیجه آن تقسـیم امپراطوری عثمانی طبق معاهده‌های بعد جنگ بود. در توافقنامه‌ی سایکس پیکو که بین بریتانیا و فرانسه منعقد شد بریتانیایی‌ها کنترل عراق، فلسطین و اردن را در دست گرفتند و فرانسوی‌ها هم کنترل سوریه، لبنان و استان حُتای یا اسکندریه ترکیه را به دست گرفتند. بعدها کشور لبنان در سال ۱۹۴۳ و سوریه در سال ۱۹۴۶ استقلال یافتند شدند و همچنین استان حُتای در سال ۱۹۳۹ توسط فرانسه به ترکیه واگذار شد.

قبل از اینکه پیمان لوزان را موردبررسی قرار دهیم، بهتر است به‌طور خلاصه اشاره‌ای به پیمان سور داشته باشیم. پیمان سِور که پیمان صلح بین امپراطوری عثمانی و متفقین در جنگ جهانی اول بود با خودمختاری موقت بخش‌های کردنشین ترکیه موافقت کرد (داول ۱۹۹۲: ۱۷). هدف دیگر پیمان سِور خلق دولت‌های قومی برای کُرد و ارمنی بود که هیچ‌وقت توسط ترک‌ها مجال تصویب نیافت. ازاین‌رو تبدیل به بهانه‌ای برای حرکت ملی آتاتورک در جهت برگزاری مجمع ملی بزرگ ترکیه در سال ۱۹۲۰ آنکارا شد. پس از ترغیب هم‌پیمانان مبنی بر اعلام جنگ یونان و اشغال مناطق مورد مناقشه که شدیداً توسط نیروهای جمهوری ترکیه سرکوب و منجر به شکست فاحشی شد، این بار هم‌پیمانان با افول بیشتری

در مواضـع خود و در جهـت پیشـرفـت جغرافیای ترکیه و مذاکره طبق معاهده لوزان در سال ۱۹۲۳م بر میز مذاکره نشستند.

پیمـان لوزان، پیمـان سِـور را لغو کرد و همچنین بـا الحـاق آنـاتولی و بسیاری از مناطق مورد مناقشه به ترکیه موافقت کردند که منجر به شناخت بین‌المللی حق حـاکمیـت جمهوری ترکیـه شـد که رویای خودمختاری کُردها به‌صورت فورس‌ماژور و توسط غربی‌ها به نابودی کشانید.

قـدرت‌هـای غربی منفعـت خود را در تحریـک اقوام خـاورمیـانـه‌ای مخصـوصـاً کُردها می‌دیدند، زیرا بیشـتر کُردهای ترکیه و بیروت تحت فرمان کامران بدرخان بودند. کُردهای مسـتعمره بیروت که تحت حمایت فرانسـه بودند و دسـتورات پرنس کامران بدرخان بودند همواره امیدوار به ناسیونالیسـم کُردی بدرخانی و حمایت وی از آن‌ها در برابر ناسیونالیسم لبنانی بودند، زیرا بدرخان توانسـت به دلیل روابط احسـنی که با فرانسـه داشـت طرح و رسیدگی این شـکایت را بر عهده بگیرد[۱]. در این میان دو شـخصـیت تأثیرگذار وجود داشـت که یکی بدرخان تلاش برای استقلال کُردسـتـان و دیگری دولـت لبنان که برای اسـتقلال لبنان تلاش می‌کرد (جُردی تَجَل ۲۰۰۷: ۷). سرانجام بدرخان در این نقش موفق شد و توانست

۱ CADN, Fonds Beyrouth, Services Spéciaux, no ۲۲۰۲. Information spécial no ۱۸۹۹, "*La nationalité Libanaise et les Kurdes*", Beyrouth, le ۳۱ août ۱۹۹۴.

برای برخی از کُردهای بیروت کارت شناسایی بگیرد که بعدها به‌عنوان کارت شناسایی‌های کامران شناخته شد.

کُردهای مهاجر لبنان که بیشتر سنی و پشتیبان احزاب قدرتمند سنی داخلی بودند تقاضای تابعیت لبنانی کردند و همچنین تلاش‌هایی برای تثبیت قدرت بدرخان در پایتخت بیروت و در زمان نخست‌وزیری سامی صالح کردند. می‌توان تلاش‌های بدرخان در لبنان و جهت اعتلای حقوق کُردها را به‌مثابه سیاستمداری سنت‌شکن که توسط انجمن کُردهای در تبعید محدود نگاشته شده بود شناساند.

با توجه به قوانین تابعیت تنها عده کمی از کُردها تابعیت لبنان را به دست آوردند و عده دیگر هم طبق حقوق شهروندی سال ۱۸۶۹ که با حکم سلطان عثمانی تأیید شد، به سکونت در لبنان خود ادامه دادند. مفهوم شهروندی در غرب نه‌تنها برای کُردها بلکه تقریباً برای بسیاری از مردمان عثمانی خاورمیانه بیگانه بود؛ زیرا کُردها بیشتر زندگی‌شان در قبایل خانوادگی و مناطق تحت السلطه زندگی به سر برده‌اند و به همین دلیل درک درستی از مسئله‌ی شهروندی و سیاست ندارند[۱].

۱ Ibrahim Bisharat, *Citizenship in the Middle East: Challenges and Prospects*, Assemblée Européenne des Citoyens, French branch of the international network Helsinki Citizens' Assembly(AEC - HCA France), ۳۱ Janvier ۲۰۰۸, [http://www.reseau-ipam.org/spip.php?article۱۳۷۶].

قانون تابعیت لبنان

قانون تابعیت لبنان در سال ۱۹۲۵م[1] و پنج سال بعد از انعقاد پیمان ملی لبنان در سال ۱۹۲۰م[2] که بر اساس بند ۳۰ پیمان لوزان نگاشته شده بود تدوین شد[3]. اصول اساسی پیمان لوزان این بود که اقامت دائم مردمان قلمروهای جداشده از ترکیه به‌صورت بالفعل و توسط قوانین محلی اجرا شود (آرت ۱۲۳، پارولین ۲۰۰۹: ۷۶). احکام ذیل بر طبق حق انتخاب که عبارت بود از انتخاب ملیت تُرکی و یا یکی از ملل مستقل پیشین عثمانی توسط اوامر محلی اجرا می‌شدند (آرت ۱۲۴). همچنین اگر تابعیت شخصی طبق قانون تابعیت این کشور مجاز قرار خوانده می‌شد، کشور مقصد هیچ‌گونه حقی برای رد آن نداشت (پارولین ۲۰۰۹: ۷۶).

مرکز اجرای اوامرات قانون ۱۹۲۵م بعدها و در سال ۱۹۳۲م موفق به آمارگیری دقیق پناهندگان غیر لبنانی شد که خود بر دودسته موفق و ناموفق تقسیم می‌شد که توسط قانون تابعیت موردپذیرش و اعطای

---

۱ قانون نامبرده به شماره و مشخصات زیر است.

۱۵۱۹/۱/۱۹۲۵

۲ مصوبه یا قانون شماره ۳۱۸ لبنان بزرگ و مستقل توسط کشور فرانسه و در تاریخ ۳۱,۸,۱۹۲۰ بر مبنای جغرافیای ارضی و حاکمیت زمینی کشور لبنان شکل گرفت. در این قانون مناطقی همچون بیروت، تریپولی، سیدُن و طَیره که قبلاً توسط امپراطوری عثمانی جداشده بودند دوباره به حاکمیت ارضی و جغرافیایی جمهوری لبنان بازگردانده شدند.

۳ بر طبق این قانون کلیه افراد بالای ۱۸ سال که در مناطق بازگردانده شده از ترکیه و الحاقی جمهوری لبنان زندگی می‌کنند می‌بایست طی کمتر از دو سال به مناطقی که دارای درصد اکثریت جمعیتی نژادشان می‌باشند برگردند.

شـــهروندی لبنانی قرار گرفته بودند[1]. در طول دوران آمارگیری اقلیت‌های پناهنده‌ی لبنان در سال ۱۹۳۲م افرادی که موفق به اخذ مجوز تابعیت لبنانی نشـدند -چه خود و چه فرزندانشان- به‌عنوان شهروندان ناشناس و مجهول الملیت قلمداد می‌شدند.

دولت لبنان طی اقدامی در ســال ۱۹۶۱م کارت تابعیت نامعلوم را برای کلیه شهروندان بی‌خانمان صادر کرد. بر اساس این قانون، تمامی کودکانی که در لبنان به دنیا می‌آمدند به‌طور خودکار شـهروند لبنانی محسوب شده و کارت شهروند لبنانی برای آن‌ها صادر می‌شد. طبق اظهارات شخصی به نـام آر. اف واکنش‌های منفی مسـلمانان و مسـیحیان نسـبت به افزایش جمعیت کُردها و تأثیرشان بر موقعیت داخلی لبنان گسترش یافت و عنوان کارت شـناسایی ملی به‌عنوان دیگری به نام کارت شـناسایی ارزیابی ملی تغییر یافت[2] و به‌این‌ترتیب جایگزین کارت شـناسایی‌های قبلی شد. کارت شـناسـایی مذکور در تاریخ ۱۰ ژوئن سـال ۱۹۶۲م و ۲ آگوسـت ۱۹۶۲م تبدیل به قانون مصوبه پارلمان شد. دارندگان این کارت که تحت عنوان " کارت شـناسـایی ارزیابی ملی" شـناخته می‌شـدند می‌بایسـت هرسال برای تمدید اعتبار آن به دفاتر امنیتی مراجعه می‌کردند.

---

۱ در طول این برهه زمانی جمع کثیری از جوامع مسلمانان و مسیحیان لبنان پروسه آمارگیری را به‌منظور جلوه دادن جمعیت بیشتر و به دست آوردن قدرت سیاسی بیشتر چالش کشیدند.

۲ تاریخ مصاحبه: ۲۷ مارچ ۲۰۱۰، بیروت.

لازم به ذکر است که دارندگان این کارت، در کشور لبنان حق تملک ملک، شرکت در انتخابات، خدمت سربازی و کار کردن مجامع عمومی را نداشتند. مراحل تمدید اعتبار این کارت عبارت بود از:

- ارائه اصل کارت قبلی.
- همراه داشتن یک کپی کارت شناسایی دو شاهد به‌عنوان معرفی‌نامه.
- ارائه سه قطعه عکس مهرشده توسط دفاتر امنیتی.
- پرداخت مبلغ ۲۰۰ دلار به ازای هر یک سال تمدید.
- عدم مراجعه سروقت باعث تعلق جریمه به متقاضی خواهد شد.

مروری بر مصوبه ۱۹۹٤م قانون تابعیت در لبنان

قانون تابعیت لبنان در سال ۱۹۹۴م و از سوی رئیس‌جمهور لبنان، الیاس هاراوی، نخست‌وزیر رفیع حریری و وزیر امور داخلی بشارا مرِهج که موجب تأیید تابعیت حجم بسیاری از پناهندگان شد به امضا رسید. این حکم به‌منظور قبول تابعیت برخی گروه‌های بی‌خانمان مانند کُردها، عرب‌های وادی خالید و ... صادر شد. اگرچه اکثر افرادی که تابعیتشان موردقبول واقع شد بی‌خانمان نبودند؛ بیش از ۴۲ درصد از افرادی که تابعیت آن‌ها تأیید شد سوریه‌ای بودند که ۳۶ درصد از آن‌ها بی‌خانمان بودند، ۱۶ درصد فلسطینی و ۶ درصد باقیمانده از مهاجَران ملل دیگر بودند (فات فات ۲۰۰۶).

طبق فرهنگ جغرافیای رسمی *الجراید الرسمیه* شماره ۲۶ مجلد تاریخ ۳۰ ژوئن سال ۱۹۹۴، حکم تابعیت لبنانی ۸۸,۲۷۸ نفر که مساوی با

۳۹,۴۶۰ خانواده است تأیید و به جمعیت لبنان اضافه شد (ضمیمه‌ی ۱) این حکم برای آن دسته افرادی که سال ۱۹۷۷م یا قبل از آن به دنیا آمده بودند، شامل نمی‌شد و آن‌ها را به‌عنوان اقلیت ارزیابی می‌کردند. با قبول تابعیت این حجم از افراد جمعیت کل پناه‌جویان تبعه لبنانی به ۱۵۷,۲۶۱ نفر از ۸۰ کشور[۱] که اکثر آن‌ها شیعه و سنی بودند رسید[۲]. تقریباً ۳۲,۵۶۴ نفر از آن‌ها مالک کارت شناسایی ارزیابی ملی بودند[۳]. این حکم همچنین شامل ۲۵,۰۷۱ نفر از مهاجران شیعه‌مذهب فلسطینی که در روستاهای مرزی و در جنوب لبنان زندگی می‌کردند شد[۴].

---

۱ *Ad-Diyar* daily, Tuesday, October ۱۷, ۱۹۹۸.

Al-Anwar daily, November ۸, ۱۹۹۸.

۲ Fady Fayyad, *Décret de Naturalisation du ۳۰/۶/۱۹۹۴: Analyse Démographique des Arabes de Wadi Khaled, Notes de Recherche en Certificat de Spécialité en Démographie*, Beirut Liban, ۱۹۹۸ p.۸.

۳ بنا بر اظهارات وزیر داخله (احمد فات فات) در سال ۲۰۰۶ و اکرم حمدان آمار پناه‌جویان تأییدشده تا مارچ ۲۰۰۶ قریب به ۲۰۲,۵۲۷ نفر از ۸۰ کشور متفاوت بود. روزنامه عربی المستقبل، ۳۰ مارچ ۲۰۰۶.

۴ Newsletter, *Palestinian Diaspora and Refugee Center*, Shaml, February ۶, ۱۹۹۷

آمار کلی پناه‌جویان تبعه و پذیرفته‌شده فلسطینی از سال ۱۹۴۸م در کشور لبنان نزدیک به ۶۰,۰۰۰ نفر است. همچنین قابل‌ذکر است که بنا بر معاهده پروتوکول پناهندگی فلسطینیان به نام کازابلانکا که در سال ۱۹۶۵م به تصویب مجمع آرا اتحادیه عرب رسید، کلیه پناه‌جویان فلسطینی تابع کشورهای خاورمیانه‌ای باید ازنظر کار و حقوق شهروندی (نودسن ۲۰۰۹: ۵۵) تأمین و دارای حقوق مساوی باشند (شباک ۲۰۰۶: ۹-۸).

پس از مدتی دوباره قانون مهاجرت مورد اصلاح قرار گرفت؛ زیرا بیشتر مهاجران تحت لوای قانون سال ۱۹۳۲ دچار مشکل‌هایی نظیر کارت شهروندی و حقوق ملی شده بودند (وان واس ۲۰۱۰: ۷). همچنین به گفته منابع آگاه نمی‌توان بدون تأمین حقوق شهروندی و امکانات همسان ملی مهاجر پذیرفت (سازمان ملی مهاجرت کانادا ۲۰۰۷). سه بند از این قانون که در مورد شهروندان خارج از کشور بودند در همین تاریخ مورد بازبینی قرار گرفت (همان ۲۰۰۷). قانون جدید شهروندی ملی در بسیاری از نقاط با شکست مواجه شد، زیرا این قانون توانایی پوشش قانونی شهروندان غیر لبنانی که دارای کارت پناهندگی نبودند را نداشت. همچنین شایان‌ذکر است که مشکل این دسته از افراد در طول جنگ داخلی سوریه و لبنان این بود که بعدها بسیاری از آن‌ها تحت پوشش کارت شناسایی ارزیابی ملی قرار گرفتند که بر سر این‌که کدام‌یک بیشتر در اولویت پذیرش قرار دارند تبدیل به مناقشه بزرگی بین مسلمان‌ها و مسیحیان تبدیل شد[۱].

مجلس جامعه مارونی‌ها، این حکم را در ۲۶ آگوست ۱۹۹۴ به چالش کشید و استدلال کردند که تابعیت مطابق قانون اساسی است و با موافقت‌کردن پناهندگی مهاجران فلسطینی حق بازگشت به میهن را از آن‌ها گرفته‌اند. مجلس جامعه مارونی‌ها فقط به‌منظور اشاعه برابری و

---

۱ جوامع و بزرگان مسلمان در خلال جنگ داخلی و هنگام انتخابات از رأی دادن به مسیحیان برای تغییر قانون مهاجرت امتناع ورزیدند.

An-Nahar daily, March ۳, ۱۹۹۴; June ۲۸, ۱۹۹۴; April ۲۳, ۱۹۹۷; May ۸, ۱۹۹۷; November ۳, ۱۹۹۸; *Al-Wassat* daily, July ۱۸, ۱۹۹۴ and August ۲۷, ۱۹۹۴.

مساوات قانونی اقلیت‌ها این حکم را موردبحث قرارداد[1] و همچنین خود را به‌عنوان طرفداران سرسخت امنیت ملی و فرمول یکپارچه‌سازی لبنان می‌دانستند (کنودسن ۲۰۰۹: ۵۸). جنگ داخلی و اشغال سوریه باعث کشته شدن هزاران نفر و همچنین مهاجرت دسته‌جمعی هزاران لبنانی به خارج از کشور شد (نیسان، ۲۰۰۰، ۶۰). مجلس جامعه مارونی‌ها از مهاجرت بی‌رویه مسلمانان به داخل لبنان و تحت تأثیر قرار گرفتن فضای اجتماعی-اقلیتی این کشور براثر بالا رفتن موازنه سیاسی یک اقلیت وحشت داشت زیرا با ورود این دسته مهاجران توازن سیاسی مسلمانان به بیشتر از ۷۵٪ رسید (فات فات ۲۰۰۳) که در این صورت امکان تحریک‌پذیری آن بنا بر شرایط منطقه‌ای افزایش می‌یابد (عبدالنور ۲۰۰۳).

اطلاعات فوق همگی درباره نحوه سکونت گزینی پناهندگان در لبنان طبق قانون مهاجرت سال ۱۹۹۴ بود که در طی این پروسه که به‌عنوان ملت‌سازی شناخته می‌شود دولت لبنان پناهندگی سیل عظیمی از مهاجران سنی مذهب سوریه‌ای را پذیرفت و سعی کرد توازن سیاسی اقلیت‌ها و دموگرافی جامعه لبنان به‌منظور به قدرت رساندن اکثریت سنی این کشور

۱ Thibaut Jaulin Lebanese Politics of Nationality and Emigration, EUI Working Papers, RSCAS No. ۲۰۰۶/۲۹, European University Institute, Robert Schuman Centre for Advanced Studies.

Mediterranean Programme Series, ۲۰۰۶ and Simon Haddad, Palestinians in Lebanon: Towards Integration or Conflict, *Middle East Quarterly*, Vol. ۷(۳) pp. ۲۹. Webposted February ۱۵th, ۲۰۰۲.

تغییر دهد. در مصاحبه با شخصی به نام اس.اف که یکی از مسئولان بلندپایه جنبش مستقبل بود نامبرده صحت این عمل حکومت لبنان مبنی بر تغییر توازن سیاسی اقلیت‌ها را تأیید کرد و اذعان داشت که قانون مهاجرت سال ۱۹۹۴ ماهیتی کاملاً سیاسی و غیرانسانی داشت[1].

فرمان اجرای قانون مهاجرت سال ۱۹۹۴م به‌طور کامل در راستای اجرای طرح تغییر توازن سیاسی و حقوق سیاسی اقلیت‌های لبنان به‌منظور تک‌قطبی سازی میدان سیاسی لبنان بود که برای مثال می‌توان به کشور تک‌قطبی بحرین اشاره کرد که فقط مسلمانان سنی در رأس حکومت قرار دارند[2]. برخلاف این شیوه قدرت گیری در ۱۵ ایالت شوروی قانون دیانت

---

۱ جنبش المستقبل لبنان به‌عنوان خیزشی سیاسی که اکثریت آرای سنی‌ها را در دست دارد دارای بیشترین کرسی و قدرت در پارلمان لبنان است که علی‌رغم اسم رسمی خود به‌عنوان جنبش خانواده رفیق حریری نخست‌وزیر پیشین لبنان که بعداً ترور شد به شمار می‌آید (کامات و ایثار ۲۰۱۰: ۳۸۸).

مصاحبه با یکی از اعضای جنبش المستقبل در تاریخ ۲۶ آگوست ۲۰۱۰.

۲ Various Violations of Citizens and Foreign Workers Rights, Bahrain Center for Human Rights, September, ۲۰۰۶, [http://www.bahrainrights.org/node/۴۲۵] and Bahrain's Sectarian Challenge, International Crisis Group, Middle East ReportN□۴۰– ۶May۲۰۰۵.
http://www.crisisgroup.org/~/media/Files/Middle٪۲۰East٪۲۰North٪۲۰Africa/Iran٪۲۰Gulf/Bahrain/Bahrains٪۲۰Sectarian٪۲۰Challenge.ashx.

شخصی و عدم دخالت آن در سیاست و اعمال سیاسی وجود داشته و اجرا می‌شده است[1].

بنابراین شرایط مجلس جوامع مارونی‌ها شکایت رسمی خود را از این قانون و اعمال نابرابرانه دولت اعلام کرده و به‌منظور بررسی بیشتر آن را به مجلس شورای عام یا همان پارلمان ارائه داد[2]. طبق رأی شورا بعدها وزیر امور داخلی لبنان یک کمیته به‌منظور بررسی و رسیدگی دوباره به‌تمامی عملکُردهای این قانون و مصوبه ۱۹۹۴ تأسیس کرد (چالهوب ۲۰۰۴: ۱۸). این کمیته در ادامه گزارش خود به وزیر کشور اعلام کرد که یک حکم پیش‌نویس برای پس‌گیری ملیت آن دسته افرادی که شرایط موردنظر را به‌طور کامل کسب نکرده‌اند آماده کرده است و تاکنون امضا نشده است[3]. در اینجا گمان بر آن است که هیچ نخست‌وزیری دست به امضای چنین حکمی که دلالت بر اخراج طرفدار خود دارد نمی‌کند.

زیاد بارود وزیر امور داخلی لبنان در سال ۲۰۱۰ تقاضای رسیدگی دوباره پرونده را به شورای عالی پارلمان ارائه داد. نامبرده در ۵ فوریه ۲۰۱۰ اذعان کرد که برخی افراد درحالی‌که در زندان هستند تابعیت

---

۱ Shushanik Makaryan. Citizenship Acquisition and Naturalization of Immigrants in the ۱۵ Former Soviet Union Republics, *Paper presented at the annual meeting of the American Sociological Association, TBA, New York, New York City*, and Aug ۱۱, ۲۰۰۷.

۲ به دستور پارلمان هیئتی اجرایی و قانونی برای تحقیق بر مسئله سوءاستفاده از قانون تابعیت سال ۱۹۹۴ تشکیل شد.

۳تاریخ مصوبه: ۲۰۰۳,۷,۵

گرفته‌اند. در این صورت نخست‌وزیر باید افرادی را که تابعیت گرفته‌اند را شناسایی و سپس طی یک پیش‌نویس قانونی درخواست اخراج آن‌ها را بررسی کنند. با امضاء و با لغو وضعیت قانونی آن‌هایی که فرم‌های تابعیت را به‌منظور شهروند لبنانی شدن پر کرده بودند احساس ترس و تهدید همه‌ی را فراگرفت (النهار ۲۰۱۰).

در اینجا باید اشاره کرد که دولت لبنان به‌عنوان کشوری که از پتانسیل بالایی برای جذب و دفع مهاجر (اعم از داخلی و خارجی) برخوردار است هیچ‌گاه چهارچوب قانونی خود مبنی بر تصحیح صحیح قانون مهاجرت اتباع خارجی را گسترش و توسعه نداده است[1].

۱ Di Bartolomeo, Tamirace Fakhoury, and Delphine Perrin, *CARIM Migration Profile: Lebanon*, January ۲۰۱۰, [http://www.carim.org/public/migrationprofiles/MP_Lebanon_EN.pdf].

فصل سوم،

تابعیت و شرایط اجتماعی فردی

مقدمه

تابعیت فرآیندی است که از طریق آن مهاجرانی که در این کشور به دنیا نیامده‌اند، شهروندی کشوری میزبان را کسب می‌کنند. شخص پناهنده معمولاً توسط برخی رویه‌ها و رویگردهای قانونی استاندارد کشور میزبان بر اساس عملکرد خود تحت پوشش قانون قرار می‌گیرد. ازنظر تئوری دو تمایز وجود دارد. (وایل اونگ ۱۹۹۸) بر کسب شهروندی با دسترسی به قوانینی سیاسی تأکید می‌کند. (آلینیکوف ۲۰۰۱) اکتساب حق شهروندی را ازنظر قوانین اقتصادی ازجمله دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب و خدمات دولت بررسی می‌کند. از طرف دیگر یانگ فرض می‌کند که مهاجران سختی مهاجرت را به سود آن ترجیح می‌دهند (یانگ ۱۹۹۴: ۴۵۲-۴۵۱). گرچه تصمیم‌گیری و مشورت برای مهاجرت کار سختی است، اما باید این را هم در نظر گرفت که شهروندی جدید هر فردی بر پایه حقوق بهتر وزندگی بهتر نسبت به شهروندی اولیه او است (اونگ ۱۹۹۸، آلینیکوف ۲۰۰۱).

دسترسی به این قوانین باید ازلحاظ تئوریکی سود داشته باشد زندگی اجتماعی و اقتصادی مهاجران باید ارتقا داده شود. این نظریه بر اساس مطالعات مهاجرانی که موردپذیرش قرارگرفته‌اند بررسی‌شده است (پورتز و رلباوت ۱۹۹۶). پیونکو و دی وورتز (۲۰۰۴) به این نکته اشاره کردند که موفقیت مهاجران اکراینی در افزایش درآمد به دنبال کسب شهروندی در ایالات‌متحده و کانادا مشهور است. درحالی‌که بولاندر (۲۰۰۰) تجربه مشارکت در بازار کار را برای پذیرش شهروندانی که اخیراً تابعیت سوئد

را دریافت کرده‌اند. این امر در برابر یافته‌های براتزبرگ (۲۰۰۲) قرارداد او یک همبستگی مثبت بین تابعیت و مهاجرت در بازار کار و درآمدهای بالاتر قائل می‌شود. فوگر و ساف (۲۰۰۶) دریافتند که رابطه مستقیمی بین تابعیت و مهاجرتِ افراد بیکار که در فرانسه هستند وجود دارد و آن این است که کسانی که مشمول قانون تابعیت حقوق کامل شهروندی نشوند باید همچنان بیکار بمانند. ماتا (۱۹۹۹) برخلاف پیونکو بر این باور است که هیچ رابطه مستقیمی بین مهاجرت و موفقیت اقتصادی مهاجران در لبنان وجود ندارد. راماکریشان و اسپنشاد (۲۰۰۱) و همچنین پرنجا و گرشون (۲۰۰۶) اعتقاد راسخی بر رابطه مستقیم مهاجرت و مشارکت سیاسی مهاجران در کشور میزبان دارند. بر اساس این تحقیقات رابطه مستقیمی بین شهروندیت در کشور میزبان و موفقیت اقتصادی مهاجران وجود دارد که به‌نوبه خود می‌تواند خطرناک‌ترین تأثیرات ممکن را بر مهاجران اعمال کند.

درک این نکته بسیار حائز اهمیت است؛ اولاً منظور از تغییرپذیری اجتماعی و اقتصادی چیست؟ ادبیات جامعه‌شناسی و تغییرپذیری اجتماعی-اقتصادی را برحسب حرکت بین طبقات اجتماعی و یا گروه‌های شغلی تعریف می‌کنند یا به‌عنوان‌مثال بر روی سطح تحصیلات معمولاً ادبیات اقتصادی بر درآمد و تغییرپذیری درآمد تمرکز می‌کند. اصولاً تغییرپذیری اجتماعی-اقتصادی بزرگ‌ترین رویداد هر جامعه‌ای است و بنا بر دلایل زیر می‌تواند جدا از سودمندی خود مضر و خطرناک نیز باشد.

۱ نبود تغییرپذیری اجتماعی ممکن است با نابرابری فرصت‌ها روبرو شود.

۲ کارایی اقتصادی بستگی به همه‌ی افراد دارد.
۳ افرادی که احساس می کنند می‌توانند کیفیت زندگی خود را بااستعدادها و تلاش‌های خود بهتر کنند (آلدریج ۲۰۰۳: ۱۸۹).

پژوهشگران، تغییرپذیری مهاجرت را در یک چهارچوب زمانی به‌عنوان فرایند نسلی به نسل دیگر مفهوم‌سازی کرده‌اند. ازآنجایی که نسل اول در ردیف پایین از نردبان رضایت وارد جامعه می‌شوند و نسل دوم ادعا می کنند که با این نردبان به برابری اجتماعی-اقتصادی بومیان رسیده‌اند (هیرشمن ۱۹۹۶: ۵۶).

درجه‌ی آشکاری جامعه به‌مثابه فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی تمامی این فرصت‌ها را به‌طور یکسان به‌تمامی آحاد آن جامعه ارائه می‌دهد که ممکن است با استفاده از درجه‌ی تغییرپذیری از نسلی به نسل دیگر اشاره شود و همچنین به‌عنوان یک نماینده و برای اندازه‌گیری برابری فرصت در یک جامعه انجام شود. به‌عنوان‌مثال می‌توان این موضوع را با مقایسه‌ی تغییرپذیری پدر به پسر یا مادر به دختر نشان داد (والت ۲۰۰۱: ۴). در جامعه‌ی تغییرپذیر عامل مؤثر همچنان خانواده است و تحقیق فوق تمرکز خود را بر روی تأثیرات درونی خانواده بر فرزند متمرکز کرده است (آزودو و بویلون ۲۰۰۹: ۱۱)؛ بنابراین تحقیق فوق بیشتر بر روی مسئله‌ی فرزندان به دنیا آمده در غربت تمرکز کرده و تلاش بر نتیجه‌گیری می کند که تحت تأثیر مسئله‌ی تغییرپذیری خانوار قرارگرفته‌اند.

به ارث بردن تمامی خصوصیت‌های تغییرپذیری را می‌توان به صورتی بسیار دقیق یا نسبی اندازه‌گیری کرد. تغییرپذیری دقیق به دلیل رشد اقتصادی روی می‌دهد به‌طوری که استاندارد زندگی بر نسل بهتر نسبت به

نسل قبلی بالاتر یا متوسط باشد. درحالی که تغییرپذیری نسبی با توجه به اتفاقی که در جامعه رخ می‌دهد ارزیابی می‌شود. مردم می‌توانند موقعیت خود را نسبت به دیگران تغییر دهند (ساوهیل و مورتون ۲۰۰۷: ۶-۴).

ساوهیل و مورتون بیان می‌کنند که تغییرپذیری نسبی در جامعه‌ی شایسته سالار رخ می‌دهد، یعنی در جامعه‌ای که افراد به‌سختی کار می‌کنند و بیشترین استعدادها و توانایی‌ها رادارند. اگرچه آن‌ها فقط دو جامعه را تعریف و مشخص می‌کنند که یکی جامعه‌ای است که ثروت ذخیره می‌کنند به‌طوری‌که هیچ ارتباطی برای استعداد یا انرژی وجود ندارد و کاملاً به موضوع بخت و اقبال اهمیت می‌دهد و جامعه‌ی دوم که در آن سابقه‌ی خانواده بسیار مهم است و تغییرپذیری بین طبقات آن بسیار کم است (ساوهیل و مورتون ۲۰۰۷: ۴).

ساختار اجتماعی لبنان نمونه‌ای معمولی از چگونگی تقویت لایه‌بندی اجتماعی سنتی را ارائه می‌دهد. علی‌رغم تلاش‌های انجام‌شده برای سکولار کردن جامعه، لبنان همچنان در شکاف‌ها و گسستگی‌های فرقه‌ای قرارگرفته است به‌گونه‌ای که خانواده، مذهب و طایفه به شکلی قوی‌تر ظاهر و اعمال قدرت می‌نمایند (هنریکسن ۲۰۰۶: ۳۱۵) به‌طوری‌که بیشتر شهروندان لبنانی خود را بانام طایفه خود معرفی می‌کنند نه ملیت مشترک لبنانی (دلخورای و پانیزا ۲۰۰۵: ۱۳۷).

علاوه بر این در جامعه لبنان به دلیل وجود سیاست‌های طایفه‌گرایانه و نفوذ گرایانه‌ی خانواده‌های بزرگ تمامی روابط و ضوابط آن‌ها وابسته به این موارد است به شکلی که کسب شغل، درآمد بالا، دسترسی به تحصیلات و قدرت سیاسی همگی درگرو نفوذ این گروه افراد است.

گاهی اوقات خانواده‌های بزرگ از کارکنان با درآمدهای پایین سود می‌برند که اغلب این کار را برای ثابت نگه‌داشتن افراد در لایه‌های پایین اجتماعی استفاده می‌کنند.

هلادجیان هنریکسن بر این باور است که سقوط و انحطاط این طیف اجتماعی از لبنان (خانواده‌های بزرگ و بانفوذ) باعث تأثیرگذاری مستقیمی بر جامعه لبنان می‌شود، البته شایان‌ذکر است که نامبرده این تحلیل را مبنی بر عدم در نظر گرفتن پیشینه‌ی خانوار، تحصیلات، موقعیت سیاسی، موقعیت اجتماعی و اقتصادی بیان می‌کند (هلادیجیان هنریکسن ۲۰۰۶: ۳۱۵).

بنا بر مطالعه‌ی پانیزا تغییرپذیری اجتماعی در لبنان درگرو سابقه‌ی خانوار بانفوذ و قدرتمند این کشور است (پانیزا ۲۰۰۲). بر طبق پژوهش خورای، تحصیلات و مهاجرت از محرک‌های اصلی تغییرپذیری طبقات در جامعه لبنان هستند (خورای ۱۹۶۹: ۳۱). توصیفی که او از جامعه‌ی لبنان می‌کند، این است که افراد یک جامعه طبقات یک سیستم باز هستند که بر اساس وضعیت اجتماعی و اقتصادی رده‌بندی می‌شوند. همچنین او ادعا می‌کند که تغییرپذیری بین طبقات از طریق ثروت و حرفه‌ای بودن امکان‌پذیر است[۱]. برتری طبقات اجتماعی به‌صورت طبقات پایین‌تر تا متوسط یا حتی بالاتر است که در جامعه لبنان از طریق تحصیلات و شهروند خارجی بودن این طبقات تعیین می‌شود (جوزف ۱۹۸۸: ۳۱).

---

۱ Safia Saadeh, the Social Structure of Lebanon: Democracy or Servitude? Dar An-Nahar, ۱۹۹۳.

ساده نتیجه پژوهش خود را چنین بیان می‌کند که لبنانی‌ها از پدیده مهاجرت به‌عنوان نقطه قوتی مثبت برای پیشرفت و اعتلای اقتصاد خود استفاده می‌کنند (ساده ۱۹۹۳: ۹۴-۹۱). حَمدان بر طبق پژوهش خود دریافت که در جنگ داخلی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ لبنان دارای یک طبقه اجتماعی مَتزلزل بود (حَمدان ۱۹۹۴: ۱۹۳). این طبقه‌بندی در طی جنگ داخلی سال ۱۹۸۵م به دلیل رکود اقتصادی[۱] و ارزش پول ملی به‌شدت تقلیل یافت (دلپال ۲۰۰۱: ۷۵).

اگرچه هنوز هم ارتباطات خانوادگی، تحصیلات، مهاجرت، شغل، تغییرات ساختاری و چیزهایی از این قبیل، از عوامل تعیین‌کننده مهم در تغییرپذیری اجتماعی است، اما آنچه ثابت است روح تغییرپذیری جامعه است که پایدار به سمت توسعه افراد و منطقه فعالیت می‌کند.

محور بحث در فصل بعد تحلیل و بررسی روش‌شناسی بکار برده در طی این تحقیق و بر پایه‌ی شفاف‌سازی شهروندیت و خاصیت تغییرپذیری جامعه کُردهای پناهنده در کشور لبنان است.

---

۱ Ibrahim Maroun, La Question des Classes Moyennes au Liban… In UNDP (ed.), Linking Economic Growth and Social Development in Lebanon, Beirut, UNDP, ۱۶۷-۱۸۳. [http://www.undp.org.lb/communication/publications/linking/Sessionv.pdf]; see also Thierry Kochuyt, La misère du Liban: Une Population Appauvrie, peu d'État et Plusieurs Solidarités Souterraines, *Tiers Monde,* ۲۰۰۴, Volume ۴۵, Issue ۱۷۹, pp. ۵۱۵-۵۳۷.

فصل چهارم

روش‌شناسی

مقدمه

هدف از این گزارش بررسی تأثیرات اجتماعی- اقتصادی تابعیت لبنانی بر کُردهای لبنان (خصوصاً ساکنین بیروت) در سال ۱۹۹۴ است. همچنین تلاش می‌کنیم که وضعیت تابعیت آن‌ها را بعد از ۱۵ سال سکونت در لبنان مورد تجزیه‌وتحلیل قرار دهیم. ما به تغییرپذیری مداوم نسل‌ها اهمیت می‌دهیم؛ بنابراین تمرکز مطالعه‌ی ما بیشتر بر محور ساختار جامعه است که توسط سلسله‌مراتب شغلی و به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه‌شناسی و علم اقتصاد به شمار می‌آید.

در این بخش با تفصیل علمی روش‌شناسی، روش‌ها و اندازه‌گیری‌های میدانی را موردتحقیق و کاوش قرار می‌دهیم؛ زیرا همان‌طور که مستحضریم بحث درزمینه‌ی این موارد خود فرایندی برای آماده‌سازی بررسی‌های بعدی است. در این تحقیق تمامی روش‌و رویکُردهای روش‌شناسی بر اساس پژوهش‌های قبلی انجام‌شده درباره لبنان صورت گرفته است.

روش‌شناسی

داده‌های این گزارش بنا بر مستندسازی خصوصیت‌های اجتماعی، جمعیت شناختی، تغییرپذیری اجتماعی-اقتصادی و مشارکت سیاسی کُردهای مقیم بیروت در سال ۱۹۹۴ و ۱۵ سال بعدازآن است. اطلاعات ما بر پایه مصاحبه و گفتگو با ۱۶۴ کُرد ساکن بیروت است. همچنین مشتمل بر وجود برخی آمار و توصیفات است که تلفیقی از دسته هستند. همچنین این گزارش ارتباطات داخلی بین متغیری که با داده‌های کمی تصدیق

شـــدند را ایجاد می‌کند. این مصـــاحبه‌ها به دنبال اســتنباط و اســـتخراج تصــویری واضــح از چشــم‌اندازه‌ای مشــارکت‌کنندگان در زمینه ی این موضـــوع ارائـه می‌دهـد. در این گزارش بـا اســـتفاده از یکریزی تحلیلی به‌صــورت کمی و کیفی از روش‌شـناســی ترکیبی اسـتفاده‌شـده اسـت. بـه‌عبارت‌دیگر، داده‌های پژوهش را با اطلاعات حاصـــله از مصـــاحبه‌ها ترکیب کرده‌ایم که می‌توان آن را به‌عنوان یکی از خصـوصـیت‌های چند وجهه این تحقیق به شمار آورد. آماده کردن این مطالعه شامل مروری ادبی و تاریخی بر اعراب، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها شد.

به دلیل آشنایی قبلی گروه تحقیق با مسئولان و کُردهای سرشناس لبنان توانسـتیم با سازمان‌های کُرد ملاقاتی به عمل‌آورده و به‌منظور سهولت در تحلیل اطلاعات جراید کُردی را انتخاب کردیم. همچنین با پژوهشـــگران اجتماعی- فرهنگی، شـخصیت‌های سیاسی و افرادی که با وضعیت کُردها در لبنان آشـــنا هســـتند مصـــاحبه کردیم. این ملاقات در بیروت جایی که کُردهـای مقیم لبنان زندگی می‌کردند به عمل آمد. بعلاوه مواردی که به توصیف عرب‌ها و کرمانج‌ها پرداخته است. به‌طور مثال می‌توان چگونگی مشارکت آن‌ها در عید نوروز (سال جدید فارسی در ۲۱ مارس سال ۲۰۱۰) که یکی از مهم‌ترین اعیاد کُردهای لبنان است اشاره کرد.

با پایان پروســـه منبع یابی، ملاقات با روابط انســـانی جهت مصـــاحبه و تکمیل پرســـشـــنامه مهاجرتی تصـــمیم گروه در جهت شـــروع به کار و بـهـره‌برداری از پروژه تحقیقی ذیـل اســـتواتر گردیـد. در طول دوران مصاحبات توانستیم از تاریخ ۴ سپتامبر تا ۲۰ اکتبر ۲۰۱۰ با بیش از ۱۶۴ نفر

مصاحبه کنیم. شایان‌ذکر است که تمامی این افراد مهاجران پذیرفته‌شده سال ۱۹۹۴م بودند. پس از ثبت سؤالات در مصاحبه‌ها فوق تمامی آن‌ها را بر طبق شرایطی شامل سال و سن مهاجرت و میزان مشارکت سیاسی طبقه‌بندی کردیم.

به علت وجود ناامنی گسترده در کشور لبنان که ناشی از خشونت سیاسی است، می‌بایست پژوهش خود را بر مبنای طرحی به نام طرح محیط ناامن[1] متمرکز کنیم که به این معنی است: هرگاه شرایط امنیتی به وخامت گرایید پروژه به حالت تعلیق درآید (رومانو ۲۰۰۶). به دلیل آشنایی گروه تحقیق با زمینه ی کار پژوهش مزیت‌های این تحقیق را برای ادامه پژوهش در نظر گرفتیم که کمک‌های شایانی به ما در جهت خوانش و بازبینی شاخص‌های ناملموس و افزایش ریسک‌های مربوطه کرد. طرح مصاحبه اولیه ما بر پایه جمع‌آوری اطلاعات از ۲۴۰ نفر بود اما بعدها به دلیل وخامت وضعیت امنیتی و نظارت طرح محیط ناامن بر پروژه آن را به ۱۶۴ نفر تقلیل دادیم. زیرابه دلیل وجود شرایط ناامن حاکم بر شهر بیروت و ترس از وقوع تنش مجبور به تقلیل لیست مصاحبه‌شوندگان شدیم. در طول دوران مصاحبه و تحقیق بارها گروه تحقیقمان مورد تهدید و اصابت سنگ و تنش‌های جامعه کُرد لبنان قرار گرفت، اما گروه ما همچنان

---

۱ Sirkeci, I. *the Environment of Insecurity in Turkey and the Emigration of Turkish Kurds to Germany*, New York: Edwin Mellen Press (۲۰۰۶).

مصرانه بر موضع تکمیل پرسشنامه‌ها اصرار کرد و آن را عملی غیرسیاسی و به‌دوراز تنش‌آفرینی قلمداد کرد.

در ادامه روند تحقیق بارها مواجه تنش با افراد و اعلام قدرتمندی شدیم. برای مثال می‌توان به درگیری حزب‌الله لبنان[1] با حزب سنی مذهب سوریه‌ای عبش[2] در منطقه برج ابی حیدر در نزدیکی شهر بیروت اشاره کرد که منجر به کشته شدن ده‌ها نفر بعلاوه یک جوان کرد گردید که باز منجر به وخامت اوضاع تحقیق در موضوع کارمان گردید. از این گذشته بسیاری از احزاب و سازمان‌های لبنانی به دلیل سابقه‌دار بودن سازمان‌های جاسوسی اسرائیل در تفتیش و جمع‌آوری اطلاعات شهروندان لبنانی ترس از ارائه اطلاعات به متقاضیان این تحقیق داشتند. همچنین از سوی دیگر به دلیل فشار احزاب لبنانی و تنش‌های گفتاری بینشان فضای سیاسی و ارعاب بیشتری مواجه مصاحبه‌کننده‌ها را در برمی‌گرفت. علی‌رغم وجود محیط ناامن و شرایط القایی سخت بر روی مصاحبه‌کنندگان ما همچنان توانستیم به کار خود ادامه دهیم و پرسشنامه ۱۷۷ نفر را تکمیل کنیم که متأسفانه در این اثنا دو تن از مصاحبه‌کنندگان مورد تهدید و حمله افراد ناشناسی قرار گرفتند.

علی‌رغم این موانع در طول تنظیم پرسشنامه‌ها پیامدهای مثبتی را به دست آوردیم که محدوده وسیعی از موضوعات این مطالعه را فراهم

---

۱ حزب‌الله لبنان یکی از گروه‌های اسلامی شیعه در لبنان است.

۲ حزب عبش سنی‌های قبل از کودتا حکومت بعثی سوریه فعلی هستند.

می‌کند و همچنین موجب درک بهتری از شرایط اجتماعی کُردهای لبنان می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱ درک بهتر وضعیت اجتماعی-اقتصادی همراه با مسئله‌ی تابعیت کُردها در لبنان.

۲ افزایش مشارکت سیاسی کُردها در لبنان.

۳ کمک به درک بهتری از چگونگی و چرایی مشارکت سیاسی کُردهای لبنان به همراه تحلیل موقعیت اجتماعی-دموگرافی آن‌ها بعد از ۱۵ سال اقامت در کشور لبنان.

مطالعه‌ی ما برای اولین باربر تأثیر تابعیت در لبنان تمرکز کرده است و کیفیت زندگی افراد تابعیت گرفته در ابعاد تابعیت و ۱۵ سال بعد آن را در نظر قرارگرفته است. برخی از پرسش‌ها عبارت‌اند از انگیزه مهاجرت، تحصیلات، استخدام، الگویی شبیه بر سطح افراد و رفتار سیاسی.

همچنین مجموعه‌ای سؤال درزمینه ی جمعیت شناختی و سابقه‌ی افراد پرسیده شد که در نوع خود برای اولین بار انجام‌شده است (مطالعه‌ی وضعیت کُردها بعد از تابعیت گرفتن). فرضیه‌های مطالعه‌ی ما این گونه بوده که تابعیت سال ۱۹۹۴ تأثیر قابل‌توجه و مثبت مبنیَ بر تغییرپذیری اجتماعی-اقتصادی کُردهای لبنان گذاشته است. پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌ها به‌خوبی این را نشان می‌دهند.

تحقیق حاضر به دلیل بکر بودن در نوع خود (اعم از روش و تحلیل) که بر محور تحلیـل مهاجرت کُردها بعد از ۱۵ ســال تابعیت قرار دارد که از چنـدین منبع مختلف و مرتبط بـا موضـوع به زبان‌های عربی و انگلیسـی کمک گرفته عمل‌آورده اسـت. به‌طوری که برخی از آن‌ها مورداسـتفاده قرار گرفت و برخی دیگر به دلیل پویایی زمان و موقعیت بحث قابل‌استفاده نبود[۱].

بحث اصـلی و موضـوع موردتحقیق ما تحلیل و بررسـی دلایل مهاجرت و تأثیرات مهاجرت بر موقعیت سـیاسـی-اقتصـادی کُردهای پذیرفته‌شـده تابعیت لبنانی در سال ۱۹۹۴م است.

---

۱ Lokman Meho (۱۹۹۵). The Dilemma of Social and Political Integration of Ethnoclass Groups within Pluralistic Societies: The case of the Kurds in Lebanon. Master's Thesis. Beirut: American University of Beirut; Farah Kawtharani (۲۰۰۳). The Interplay of Clientelism and Ethnic Identity in Pluralist States: The Case of the Kurdish Community in Lebanon. Master's thesis. Beirut: The American University of Beirut, ۲۰۰۳.

منذر الموصلی، عرب و الاکراد رویه الاعربیه... للقضیه الترکیه/ الاکراد فی و کنهم القومی و فی الجوار العراقی-ترکی-الایرانی... و فی سوریه و لبنان، دارالعلم، الطبعه الثالثه، ۱۹۹۵، صلاح ابو شقرا، الاکراد شعب المعاناه: نافذ علی واقعهم فی لبنان و العالم، دارلهادی للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، لبنان، ۱۹۹۹.

تمامی مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها بر حول این مسئله‌ی طرح‌ریزی‌شده‌اند[1].
اگرچه تجربه‌های پیشین امیدوارکننده نبودند، اما آنچه در این دوران دریافتیم عبارت بود از مصاحبه و تکمیل پرسشنامه‌ها به‌وسیله افراد واقعی و شهروند که خود دلیل راسخی بر موثق بودن اطلاعات این نوشتار است.

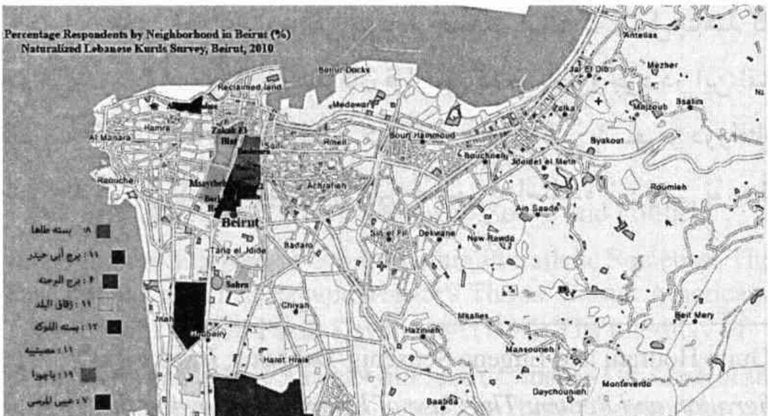
روش‌ها

این بخش کلیه روش‌های تحقیق و تحلیل اطلاعات و داده‌هایی را که به‌صورت کلی در این تحقیق موردبررسی قرارگرفته‌اند موردبررسی و تحلیل روشنگرانه‌ای قرار می‌دهد.

در این بخش اطلاعات موثقی درباره جمعیت لبنان که شامل پناهندگان هم می‌شود در دسترس خوانندگان قرار می‌گیرد. بااین‌وجود در این نقشه فقیرانه که بیروت هم قرار دارد کُردها در مناطق پایین‌شهر و دورافتاده شهر زندگی می‌کنند که به همین دلیل مجبور به استفاده از روشی نو به نام

۱ Guita Hourani and Eugene Sensenig-Dabbous, *Insecurity, Migration and Return: The Case of Lebanon Following the summer ۲۰۰۶ War*, the Euro-Mediterranean Consortium for Applied Research on International Migration (CARIM), Robert Schumann Centre for Advanced Studies, European University Institute, ۲۰۰۷. [http://www.carim.org/index.php?areaid=۸&contentid=۶۳]; Choghig Kasparian, 'Les Jeunes Libanais dans la Vague d'Émigration de ۱۹۹۲ à ۲۰۰۷', Presses de L'Université Saint-Joseph, Lebanon, ۲۰۰۹.

«گلوله برفی»[1] در تحقیقات خود شدیم. در این روش نو می‌بایست گروه تحقیقاتی با استفاده از تکنیک نمونه‌های موجود اقدام به بررسی و شناسایی مناطق مورد سکونت کُردها در بیروت می‌کرد. بنا بر ادعای محققان میدانی، درروش فوق به دلیل اینکه مجاب به ایجاد ارتباط روان‌شناسانه مستقیم با کُردها بودیم در کمترین زمان ممکن توانستیم برای محل زندگی آن‌ها و تراکم جمعیت کُرد و غیر کُرد را از تمایز قائل شویم. به‌عبارت‌دیگر چون برخی از کُردها واهمه دیپورت شدن و لغو تابعیت از سوی حکومت لبنان را داشتند تمایل به همکاری یا ارجاع به هم‌وطنان کُرد دیگر نداشتند.



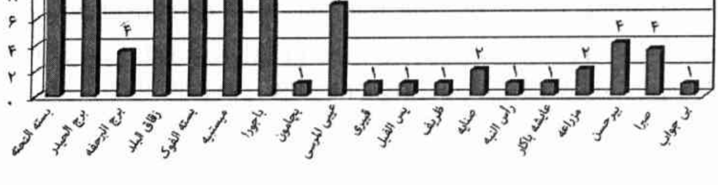
شکل ۴,۱: نقشه جغرافیایی پاسخ‌دهندگان پرسشنامه ساکن اطراف بیروت

---

۱ Snow Ball

شیوه جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به‌صورت مصاحبه مستقیم و ملاقات پناهندگان در خانه، محل کار، مغازه، فروشگاه‌های خودشان بوده است. بخش اعظم مصاحبات و تکمیل پرسشنامه‌ها به زبان عربی صورت گرفت، البته شایان‌ذکر است که مترجمان دوزبانه عربی-کُرمانجی در صورت لزوم در محل حضور داشتند.

به‌منظور اطمینان کامل از صحت کار انجام‌شده در آخر هر مصاحبه و تکمیل پرسشنامه گروه تحقیق آن را دوباره و بر مبنای سؤالاتی نظیر پرسش تاریخ تولد، تاریخ مهاجرت، طول زمان مهاجرت و محل زندگی مورد تحلیل نهایی و اطمینان خود قرار می‌داد. گروه تحقیق در پایان هر مرحله مجاب به بررسی دوباره مناطق کُردنشین و انتخاب آن‌ها برای انجام تحقیق خود بود.



نمودار ۴,۲: درصد پاسخ‌دهنده‌ها پرسشنامه‌ها در شهرهای همسایگی بیروت

نمودار ۴,۲ نشـان می‌دهد که بیشـترین تعداد پاسـخ به ترتیب در مناطق باچورا، بسته الفاوکه، زوزاک البلاد، برج ابی حیدر، مصیتبه و عین‌المرسی و کمترین تعداد در مناطق سین الفیل، رأس النباه و عایشه‌بکر بوده است.

تمرکز جمعیت کُردها در لبنان علاوه بر اطلاعات به‌دست‌آمده از تحقیق میدانی فوق با برخی منابع دیگر نظیر تحقیقات اشـخاصـی همچون مَحو (۱۹۹۵، ۴۶)، کـاوفارانی[۱] (۲۰۰۳، ۷۴) و ابو چاراکا (۱۹۹۹، ۶۵-۶۱) مطابقت داده‌شـده اسـت که خود بیان‌کننده این اسـت که اکثریت افرادی که در بیروت و همسـایگی آن در زمان ملت‌سـازی سـال ۱۹۹۴ اقامت داشـتند عمدتاً به زندگی در همین مناطق و به مدت ۱۵ سال بعد از اعطای تابعیتشان ادامه داده‌اند.

پرسشنامه:

یک پرسـشـنامه سـازمان‌یافته اصـلی‌ترین ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق اسـت که خود شامل ۲۰۱ بند است. بیشتر این بندها دوبخشی بودند و پاسـخ‌هـای "بله" یا "خیر" را می‌طلبیدند. بعضـی بندها در مقیاس ۵

---

۱ Kawtharani, Farah W. The Interplay of Clientelism and Ethnic Identity in Pluralist States: The Case of the Kurdish Community in Lebanon. Master's thesis. Beirut: The American University of Beirut, ۲۰۰۳ is another Master's thesis.

۱ تلاش ما بر این است که کلیه وجوه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کُردهای لبنان را موردبررسی قرار دهیم. نامبرده در این پایان‌نامه که هشت سال بعد از پروسه پذیرش تابعیت کُردها و انتخابات دو دوره از پارلمان نوشته است اشاره مبرم و دقیقی میزان مشارکت سیاسی کُردها کرده است.

قسمتی لیکرت قرار داشتند[۱]. بیشترین تمرکز بندها بر روی مقیاس‌های اقتصادی-اجتماعی و مشارکت سیاسی بود. واقعیتی که تحقیق ما مدنظر داشت تهیه نمایه‌ای از تحرک اجتماعی-اقتصادی و مشارکت سیاسی افراد تحت تابعیت بود. میانگین زمانی پاسخ سؤال‌های ما ۴۸ دقیقه طول می‌کشید تا پرسشنامه تکمیل شود، البته برخی حدود یک ساعت ونیم نیز طول می‌کشید. مصاحبه‌کننده‌ها از زمینه‌ای که باید بسیاری سؤالات را تکرار و آزمایش کنند از طریق مصاحبه کمی گزارش تهیه کردند تا معنای تمام سؤالات را بفهمند. نمودار ۴,۳ توزیع بندها را در میان متغیرها نشان می‌دهد.

جهت کسب اطمینان از صحت بندهای پرسشنامه همگی به‌وسیله آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شده‌اند[۲]. ارزش‌ها برای نشان دادن بهبود بازدهی موقعیت اقتصادی افراد به‌وسیله یک آلفای مناسب ۴۷٪ در نظر گرفته شدند. وقتی یک سؤال که موضوعی را تعیین می‌کرد تأثیر منفی روی موقعیت شخص در نردبان درآمد داشت، آلفا به یک سطح قابل‌قبول ۵۶٪

---

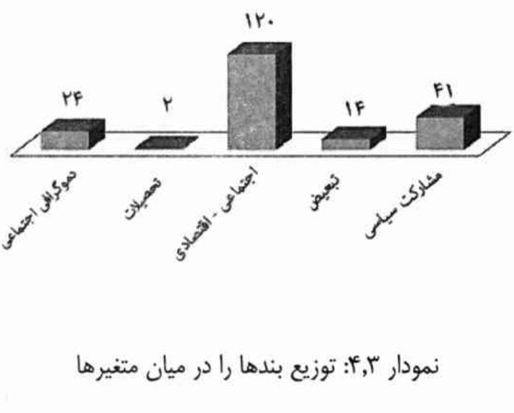
۱ مقیاس لیکرت یک مقیاس منظم و تک‌بعدی است که معمولاً برای اندازه‌گیری نگرش، تهیه میزان پاسخ‌ها به سؤال یا عبارت داده‌شده از پاسخگویانی است که به دیدگاه آن‌ها بیشترین نزدیکی را دارد. معمولاً ۵ طبقه پاسخ از کاملامخالف تا کاملاً موافق و موارد مرکزی خنثی در بین آن‌ها وجود دارد.

۲ آلفا کرونباخ معمولاً برای اندازه‌گیری ضریب اطمینان برای مقیاس لیکرت استفاده می‌شود (مانند سازگاری داخلی) که میزان ارتباط بندها را به‌عنوان یک گروه نشان می‌دهد. ارزش بالای آلفا معمولاً به‌عنوان ملاکی که بندها ساختاری نهفته را اندازه می‌گیرند استفاده می‌شود.

کاهش می‌یافت.

برای قابل‌قبول بودن مصاحبه‌های انجام‌شده در مطالعه، افراد کُرد باید دارای شرایط مناسبی می‌بودند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- در سال ۱۹۹۴ بین ۱۵ تا ۵۲ سال سن داشته باشند (متناظر با ۳۱ تا۶۸ ساله در سال ۲۰۱۰).
- افراد تحت تابعیت تاریخ ۲۰ ژوئن سال ۱۹۹۴، قانون شماره ۵۲۴۷.
- افراد ثبت‌نام‌شده رسمی در بیروت.



نمودار ۴,۳: توزیع بندها را در میان متغیرها

صد درصد پاسخ‌دهنده‌ها سؤال‌های پرسشنامه‌مبنی بر سن، سال ثبت تابعیت، مشارکت سیاسی و همچنین اعطای تابعیت در سال ۱۹۹۴ در بیروت را جواب دادند. ۷۷٪ پاسخ‌دهنده‌ها عمدتاً مرد و ۲۳٪ زن بودند.

زندگی‌نامه و مصاحبه‌های تحلیلی:

زندگی‌نامه و مصاحبه‌های تحلیلی توسط نمونه‌ای ۱۲ نفره از افراد تهیه شدند. این افراد با توجه به سن و آگاهی‌شان در مورد مهاجرت و پایتخت اجتماعی‌شان انتخاب شد. ساختار جدول زمانی مصاحبه‌ها تقریباً دونیمه پرسشنامه متفاوت است که تطبیق پرسشنامه‌های تحلیلی با موقعیت فرد و دیگری تطبیق آن بادانش عمومی فرد مصاحبه‌شونده است. سؤال‌هایی که در موردبررسی اطلاعات پدیده ناخوشایند مهاجرت کُردها صورت گرفت عبارت بودند از: مسیر مهاجرت کُردها، فرآیند تابعیت، موضوعات مرتبط با تاریخچه کُردها در لبنان، نوع مشکلاتی که آن‌ها در آن کشور تجربه کرده‌اند، پیوستگی در جامعه لبنان و مشارکت سیاسی. موافقت آگاهانه قبل از انجام مصاحبه از تمامی افراد گرفته شد.

مدیریت داده‌ها:

اطلاعات کیفی و کمی از پیمایش گر رشته مربوطه به دست می‌آید.

اطلاعات کمی:

قبل از ثبت اطلاعات یک برگه رمزی ساخته‌شده بود. به هر پرسشنامه یک منبع شماره‌دار برای بررسی دقت داده‌های ورودی تخصیص داده‌شده است.

اطلاعات کیفی:

اطلاعات مصاحبه‌ها برای تحلیل و تفسیر موضوعی کد دار شده‌اند.

تحلیل داده‌ها:

اطلاعات مصاحبه‌ها برای تحلیل و تفسیر موضوعی کد دار شده‌اند.

تحلیل داده‌ها:

تمامی اطلاعات پرسشنامه‌ها به یک بسته آماری برای علوم اجتماعی

واردشـــده‌اند. قبل از تحلیل اطلاعات برای اینکه درســتی تمام اطلاعات ورودی تضـــمیـن شـــود، همگی مورد تحلیـل این دســتـه نرم‌افزاری قرارگرفتـه‌انـد. تحلیـل اطلاعـات نیـاز به آزمایش مواردی همچون آلفای کرونباخ، توزیع فراوانی و آمارهای توصیفی را از بین برد.

گزارش:

اطلاعات کمیتی در ســتون‌ها و نمودارهای میله‌ای و پایه‌ای تهیه‌شــده‌اند. یک رویکرد داستانی در حال حاضر استفاده می‌شود و از طریق مصاحبه‌ها و ادبیات در مورد تولید داده‌های کیفی بحث می‌شود.
کمیت‌های عملیاتی:

تحقیق میدانی ما در فاصـله زمانی سـپتامبر ۲۰۱۰ و اکتبر ۲۰۱۰ صـورت گرفت. ده نفر پیمایش گر (سه مرد و هفت زن) پرسشنامه‌ها را برای مطالعه آماده کردند: دو محقق مصـاحبه‌ها وزندگی‌نامه افراد را جویا می‌شـدند و سـرانجام دو نفر دیگر مصـاحبه‌های کارشـناسی را هدایت می‌کردند. تمام مصـاحبه‌ها و پرسـشنامه‌ها به‌طور مستقیم و به‌وسیله پیمایش گرها در واحد مســکن، مغـازه‌هـا یـا محل کار پاســخ‌دهنده‌ها انجام می‌شــدند. قبل از جمع‌آوری داده‌ها، تمامی پیمایش گرها به‌وســیله مرکز تحقیق مهاجرت دانشـگاه "نوتردم"، آموزش وسـیعی درباره مدل‌های طراحی و پروژه‌های تحقیق میـدانی دریـافـت کردنـد. این پیمایش گرها درباره پیچیدگی‌های تحقیق صحرایی و دشواری‌های تخصص بالقوه و همچنین محدودیت‌های رایج در لبنان بحث می‌کنند. بعلاوه بحث‌های ایمیلی و صــفحه‌ای شـامل اعضـــای بااســتعداد، پیمایش گرها و محققان خارجی، برای اثبات اعتبار

بندهای پرسشنامه و سؤالات مصاحبه در رابطه با نشانه پروژه هدایت می‌شوند. یک مطالعه آزمایشی شامل یازده پاسخ‌دهنده کُرد، برای بررسی بیشتر کفایت ابزارهایمان (مانند بندهای پرسشنامه و سؤالات مصاحبه) مدیریت شدند و برای شناسایی مشکلاتی درزمینه ی استراتژی تحقیق که ممکن است با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی‌شده و همچنین با واکنش‌های پنهانی پاسخ‌دهنده‌ها به سؤالات پرسیده شود و هم در پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌ها اتفاق بیفتند تعیین شدند.

نظارت ممتد ما در موقعیت سری و سیاسی در لبنان و کشف و شهود ما در رابطه با تضاد سیاسی در لبنان و مخصوصاً در بیروت بین شیعه‌ها و سنی‌ها بیشتر می‌شد. ما تصمیم گرفتیم زمان پاسخ‌دهندگی پرسشنامه‌های آزمایشی را کوتاه کنیم و در عوض گروه تحقیقاتی هرچه زودتر پرسشنامه‌های تغییر داده‌شده را راه‌اندازی کنند و کلیه گزارش‌هایی که پیمایش گرها آزمایش آن را مدیریت می‌کنند مدنظر قرار دهند. با نتیجه‌گیری خوب نتایجی که از مطالعه آزمایشی به‌دست‌آمده‌اند به گونه‌های نهایی زمان‌بندی پرسشنامه و مصاحبه تقسیم‌بندی می‌شوند. با اطاعت از تمرین اخلاقی استاندارد موافقت کتبی فرد پاسخ‌دهنده قبل از انجام هر مصاحبه یا تعیین پرسشنامه گرفته می‌شود. از هر پیمایش گر خواسته می‌شود که برگه موافقت را که بیان‌کننده اهداف پیمایش است خوانده و امضا کند. پیمایش گر به پاسخ‌دهنده‌های شفاهی و کتبی اطمینان دادند که مطالعه نام تمام پاسخ‌دهنده‌ها خگوها را به‌صورت سری نگه داشت. این بخش در مورد نتایج پیمایش بحث می‌کند.

فصل پنجم،

پژوهش میدانی-نتایج توصیفی

مقدمه:

یک بازنمایی از ارزیابی مشارکت اقتصادی و تحرک سیاسی- اجتماعی تمام پاسخ‌دهنده‌ها تحت تابعیت به‌وسیله دسته‌ای از سؤالات که موقعیت آن‌ها را در زمان تابعیت و ۱۵ سال بعدازآن و مخصوصاً احترام به پیشه، درآمد، مالکیت دارایی، وضعیت قشربندی اجتماعی، مشارکت در رأی دادن و نگرش آن‌ها به بازنمایی اجتماعی کردی با سیستم فرقه‌ای لبنانی آن‌ها بررسی می‌کند تهیه‌شده است.

پرواضح است که نمی‌توان از تأثیرات اتخاذ یک نوع ملیت خاص که دارای حقوق قانونی و مدنی خاص خود است چشم‌پوشی کرد. همچنین به‌سختی می‌توان سوء تأثیرات زندگی در آن ملت را در زندگی افراد مربوطه نادیده گرفت (وان واس ۲۰۱۰: ۲). در ادامه بحث سعی خواهیم کرد که تأثیرات داشتن تابعیت یا نداشتن آن را در زندگی افراد از قبیل تحصیلات، خانه‌داری، اشتغال و سایر ابعاد اجتماعی بررسی کنیم.

همان‌طور که در بالا اشاره کردیم، مؤلفه‌های بازدید ما باید طبق معاهده‌های کیفی، فقدان موضوعات و قابل‌اعتماد بودن آن‌ها، درآمد انتشارات، حالت‌های بازار کار، مهاجرت و مشارکت سیاسی را به‌وسیله گروه‌های لبنانی ارزیابی کنیم.

تاریخچه مهاجرت:

تاریخچه مهاجرت پاسخ‌دهنده‌های کُرد به لحاظ متغیرهایی از قبیل کشور منشأ، اطلاعات مهاجرت و دلایل مهاجرت پنهان‌شده است.

کشور مبدأ:

حوضـه تحقیق ما ۱۶۴ موضوع را اندازه‌گیری کرده است. ۹۰٪ کسانی که پیمایش شـدند در لبنان و ۱۰٪ در ترکیه به دنیا آمده‌اند. در پاسـخ به تقاضـای آن‌ها از کشـور اصـلی‌شان ۹۴٪ از ترکیه، ۴٪ از کردستان عراق، کمتر از ۱٪ از کَردسـتـان سـوریه به آن‌ها خوش‌آمد گویی کرده و ۱٪ جوابی بـه آن‌هـا نـداده‌انـد. این نتـایج بـا یـافتـه‌هـای مَحو (۱۹۹۵: ۴۸) و کاوفارانی (۲۰۰۳: ۶۱) و ابو چاراکا (۱۹۹۱: ۶۱-۵۹) مطابقت دارد.

دو درصـد از پـاسـخ‌دهنـده‌هـا زمـان درخواسـت مهـاجرت خود یا خانواده‌شان رابین سال ۱۹۳۰ تا۱۹۳۹، ۲۲٪ بی‌اطلاع، ۱۶٪ بین سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۹، ۱۱٪ بین سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۹، ۱۰٪ سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۹ اعلام کرده و زمان ورود به کشور ۱۰٪ سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۹، ۸.۵٪ سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۹، ۶٪ سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۹ و ۴,۹٪ سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ را اعلام کردند.

درصد	فرکانس	سال
۶	۱۰	۱۹۱۰-۱۹۱۹
۱۶	۲۶	۱۹۲۰-۱۹۲۹
۲۲	۳۶	۱۹۳۰-۱۹۳۹
۸	۱۴	۱۹۴۰-۱۹۴۹
۱۰	۱۶	۱۹۵۰-۱۹۵۹
۱۱	۱۸	۱۹۶۰-۱۹۶۹
۵	۸	۱۹۷۰-۱۹۷۹
۲۲	۳۶	نامعلوم
۱۰۰	١٦٤	**جمع کل**

شکل ۵,۱: جدول طبقه‌بندی‌شده اسامی مهاجران به ترتیب سال، درصد و فرکانس

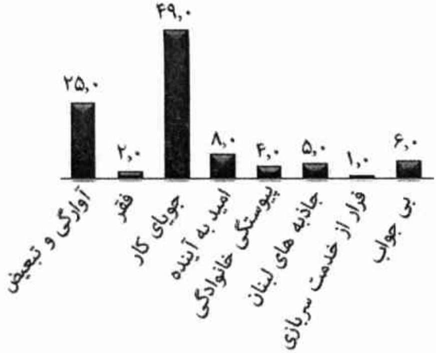
سازگاری بین اطلاعات ما و نتایج مَحو و... که قبلاً اشاره‌شده وجود دارد و همچنین به همین میزان اتفاقات تاریخی اصلی در مناطقی که در بخش‌های قبلی توصیف شد رخ‌داده است.

دلایل مهاجرت:

تئوری وقوع مهاجرت و مهاجرت‌پذیری به تأثیر متقابل انگیزه برای مهاجرت کردن و پذیرفتن جاذبه‌های آن برمی‌گردد که بر مردم در ترک کردن کشور اصلی‌شان و اقامت در سایر کشورها تأثیر می‌گذارد. تفاوت انگیزه‌ها در کشور منشأ و جاذبه‌ها در کشور مقصد منبع عامل اصلی وقوع مهاجرت بوده است. عامل‌های متعددی بر مهاجرت تأثیر می‌گذارد، اما بیشترین عامل شخص مهاجر و خانواده‌ی او است.

در بازدید ما حدود ۴۹٪ از پاسخ‌دهنده‌ها علت مهاجرت خود و خانواده‌شان به لبنان را به‌طور خاص عامل اقتصادی و جستجوی اشتغال، ۲۵٪ فرار از جنگ و تبعیض نژادی بیان کرده‌اند. بنا بر اظهارات شخص آر. اِف برخلاف آن‌ها ارمنی‌ها برای حفظ جان خود و ایجاد امنیت فرار کرده‌اند کُردها با فرار از وضعیت بد اقتصادی و شرایط زندگی مهاجرت کرده‌اند[1]. به آن‌ها گفته‌شده که لبنان کشوری غنی و دارای فرصت‌های شغلی است. یافته‌های مَحو نشان داده که پیشرفت در شرایط زندگی کُردها در لبنان و کشورهای مجاور کردستان نقش مهمی را در تشویق مهاجران جدید به انتخاب لبنان برای زندگی ایفا کرده است.

۱تاریخ مصاحبه ۲۷ آگوست ۲۰۱۰.



شکل ۵,۲: دلایل مهاجرت خانوادگی

دلایـل مهاجرت به لبنان از طریق پاسـخ‌دهنده‌ها ما با یافته‌های مَحو و سـایرین تطبیق داده‌شـده اسـت. بدین طریق زندگینامه‌ها و مصـاحبه‌های تحلیلی ما به‌طورقطع نشـان دادند که دلیل اصـلی مهاجرت به لبنان عامل اقتصادی بوده است[1].

حالت‌های قانونی برای پذیرفته شدن تابعیت:

تابعیت دوگانه:

صـد درصـد پاسـخ‌دهنده‌ها تصـدیق کردند که دارای ملیت لبنانی بوده و درخواسـت تابعیت را از طریق تقاضـانامه در سال ۱۹۹۴ انجام دادند. وقتی

۱ اظهارات فوق بر مبنای مصاحبه با دو شخص به نام‌های ای. اس. بی. ام است که در سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۳۰ به لبنان مهاجرت کرده‌اند. بنا بر ادعای طرفین اعظم بهانه کُردها برای مهاجرت به لبنان دلیل پیشرفت اقتصادی بوده است. تاریخ مصاحبه: ۸ فوریه ۲۰۱۱ و ۱۱ فوریه ۲۰۱۰.

از آن‌ها در مورد داشـــتن تابعیتی دیگر پرســـیده شـــد، تنها ۲۰٪ و به‌طور دقیق‌تر ۱۷.۷٪ از تمام پاســـخ‌دهنده‌ها تأیید کردند که تابعیتی غیر از لبنانی را گرفته باشـــند. از این جمعیت ۲۹٪ جمعیتی قریب به ۲۴٪ تابعیت ترکیه، ۱٪ تابعیت سوریه و ۱٪ تابعیت عراقی را گرفته بودند. ۳٪ نیز تابعیت دوگانه داشتند. در این نمونه نسبت کُردهایی که تابعیت دوگانه داشتند با یافته‌های احمد مطابقت داده شـد. ما باید اشاره‌کنیم که لبنان اصل تابعیت دوگانه را پذیرفته است.

کارت شناسایی ارزیابی ملی:

همان‌طور که قبلاً بیان شد این کارت شناسایی در سال ۱۹۶۲ عرضه شد و اکثر کُردهای بدون ملیت لبنانی مشتاق به دریافت آن شدند.

برای اینکه بفهمیم چه تعداد از پاســـخ‌دهنده‌ها ما از درخواســـت برای تابعیت سال ۱۹۹۴ در لبنان سـود جستند از آن‌ها پرسـیدیم که آیا کارت شـناسـایی دارند یا نه. بیش از ۱۴۶ نفر پاسـخ‌دهنده یعنی معادل ۸۹٪ تأیید کردند که کارت شـــناســـایی دریافت کرده‌اند درحالی‌که ۱۱٪ از آن‌ها مدعی بر دریافت نوع دیگری از مدارک قانونی شـدند. بیشتر نتایج بازدید ما از ادعاهای احمد و مَحو تهیه‌شده است.

در این بند با یک دید جامع‌گرایانه تاریخی و اجتماعی به اسم کُردهای لبنان می‌پردازیم. مَحو بیان می‌دارد که در اواسـط سال ۱۹۹۰ کمتر از ۲۰٪ کُردهای لبنان تحت تابعیت بودند. تقریباً ۱۰٪ آن‌ها هیچ برگه شـناسـایی نداشـــتند یا به‌عنوان اهل فلســـطین یا ســـوریه ثبت‌نام‌شده بودند. کُردهای باقی‌مانده بیش از ۷۰٪ کارت‌های شناسایی را تحت سلطه داشتند.

داده‌های اجتماعی-مردم‌شناسی:

داده‌های اجتماعی-مردم‌شناسی پاسخ‌دهنده‌های کُرد شامل متغیرهای کشور، محل تولد، سن، جنسیت، وضعیت تأهل، وابستگی دینی، زبان گفتگو و هویت پاسخ‌دهنده‌ها است.

کشور تولد:

وقتی از آن‌ها در مورد محل تولدشان سؤال شد، ۹۹٪ آن‌ها پاسخ دادند که در لبنان و ۹٪ دیگر هم گفتند که در ترکیه متولدشده‌اند. این نتایج با تاریخ کُردها در لبنان سازگاری دارد: این‌طور برداشت می‌شود که اکثر آن‌ها در لبنان متولدشده‌اند اما این افراد نواده مهاجرانی هستند که در دهه ۱۹۲۰ به لبنان آمده‌اند.

سن آن‌ها در سال ۱۹۹٤:

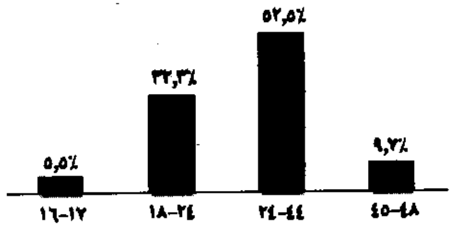
میانگین سن پاسخ‌دهنده‌ها ۴۶ سال بود با انحراف استاندارد ۹.۵ فاصله سنی پاسخ‌دهنده‌ها از سن ۱۵ سال به‌عنوان جوان‌ترین و تا ۶۴ سال به‌عنوان مسن‌ترین فرد است. ۵.۵٪ از کل این افراد در زمان مهاجرت زیر ۱۷ سال سن، ۳۲٪ از آن‌ها بین ۱۸ تا ۲۴ سال، ۵۲.۵٪ بین ۲۵ تا۴۴ و ۱۰٪ بین ۴۵ تا ۶۴ سال سن داشته‌اند. بیشترین توزیع سنی این افراد درگروهای سنی ۱۸-۲۴ و ۲۵-۴۴ بود و این توزیع در رده سنی زیر ۱۸سال و بالای ۴۵ سال کاهش می‌یافت.

جنسیت:

گرچه ما تلاش کردیم که زنان را به‌طور خاص در این ملاحظه بگنجانیم، اما متوجه شدیم که این کاری دشوار است. مردها نسبت به زنان تمایل کمتری به شرکت در این بازدید داشتند. به‌علاوه گزارش‌های در این زمینه

نشان داد که زنان به طرز جسورانه‌ای از شرکت سایر اعضای خانواده‌شان در پرسشنامه ما جلوگیری کردند و درعین‌حال به پیمایشگرها هجوم آوردند.

در چندین مورد از مصاحبات این زنان در مورد اقرار به هویت لبنانی خود بدگمانی‌هایی را نشان دادند که باعث شد اعضای خانواده‌شان تمایل پاسخ به هیچ پرسشی را نداشته باشند و درنهایت آن‌هایی که به سؤالات کافی جواب دادند شهروند نبودند. درنتیجه‌گیری کلی آمارها دریافتیم ۷۷٪ از مصاحبه‌شونده‌ها مرد و۲۳٪ زن بوده‌اند بنا به تجربه خود می‌توان گفت در کار ما هنجار وجود داشته است. به‌عنوان‌مثال مَحو تنها توانست از مجموع ۳۰۸ نفر اعضای نمونه‌اش تنها ۳۲٪ را به زنان اختصاص دهد.



شکل ۵,۳: نمودار درصدگیری سن در زمان مهاجرت و پذیرش

وضعیت تأهل:

پاسخ‌دهنده‌ها ۶۹٪ متأهل، ۱۴٪ مطلقه یا بیوه و۱۷٪ مجرد بوکند.

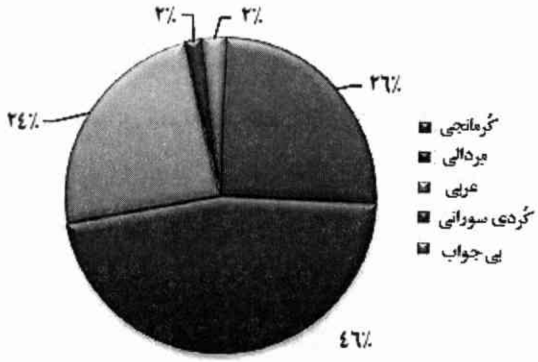
وابستگی مذهبی:

بررسی ما نشان داد که ۹۵٪ پاسخ‌دهنده‌ها خود را قویاً سنی و۱٪ خود را مسلمان معرفی کرده، ۲٪ به سؤال جواب نداده و ۲٪ از پاسخ دادن امتناع ورزیدند.

یافته‌های ما در این زمینه مربوط به وابستگی مذهبی کُردهای لبنان بود که با تاریخ کُردها در کل و با تاریخ کُردهای لبنان به‌طور خاصی تطبیق داده‌شده بود.

زبان رایج:

زبان رایج اکثر پاسخ‌دهنده‌ها بر طبق نمودار ۵.۴ نشان داده‌شده و بیان می‌کند که کُردهای لبنان به دو گروه کُردهای کُرمانج با زبان کُردی و کُردهای متکلم به زبان عربی تقسیم می‌شوند.



شکل ۵,۴: نمودار کثرت زبانی جامعه کُردهای لبنان

نتایج بررسی ما نشان می‌دهد که اکثریت یا ۴۶٪ پاسخ‌دهنده‌ها به زبان مِردالی-مُبالامی، ۲۶٪ کرمانجی، ۲۴٪ عربی، ۲٪ سورانی[1] صحبت کرده و

---

۱ جغرافیای زبانی متکلمان این زبان شمال عراق است.

البته شایان‌ذکر است که زبان کُردی سورانی علاوه بر این‌که در اقلیم فدرال کُردستان مورداستفاده قرار می‌گیرد در بخش‌های مرکزی شرق کُردستان یا کُردستان ایران نظیر مناطق

۲٪ به سؤال پاسخ نداده‌اند. توزیع زبان این ادعای تاریخ را تأیید می‌کند که بیش از یک‌سوم کُردهایی که موردبررسی قرارگرفته‌اند ازلحاظ قومیتی کُرد بوده و به زبان کُردی سورانی صحبت می‌کنند، درحالی‌که گمان می‌رود دوسوم آن‌ها خود را ازلحاظ قومیتی عرب معرفی کرده و به زبان مردالی-مُبالامی صحبت کنند.

نتایج به‌دست‌آمده از این پرسش با یافته‌های ابو چاراکا تطبیق داده‌شده است که بیان می‌کند تنها ۲۰٪ از ۲۵۶ خانوار شرکت‌کننده در نمونه به زبان کرمانجی صحبت می‌کنند.

یکی از مزیت‌های شهروند لبنانی بودن ترکیب چند فرهنگی آن و تضمین آزادی در زبان محاوره و رعایت عهدنامه ننوشته در حفظ گوناگونی فرهنگ‌هایش است. به همین دلیل چگونگی زبان محاوره، مطبوعات (کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها، جزوه‌ها)، به استفاده از رسانه اجتماعی و یا حتی گوش دادن به پخش رسانه کرمانجی یا مُبالامی‌ها محدود شود. بااین‌وجود نبود مدارس یا برنامه‌هایی که زبان کرمانجی را آموزش دهد علت نگرانی اجتماعی کُردها در رابطه با این بحران زبانی-فرهنگی نسل آینده فرزندانشان است[1].

اردن نیز به‌مثابه یک جمعیت گوناگون متشکل محصور کوچک از اقوام کرد است. تحقیقات اخیر بر روی این گروه نشان داد که زبان کردی به‌عنوان زبان محاوره در این گروه به‌طور فوق‌العاده‌ای در بین کُردهای

مُکریان، اردلان، جاف و... مورداستفاده عموم و مطبوعات محلی و آکادمیکی قرار می‌گیرد.

مترجم

۱ تاریخ مصاحبه ۱۳ دسامبر ۲۰۰۹

اردن به کمتر از ۲۰٪ کاهش یافته است. ضعف کُردها در مهارت‌های خواندن و نوشتن بیشتر از گفتگو و شنیدن است. این مطالعه به نگرش مثبت کُردهای اردنی در مورد زبان و فرهنگ عربی اشاره می کند و همچنین به این واقعیت اشاره دارد که انگیزه کافی در اجتماع برای انجام آنچه نیاز به زنده ماندن و حتی حفظ زبان دارد وجود ندارد. سوریه همچنین شامل یک سرزمین محصور برای کُردها است اما در سوریه برخلاف لبنان و اردن محدودیت‌هایی در استفاده از زبان کُردی در مدارس و مکان‌های عمومی وجود دارد و به همین میزان در چاپ یا توزیع روزنامه‌ها و ماهنامه‌های کُرمانجی نیز تحریم اعمال‌شده است؛ بنابراین کسب اطلاعات درزمینه ی زبان کُردی بسی دشوار است.

هویت:

همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم با اعتقاد به اینکه هویت قومی یک ساختار اجتماعی است از پاسخ‌دهنده‌هایمان در مورد هویتشان سؤال کردیم و احساس کردیم که شناسایی اشخاص بیشترین وسیله اندازه‌گیری برای این موضوع است. دریافتیم که کُردی هنوز طبقه‌ای است که مناسب‌ترین مورد را به خود اختصاص می‌داد. ۴۰٪ پاسخ‌دهنده‌ها خود را کُرد، ۳۵٪ مِردالی-مُبالامی، ۱۰٪ لبنانی، ۱۳٪ ترجیحاً مسلمان، ۲٪ ترک معرفی کردند. این افراد ساکن گروه‌های فرعی قومی آشکارا بیان کردند که مسئله‌ی هویت بعد از پذیرش تابعیت ممکن است به‌سختی شناسایی شود که شاید دلیل آن این باشد که هنگامی که فرد به تابعیت در لبنان پذیرفته می‌شود موقعیت او روشن می‌شود.

آمارها همچنین نشان می‌دهند که اجتماع‌ها خود را بیشتر در

اصـــطلاحات قومی نشـــان می‌دهند تا ملیتی یا مذهبی. همچنین اطلاعات نشـان می‌دهند که حدود ۱۲٪ کسـانی که به زبان کُردی تسلط نداشته و یا استفاده نمی‌کرده‌اند مفتخر به هویت کُردی خود بودند.

بنا بر اطلاعات حاصله از یک تحقیق که بر روی هویت کُردهای تحت تـابعیـت انجام گرفت ثابت شـــد که هویت در میان آن‌ها علاوه بر آن‌که پارامتری ثابت نبوده، بنا بر اقتضـــای زمان و شـــرایط تأثیرگذاری همچون جنگ، تنش و تـاقضـــات داخلی متغیر بوده اســـت (شـــوالتز ۱۹۹۴: ۱۳) و همچنین دریافتیم که مســـئله‌ی هویت کُردی و کُردیت معیار اصـــلی پیش برنده تحقیق حاضـــر اســـت. کُردیت فرهنگی به‌وســـیله پیشـــینه و تـبار کُردها تعریف‌شـــده و منشـــأ کلیـه تلاش‌هـای فرهنگی برای نگهـداری آن از محدودیت‌های اداری کشـــور ســـوریه صـــورت گرفته اســـت (تجل ۲۰۰۹: ۱۰۳).

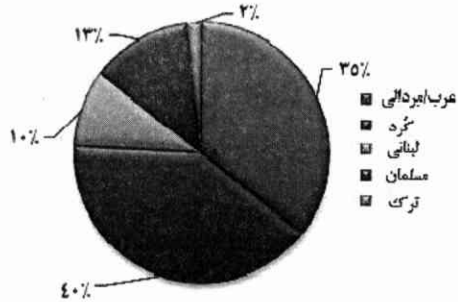
نتایج تحقیق نشـــان می‌دهد که افراد بیشـــتر تمایل دارند در ابتدا خود را بیشـــتر در میـان عبـارت‌هـایی برگرفتـه از شـــناســـه قومی معرفی کنند تا شـــناســـه‌های مذهبی یا ملیتشـــان. ازآنجایی‌که هویت به خود ادراکی فرد نســـبت به دیگران و دنیا مربوط می‌شـــود در طبیعت بازتاب می‌یابد؛ مانند ادراک خود بیرونی کـه در ارتبـاط با جامعه و تجربه از طریق شـــیوه‌های مختلف بیان بازتاب می‌یابد.

بنـابراین، افراد هویتشـــان را در مفـاهیم چندگانه‌ای از خویش ادراکی آشـــکار کرده و در رابطه‌های گوناگونی آن را اعلام می‌کنند. هنگامی‌که به‌طور رســـمی از کســـانی که در طبقه کُردها در لبنان قرارگرفته‌اند درباره هویتشـــان ســـؤال شـــود بر تعلق خود به‌عنوان یک فرد به برخی قومیت‌های

خاص تأکید کرده و خود را بیشتر خارج از هویت کردی نظاره می کنند. مبنای طبقه‌بندی پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌ها همگی بر اقرار هویت کُردی مصاحبه‌شوندگان بوده است به‌طوری که مصاحبه‌شونده‌های مردالی-مُبالامی تصدیقِ کردند که حتی یک کلمه کردی نه صحبت می کنند نه می توانند بفهمند.

کرینبروک واکنش مشابهی را دریافت کرده است. چنانچه در بخشی از تحقیقش به اسم زبان کردی نوشته: وقتی از مردم در مورد هویتشان سؤال می‌شود زبان می‌تواند تمرکزی بر احساس‌های ملی‌گرا شود (کرینبروک ۱۹۹۲: ۶۸).

نتایج این سؤال در مقایسه با تحقیق مَحو کاملاً همسان و اخباری است. نتایج او نشان می‌دهد که ۲۰٪ خود را کُرد، ۵۴٪ لبنانی-کُرد، ۲۰٪ مسلمان، ۴٪ لبنانی، ۳٪ لبنانی با اصلیت کردی معرفی کردند (مَحو ۱۹۹۵: ۱۳۲-۱۳۳).



شکل ۵٫۵: تقسیمات هویتی پاسخ‌دهنده‌ها

مقایسه هویت خود در قبل و بعد از تحت تابعیت قرار گرفتن جالب‌توجه است؛ زیرا مقایسه این دو فرآیند آشکار می کند که در موارد

قبل از تابعیت، مصاحبه‌شوندههای کرد شدیداً تمایل داشتند خود را لبنانی-کرد معرفی کنند (شاید برای کسب حقوقشان به‌عنوان لبنانی که جزئی از راهبردهای سخت برای تابعیت لبنانی است) درحالی‌که مصاحبه‌شونده‌ها بعد از تابعیت خود را به هویت قبلی کُرد یا مِردالی-مُبالامی معرفی کردند. این دو گروه از تمایزات مربوطه آگاه نبودند، اما باوجودآن افراد بعد از تابعیت از آزادی برای تعیین هویت خود آن‌گونه که تمایل داشتند برخوردار بودند (ایگلتون ۱۹۹۰: ۳۰) و احساس رهایی از برچسب خوردن در یک گروه را داشتند.

او در رساله خود درباره مهاجرت و ساختار هویت اجتماعی اقلیتی به نام گارفیونا (کارائیبی‌های سیاه‌پوست) در ایالات‌متحده این‌گونه می‌نویسد مهاجرانی که هویت خود را به شیوه‌های متفاوتی بسته به موقعیت و بافت آن معرفی می‌کنند (دفی ۲۰۰۴: ۲۵). این ناشی از اثر اجتماعی فرآیندهای کاری در موقعیت‌های پیوستگی قبل و بعد در جامعه میزبان است که خود هویتی شامل احساس‌هایی است که تحت تأثیر موقعیت‌های مختلف و زمان و مکان‌های گوناگون قرار می‌گیرد (زیمرمان ۲۰۰۶: ۱).

موقعیت اجتماعی-اقتصادی پاسخ‌دهنده‌ها در زمان تابعیت و ۱۵سال بعدازآن:

این بخش موقعیت اجتماعی- اقتصادی پاسخ‌دهنده‌ها را در زمان تابعیت و ۱۵سال بعدازآن یعنی سال ۲۰۱۰ مقایسه می‌کند. در اینجا ما به نمونه‌های تغییرپذیری اجتماعی برمی‌گردیم که به‌عنوان موقعیت اجتماعی-فردی از طریق تعیین عواملی مانند شغل، حقوق، تحصیلات، موقعیت‌های اجتماعی پاسخ‌دهنده‌ها در زمان تابعیت و ۱۵سال بعدازآن به دست می‌آید. این موضوع آشکار است که تابعیت در جامعه لبنانی نسبت به دوره قبل از

پذیرش تابعیت حدود بیشتری از یک تأسیس اجتماعی- اقتصادی دارد به شرطی که آن‌ها حقوق سیاسی خود را شناخته باشند.

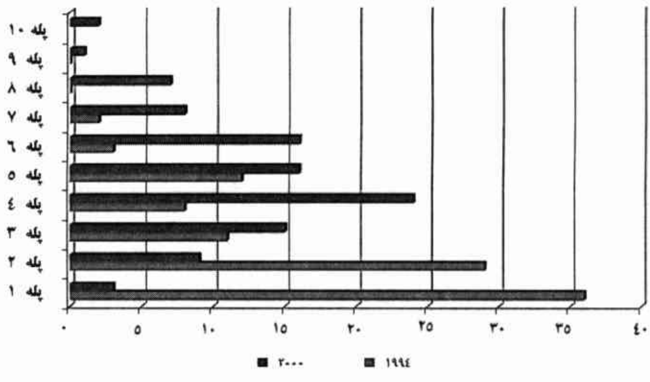
تمرکز این بخش‌بر خصیصه‌هایی ازجمله تأثیر و ارتباط جریان‌های سیاسی است که با جوامع جامعه لبنانی در ارتباط‌اند. ما می‌توانیم یک نقش کلی را این‌گونه فرض کنیم که آن‌هایی که در لبنان بزرگ‌شده‌اند در مقایسه با مهاجرانی که زمان زیادی را در لبنان نگذرانده‌اند فرصت‌های شغلی بیشتری بر اساس دانش، بازار کار و راهبردهای جستجوی شغلی دارند. پاسخ به این بخش از تحقیق به‌طور عمیقی از متغیرهای زیر پیروی می‌کند: تحصیلات، اشتغال، درآمد، حرفه، خانه‌داری، آینده فرزندان و حالت‌های ذهنی افراد. ما از سه حالت کلی تغییرپذیری استفاده می‌کنیم که طبق شکل ۵.۶ تعریف می‌شود.

سه حالت تغییرپذیری اجتماعی کُردهای تابع شهروندی لبنانی	
۱ خاصیت تغییرپذیری	مقایسه وضعیت اجتماعی کُردها در دوره ملت‌سازی و ۱۵ سال بعدازآن
۲ سکونت و درآمد	مقایسه وضعیت سکونت و درآمد کُردها در دوره ملت‌سازی و ۱۵ سال بعدازآن
۳ وضعیت اجتماعی- فردی	مقایسه شرایط اجتماعی فردی کُردها در دوره ملت‌سازی و ۱۵ سال بعدازآن

شکل ۵.۶: تغییرپذیری اجتماعی کُردهای تابع شهروندی لبنانی

نمایه تحصیلات:

این متغیر در تأسیس سطح علمی پاسخ‌دهنده در زمان تابعیت و در مقایسه با ۱۵ سال بعدازآن مدنظر قرارگرفته شده است که باید یکی از مزیت‌های اصلی کسب تابعیت باشد. در اینجا باید اشاره کرد که دارندگان کارت شناسایی ارزیابی ملی و فرزندانشان دستیابی آزادانه به مدرسه و آموزش مقدماتی نداشته‌اند[1]. عدم دسترسی یا محدودیت در دستیابی به آموزش عمومی سطح بالا پویایی اجتماعی نسل‌های آینده این گروه و گروه‌های نوجوان مشابه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به گفته وان واس هیچ فرد فاقد شهروندیت در امارات متحده عربی نمی‌تواند از آموزش موجود در مدارس عالی استفاده کند که نمونه مشابه آن مبنی بر جلوگیری از ورود کُردها به مراکز آموزش عالی (دانشگاه) در کشور سوریه وجود دارد (وان واس ۲۰۱۰: ۲۷).



شکل ۵,۷: نمودار سطح تحصیلات پاسخ‌دهنده‌ها

---

۱ مصاحبه با یکی از اعضای فعال احزاب کُرد در لبنان به نام قاف. خ در تاریخ ۲ فوریه ۲۰۱۰ در شهر بیروت.

نمودار۵.۷ سطح تحصیل تمام پاسخ‌دهنده‌ها در زمان تابعیت و ۱۵ سال بعدازآن را نشان می‌دهد و این نکته آشکار است که یک افزایش معنی‌دار در دانش تخصصی از مقدار ۰ تا ۱۱.۵ رخ‌داده است. همچنین افزایشی ناچیز از ۲٪ تا ۴.۵٪ در افرادی که سطح علمی بالا دارند نیز اتفاق افتاده است که این میزان برابر است با افزایش در مدارس اولیه.

پرسش بازدید مَحو درباره فقدان شهروندی در سطح آموزشی به این نتیجه رسید که افراد شرکت‌کننده در نمونه‌های او که افراد دارای کارت شناسایی ارزیابی ملی بوده‌اند فقط ۸٪ از آموزش سطح سوم، ۲۳٪ آموزش عالی و ۶٪ آموزش اولیه یا خانگی برخوردار بوده‌اند. از طرف دیگر مَحو متوجه آن شد که افراد موجود در نمونه او که دارای تابعیت قبل از سال ۱۹۹۴ بودند؛ ۱۴٪ برخوردار از آموزش سطح سوم، ۵۲٪ آموزش عالی و ۳۴٪ آموزش خانگی یا مقدماتی بودند.

مَحو دریافت که عامل شهروندی باعث ارتقاء سطح آموزش در میان کُردهای لبنانی می‌شود (مَحو، ۱۹۹۵، ۸۲). بااین‌حال نتایج ما تفاوت زیادی را در ضوابط آموزشی در ۱۵سال زندگی بعد از تابعیت افراد نشان نمی‌دهد. شاید این مسئله به سن -برای مثال: افراد پیر یا افراد دارای احساس پیری برای گذراندن دوره‌های آموزشی- یا عواملی مانند فقر بستگی داشته باشد. در هر یک از موارد تخمین میزان دستیابی به آموزش در فرزندان افراد دارای تابعیت در سال ۱۹۹۴ جالب خواهد بود.

در مصاحبه ما با اس. اف درزمینه‌ی امید به آینده او تجارب خود را با ما در میان گذاشت و گفت که اولویت کُردها سه چیز است: خوداشتغالی، برخورداری از دارایی و سرمایه‌گذاری در بورس طلا. او همچنین افزود

که در کل کُردهای لبنان درزمینهٔ تحصیل فرزندانشان سرمایه‌گذاری نمی‌کنند: آن‌ها فرزندانشان را همچون مولد منابع اقتصادی در نظر می‌گیرند و ترجیح می‌دهند که فرزندانشان کار کنند[۱]. ایزدی در کتاب خود به نام کُردها نوشته است که: در اکثر شهرستان‌های شرقی ترکیه بیشتر والدین کُرد بر آموزش تنها به زبان کُردی پافشاری کرده و تمایلی به آموزش رسمی فرزندانشان نشان نداده‌اند. او تشخیص داد که فقدان آموزش جدید و استاندارد در مناطق محلی اقلیت‌ها باعث محرومیت از برنامه‌ها و طولانی شدن محرومیت اقتصادی-اجتماعی در این گروه‌ها و ایجاد موقعیت‌های انسجام نیافته می‌شود (ایزدی ۱۹۹۲: ۱۰۹). یک موقعیت مشابه در بین شهروندان کُرد در آلمان اتفاق می‌افتد که آموزش در بسیاری از خانواده‌ها از بین می‌رود باوجوداین واقعیت که آموزش سطح سوم رایگان است (جسمان ۲۰۰۶)؛ اما این یافته‌ها در میان کُردها جهانی نیست زیرا برای کُردهای مهاجر نسل دوم در سوئد که آموزش در آنجا نیز رایگان است آموزش ارزش بسیار زیادی دارد (بارِل ۲۰۰۹).

در جهان امروز، تحصیلات یک عامل مهم در حال افزایش است و در انتخاب حرفه، دستیابی شغلی، موقعیت اجتماعی و مقصد افراد تأثیرگذار است. این قضیه همچنین به رقابت ملت‌ها درزمینه‌ی اقتصادی بیشتر مربوط می‌شود که موجب برتری اقتصاد علمی و پایگاه اجتماعی افراد می‌شود. این عوامل در فرصت‌های شخصی دخالت کرده و موجب تحرک اقتصادی می‌شوند. برای پیشرفت در جهان امروز، تحصیلات به یک عامل ضروری تبدیل‌شده است به‌طوری‌که بر قدرانی افراد از آموزش تأثیر

---

۱ مصاحبه با اس. اف در دفتر بیروت حزب المستقبل. تاریخ مصاحبه ۲۶ آگوست ۲۰۱۰.

گذاشته است.

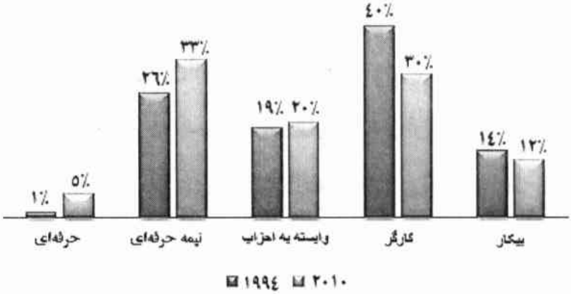
در آموزش لبنانی‌ها و مهاجران عوامل اصلی تغییراتی را در ساختارهای کلاسی ایجاد کرده که موجب تحرک اجتماعی می‌شود. وقتی این عوامل که تحرک اجتماعی-اقتصادی مثبت ایجاد می کنند تجزیه‌وتحلیل می‌شود یقیناً باید تأثیر آموزش بر شهروندان غیربومی نیز بررسی شود (خوری ۱۹۶۹: ۳۱)؛ بنابراین یافته‌های ما محدودیت عمیق و پیوند دار تأثیر مثبت تابعیت به این صورت که گرایش به کارهای بازاری نیاز به کسب تحصیلات بیشتر را کم نشان می‌دهد. پرواضح است که اگر کرده‌ای لبنان خواهان زندگی بهتر در آینده هستند، باید آموزش فرزندانشان را در اولویت قرار دهند.

نمایه اقتصادی در زمان تابعیت و ۱۵ سال بعدازآن:

نمایه موضوع اقتصادی ما شامل اطلاعاتی درباره منابع درآمد کُردها در زمان تابعیت و ۱۵ سال بعدازآن است. این اطلاعات شامل:

نمایه اقتصادی:

نمایه اقتصادی شامل اطلاعاتی درزمینهٔ منابع درآمد کُردها در زمان تابعیت و ۱۵ سال بعدازآن است که تغییرات در منابع درآمد را به‌عنوان نتیجه شهروند شدن تعیین می کند. پاسخ‌دهنده‌های که مورد پرسش قرار گرفتند منابع درآمد خود را از میان گزینه‌های موجود در لیست انتخاب کردند (انتخاب‌های چندگانه).



شکل ۵.۸: نمودار وضعیت سکونت کُردهای لبنان از زمان تابعیت و ۱۵ سال بعدازآن

شـکل ۵.۸ نشـان می‌دهد که ۴۰٪ حرفه اصـلی پاسـخ‌دهنده‌ها قبل از پـذیرش تـابعیـت کارگر روزانه، ۲۶٪ حرفه تخصـصـی (مانند برق‌کار، لوله‌کش،مکانیک)، ۱۹٪ استخدام عادی و ۱٪ دارای کمترین منبع درآمد بوده‌اند. این درصدها بعد از پذیرش تابعیت تا حدودی متفاوت بوده است. داده‌ها نشـان می‌دهد که یک افزایش ۷٪ در شـغل‌های نیمه ماهر و ۴٪ در شـغل‌های حرفه‌ای و ۱۰٪ کاهش در افرادی که زندگی‌شـان را از طریق کارگری می‌گذرانند صورت گرفته است. بهر حال تغییر عمیقی در درصد بیکاری در قبل و بعد از تابعیت ایجاد نشـده که می‌تواند به چرخه شغلی یا به دلایل موقعیتی و شخصی بسیاری مربوط شود. نرخ‌های بیکاری در افراد فقیری کـه اکثراً کـارهای غیرحرفه‌ای داشـته‌اند زیاد بوده اسـت[1]. نرخ بیکاری در لبنان از ۱۲٪ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۲۰٪ در سال۲۰۰۶ و ۱۰٪

---

۱ UNDP Lebanon, What we do / Social and Local Development, [http://www.undp.org.lb/WhatWeDo/poverty.cfm].

در سـال ۲۰۱۰ رسـیده اسـت[۱]. که این تغییرات به ناامنی‌های جسـمی و سیاسی در کشور و وضعیت اقتصادی جهانی وابسته است[۲].

گرچه پیشرفت کمی در حوضه اشتغال مهاجران لبنانی ملاحظه می‌شود داده‌های بازدید ما بسـیار شـبیه به نتایج مَحو در ضـوابط نوع مشـاغل پاسـخ‌دهنده‌ها در زمان تابعیت در سـال ۱۹۹۴ هسـت. مَحو دریافت که از افراد دارای کارت شـناسـایی ارزیابی ملی تنها ۲٪ مشـاغل حرفه‌ای، ۱۵٪ ماهر، ۶۱٪ کارگر روزانه و ۲۱٪ بیکار بودند (مَحو ۱۹۹۵: ۸۹).

کُردهای لبنانی دارای کارت شناسایی از تمام حقوق شهروندی از قبیل دستیابی عملی به مشاغل بخش عمومی مانند ارتش برخوردار نبودند، زیرا خدمات در ارتش به فردی که بیش از ۱۰ سـال شـهروند لبنان اسـت داده می‌شـود. این قضیه کُردها را از دستیابی به بخش‌هایی که منبع مهم اشتغال و کسب درآمد هستند بازداشته است.

---

۱ Republic of Lebanon, Ministry of Social Affairs, *Al-Taqrir al-Watani ila al-Qima al-Alamiyyah li-Tanmiah al Ijtimaiyya* (The National Report to the International Summit for Social Development), Beirut, February ۱۹۹۵

andIndexMundi,LebanonUnemploymentRate,۲۰۰۳،۲۰۱۰,

[http://www.indexmundi.com/lebanon/unemployment_rate.html].

۲ Guita Hourani and Eugene Sensenig-Dabbous, *Insecurity, Migration and Return: The Case of Lebanon following the summer ۲۰۰۶ War,* the Euro-Mediterranean Consortium for Applied Research on International Migration (CARIM), [http://cadmus.eui.eu/handle/۱۸۱۴/۷۹۸۶].

منبع درآمد:

یکی از شاخص‌های اصلی تحرک اقتصادی-اجتماعی، تغییرات در حوزه اشتغال است. در این مطالعه، ما از حالت‌های شغلی پاسخ‌دهنده‌ها قبل از تابعیت و حالت‌های شغلی جاری سؤال کردیم.

شکل ۵.۹ زیر نشان می‌دهد که نمونه‌های متفاوت درآمد به‌وسیله پاسخ‌دهنده‌ها توصیف‌شده است. بیشترین منابع درآمد در زمان تابعیت، از شغل‌های نامنظمی که اجرتشان از حقوق ماهانه ثابت و عفوها به دست می‌آید کسب‌شده است. نمودار ذیل نشان می‌دهد که بعد از ۱۵ سال تابعیت افزایش چشم‌گیری در تعداد افرادی که معاش خود را از حقوق ماهانه ثابت کسب می‌کنند روی‌داده است و همچنین افرادی که دستمزد خود را از شغل‌های نامنظم کسب می‌کنند کاهش‌یافته است.



شکل ۵.۹: نمونه‌های متفاوت درآمد

در موارد متفاوت، ما شاهد ۵۳٪ درصد افزایش در درآمد ماهانه ثابت و ۴۵٪ کاهش در مشاغل نامنظم و ۴۳٪ افزایش در مشاغل خصوصی و ۷۵٪ افزایش در دارایی‌ها بوده‌ایم.

افزایش حقوق در درآمد مشاغل خصوصی ممکن است با حقوق ناشی از شهروندی مرتبط باشد که باعث دستیابی آسان‌تر به اخذ وام‌ها می‌شود. این افزایش در درآمدها احتمالاً به دو علت است: افزایش مهاجرت و افزایش خروج مهاجرت از لبنان در فاصله زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۷ که ۴۶۶,۰۰۰ نفر مهاجر به لبنان واردشده (کاسپاریان ۲۰۰۹: ۸) که هزینه آن‌ها از ۲ میلیارد دلار تا ۶ میلیارد دلار برآورد شده است[1].

کلیه این وجوه صرف پروژه اسکان مهاجران شده است که منبع درآمد مهمی را برای مهاجرانی که از لبنان خارج و به کشورهای ازلحاظ اقتصادی پیشرفته‌تر نقل‌مکان می‌کنند تولید می‌کند. میزان ثروت ناشی از ورود مهاجران به لبنان حدود ۲۰٪ از هزینه محصول محلی در سال۲۰۰۸ برآورد شده است؛ که همین عامل لبنان را به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای فعال در دریافت سرمایه خارجی‌و تولید ناخالص ملی در جهان مبدل کرده است (عبدی ۲۰۰۹: ۸). کلیه وجوهی که به لبنان فرستاده می‌شوند اکثراً برای مصارف عمرانی و (مسکن، کالاهای بادوام، هزینه‌های روزانه، آموزش و مراقبت بهداشتی) بخشی نیز صرف سرمایه‌گذاری و ایجاد مشاغل در خرده‌فروشان و بخش‌های خدماتی استفاده می‌شود (حرانی ۲۰۰۷: ۶).

کمک‌های خانواده، دوستان و سازمان‌ها:

تکیه‌بر پشتیبانی مادی اعضای خانواده ساکن لبنان یکی از بزرگ‌ترین

---

۱ MigrationPolicyInstitute, *RemittancesProfile: Lebanon,* ۲۰۱۰, [http://www.migrationinformation.org/datahub/remittances/Lebanon.pdf].

منابع کمک برای افراد قبل از دریافت تابعیت بوده است که به بیشتر به‌صورت کمک‌های سیاسی و احزاب محلی صورت گرفته است. شگفت اینکه تمامی کمک‌های محلی، سازمان‌های بین‌المللی، خانواده و دوستان همگی بعد از دریافت تابعیت به دلیل افزایش پناهندگان کاهش‌یافته است.

در مطالعه نمودار ۵.۱۰ متوجه می‌شویم که کاهش شدیدی از حمایت خانواده در داخل کشور و همچنین کاهش شدیدی در کمک‌های محلی، احزاب سیاسی و کُردهای مهربان و نهادهای بین‌المللی صورت گرفته است، اما افزایش مهم ۲۱٪ در دریافت کمک از احزاب سیاسی ایجادشده است. افزایش کمک‌های احزاب سیاسی باعث حفظ رفاه اجتماعی می‌شود. اجرای ناکارآمد نهادهای لبنانی باعث ایجاد شکاف عظیمی در بخش خدمات غیررسمی شده است که بعدها دوباره باعث عدم پیشرفت بین شهروندان و سیاست‌مداران می‌شود که بر اساس آن افراد از خدمات و منابع غیررسمی و شبکه‌های خصوصی بهره‌مند می‌شوند (جوزف ۱۹۷۸: ۶۳). این ارتباط مشتری-حامی به‌وسیله یک شبکه روابط تبادلی که انواع خدمات توزیع‌شده بین مشتری‌ها را به وفاداری سیاسی تبدیل می کند حفظ می‌شود که به‌وسیله حامیان درطول انتخابات ایجاد می‌شود (حمزه۲۰۰۱).



شکل ۵.۱۰: نمودار سیل نزولی و صعودی کمک‌ها

این‌یک معما به نظر می‌رسد که اگرچه عضویت در احزاب سیاسی عملاً آشکار نیست اما هنوز امید مبرمی نسبت به کمک‌های دریافتی از احزاب سیاسی وجود دارد. این بدان معنا است که پاسخ‌دهنده‌ها تمایز بین خود را از وابستگی سیاسی جدا دانسته و به شبکه‌های سیاسی ایجادشده از این گردهمایی‌ها اعتماد دارند.

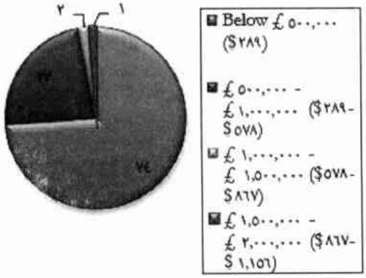
این واقعیت با پرسش از پاسخ‌دهنده‌ها درباره فعالیت گردهمایی‌های سیاسی آشکارشده است. یافته‌های حاصله با ادعای حرانی و همکارانش متناسب است که احزاب سیاسی، کُردهای تازه تبعه شده را هدف قرار می‌دهد تا آن‌ها را به داشتن نظر موافق برگردانند (حرانی و دابوس ۲۰۱۱). همچنین ادعای کاوفارانی در مورد توانایی ذهنی کُردها نیز صحیح است (کاوفارانی، ۲۰۰۳). نوع کمک‌ها به‌وسیله مطالعات اخیر *کامات و ایسار* توضیح داده‌شده که آن‌ها متوجه شدند مسلمان‌های سنی عضو حزب

مستقبل در برنامه‌ها و سازمان‌های رفاهی بزرگ شرکت کرده و خدمات آشکاری را تحت عنوان راهبردهای بسیج سیاسی ارائه داده‌اند (کامات و ایثار ۲۰۱۰: ۴۱۵).

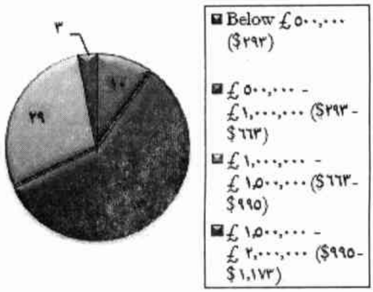
محاسبه درآمد بر طبق دلار آمریکایی:

در نمودار ۵.۱۱ درآمد پولی لبنان در زمان تابعیت نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهنده‌ها (۷۴٪ از ۱۶۱ نفر) درآمدی زیر ۵۰۰,۰۰۰ پوند در سال ۱۹۹۴ برابر ۲۸۹ دلار در۱۹۹۴ داشته‌اند و تبدیل ۱۷۳۰ پوند به یک دلار را نشان می‌دهد. افراد بعد از تابعیت درآمد بیشتری دارند و مقدار آن بین ۵۰۰,۰۰۰ تا ۱,۰۰۰,۰۰۰ پوند است که به ترتیب برابر است با ۶۶,۳۳۲ دلار و در سال ۲۰۱۰ مبلغ ۱۵۰۷ پوند برابر یک دلار است. دستمزد پاسخ‌دهنده‌ها شرکت‌کننده در مطالعه زیر کمترین دستمزد از آن همتایان لبنانی‌شان بوده است که این مبلغ دریافتی از دولت لبنان از ۲۰۰ دلار آمریکایی برای بیش از ۹۰٪ آن‌ها و ۳۳۳ دلار بعد از سال ۲۰۰۸ بوده است[1].

۱ Striking Back: Unions and New Protest Movements Took to the Streets in ۲۰۰۸, Now Lebanon, January ۳, ۲۰۰۹, [http://www.nowlebanon.com/NewsArchiveDetails.aspx?ID=۷۳۲۹۶



شکل ۵,۱۱: نمودار سرانه درآمد بعد از تابعیت



شکل ۵,۱۲: نمودار سرانه درآمد قبل از تابعیت

نتایج این پرسشنامه شامل اطلاعات دریافتی از پاسخ‌دهنده‌ها در رابطه با تغییر منبع درآمدشان به علت جابجایی از مشاغل نامنظم در قبل از تابعیت به درآمد بیشتر در بعد از تابعیت است.

قبل از آزمایش نمودار ۵.۱۱ و نمودار ۵.۱۲ باید اشاره شود که در طول سال ۱۹۹۰ و قبل از ۲۰۰۸ کمترین درآمد در لبنان ۲۰۰ دلار بوده است که در ۲۰۰۸ به ۳۳۳ دلار افزایش‌یافته است (وزیر اقتصاد و اعتبارات، ۲۰۱۰، ۱۱)؛ بنابراین وقتی ما این دو نمودار را بر طبق ضوابط درآمد بررسی

می‌کنیم می‌شویم که پاسخ‌دهنده‌ها همیشه کمترین دستمزدشان در زمان تابعیت نیست.

ما به‌طور واضح اشاره کردیم که بخشی از جمعیتی که در زمان تابعیت ماهانه تقریباً کمتر از ۲۹۰ دلار دریافت می‌کنند، از ۷۴٪ به ۱۰٪ در زمان بعد از تابعیت کاهش‌یافته و آن‌هایی که بیش از ۲۹۰ دلار و کمتر از ۵۷۸ دلار کسب کرده بودند از ۲۳٪ به ۵۸٪ یعنی حدود سه برابر افزایش‌یافته است. آن‌هایی که بین ۶۰۰ تا ۹۹۵ دلار دریافت کرده حقوقشان از ۲٪ به ۲۹٪ بعد از تابعیت افزایش‌یافته‌اند. پاسخ‌دهنده‌هایی که درآمد خود را قبل و بعد از تابعیت نشان داده‌اند صعود چشمگیری در درآمدشان از ۳۰۰ به ۶۶۳ دلار و ۶۶۳ به ۹۹۵ دلار مشاهده‌شده است.

داده‌های مَحو اندکی با یافته‌های ما متفاوت است. ۳۹٪ از افرادی که در بازدید مَحو کارت شناسایی داشتند درآمدشان کمتر از ۳۰۰ دلار بوده است، ۵۰٪ از آن‌ها بین ۳۰۰ و ۵۹۹ دلار، ۹٪ بین ۶۰۰ و ۱۰۰۰ دلار و تنها ۲٪ بیش از ۱۰۰۰ دلار حقوق گرفته‌اند. تفاوت بین پایین آمدن درآمد پاسخ‌دهنده‌ها ما و بالا رفتن درآمد آن‌ها در تحقیق مَحو، به‌وسیله دسترسی به مشاغل عالی در زمان بازسازی بزرگ بیروت برمی‌گردد که به‌وسیله حقوقی که به‌عنوان کارمزد و از طریق سازمان‌های شبه‌نظامی به افرادی که به آن‌ها ملحق شده بودند تأمین‌شده است.

در تحقیق او بنا بر یافته‌های دان‌جی‌دی ورتز دسترسی به بازار افراد بعد از تابعیت بسی گسترده‌تر از قبل بوده است (دی ورتز، ۲۰۰۹، ۳). به‌عبارت‌دیگر، طبق ضوابط تابعیت سدهای موجود برای مشاغل و بخش‌های مطمئن تفاوت بسیار باهم دارند به صورتی که شهروندان جدید

نسبت به بقیه افراد به بخش خدمات عمومی بالاتر و مشاغل منفرد دسترسی بیشتری پیدا کردند.

ما باید این نکته را هم در نظر بگیریم که پیشه و درآمد به‌وسیله دارایی افراد تحت تابعیت در پایتخت حفظ می‌شود که یک عامل تعیین‌کننده بسیار مهم اقتصادی است. تفاوت‌ها در موقعیت افراد، مهارت‌ها و تحصیلات، باعث تفاوت در درآمد افراد تحت تابعیت و افراد بومی می‌شود، علاوه بر آن باعث تفاوت بین خود افراد تحت تابعیت نیز می‌شود.

نرخ مالکیت اقامت:

از مجموع ۱۶۴ پاسخ‌دهنده ۸ نفر قبل از تحت تابعیت قرار گرفتن دارای مسکن بوده و ۲۹ نفر بعد از تابعیت دارای مسکن شده‌اند، درحالی‌که ۲ نفر قبل از تابعیت آپارتمان داشته و ۳۶ نفر بعدازآن آپارتمان خریده‌اند. به‌عبارت‌دیگر ۶۵ نفر بعد از پذیرش تابعیت مالک ملک خصوصی شده‌اند. افزایش در مالکیت خانه ممکن است به این واقعیت مربوط باشد که بعضی از کُردها قبل از ۱۹۹۰ برای از دست رفتن دارایی‌شان در جنگ خسارت دیدند. درنتیجه بسیاری از این خانواده‌ها با پول دریافتی قادر به خرید اقامت خصوصی بوده‌اند (ابو چاراکا، ۱۹۹۹، ۱۴۳).

گرچه این افزایش در مالکیت آپارتمان یا خانه قابل‌توجه نیست اما هنوز مهم است زیرا ما این افزایش را در تصویری وسیع‌تر از خانه‌های بیروت قراردادیم که یک بازار در بین این خانه‌ها کم است؛ زیرا در پایان جنگ داخلی ارزش بازار دارایی‌های بیروت در حال افزایش بود. حتی در طول دوره‌های رکود قیمت در بیروت هنوز این عامل پشتوانه بخش جمعیت

دارای درآمد پایین بود. در هنگام شمارش مالکیت خانه‌ها در نظر گرفتن عوامل بیرونی برای مهاجرانی که در سال ۱۹۹۴ مهاجر کرده‌اند حائز اهمیت است لازم است.

شرکت ملی توسعه و عمران لبنان حکم تعمیر و نوسازی مناطق مرکزی بیروت بعد از نابودی در جنگ را تثبیت کرد که نتیجه آن علاقه شدید منجر به جذب سرمایه‌گذاران خلیج و همچنین افزایش تقاضا توسط تبعیدشدگان لبنانی برای شرایط مسکونی و غیرمسکونی بوده که همه‌ی این‌ها به‌طور خاصی در قیمت‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. گرچه قیمت‌ها هنگام ناآرامی‌های سیاسی یا تضادهای نظامی راکد بودند، اما کاهش نیافتند (ناهاس ۲۰۰۸).

قیمت‌ها برای ملک واقعی در تمام کشورها در ۱۵ سال بعد از آزمایش ما اوج گرفتند. درنتیجه حتی در قیمت آپارتمان‌های کهنه، ساختمان‌های فرسوده و زمین‌های در عمق دره یا بالای تپه دور از شهر که به‌صورت سرمایه‌گذاری بازاری پایین‌تر در نظر گرفته می‌شدند، افزایش بسیار زیادی برای بخشی از جمعیت دارای درآمد پایین بود که شامل بیشتر کُردها بود داشت. این وضعیت وخیم‌تر شده و با نبود خانه‌سازی دولتی مخصوصاً ازلحاظ سیاسی برای جمعیت فقیر بسیار سخت گشت. وام‌هایی که برای خانه‌سازی دریافت می‌شد چه از بنیاد مسکن عمومی و چه از بانک‌های خصوصی باعث کاهش درآمد وام‌گیرندگان می‌شد (ناهاس ۲۰۰۹).

بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با سهام‌داران عضو جوامع کُردی، بیشتر افرادی که مشخصات قبل تابعیت را داشتند با اسامی مانند شهروند لبنانی، کُردها یا آشنایان نامیده می‌شدند ولی افراد دارای کارت شناسایی که

ویژگی‌های شخصی قابل‌قبول در لبنان را نداشتند دارای حقوق تصاحب مالکیت خصوص ملک نبودند. نمونه مشابه در بسیاری از کشورهای خاورمیانه‌ای نظیر امارات متحده عربی و کویت دیده‌شده است[1]. بخشی از این محدودیت‌ها شامل محدودیت در دسترسی به تصاحب ملک، خانه، شغل و تحصیلات است (وان واس ۲۰۱۰: ۲۳). در ادامه حصر حقوق و اعمال محدودیت در دسترسی کُردها به حقوقشان می‌توان افزود که عدم پذیرش تابعیت آن‌ها موجب نداشتن حساب بانکی و استفاده از تسهیلات بانکی می‌شود که فقدان آن موجب انگیزش بیشتری برای تابعیت است.

داشتن حساب بانکی:

نتایج نشان می‌دهد که تنها ۱۵ نفر از ۱۶۴ پاسخ‌دهنده در زمان تابعیت دارای حساب بانکی هستند درحالی‌که بعد از تابعیت، تعداد افراد تقریباً سه برابر یعنی ۴۳ نفر بوده است.

هنوز حتی بعد از تابعیت اکثر افراد بدون حساب بانکی باقی‌مانده‌اند. عدم دسترسی به نهادهای بانکی که دارای انشعاب‌های بسیاری‌اند، موجب فراهم آوردن یک زندگی اقتصادی شخصی با شکست مواجه شده که

---

۱ Stateless People in the United Arab Emirates: More duties and fewer rights, ۲۰۱۰, Acceptance International Spreading Human Understanding- Harmony Out of Diversity London, England, [http://www.shuhood.com/en/news/۳۰۶۰.html] and Khalid Al-Shammari, "Stateless" Citizens Issue Remains Controversial in Kuwait, Al-Shorfa.com, ۲۰۱۰, [http://www.al-shorfa.com/cocoon/meii/xhtml/en_GB/features/meii/features/main/۲۰۱۰/۰۵/۱۸/feature-۰۲].

حجم عظیمی بدهکاری همراه با عدم پرداخت به بار می‌آورد. این گونه افراد یا قشر مشخص از جامعه توانایی پرداخت رهن برای خرید خانه یا گرفتن انواع وام‌ها و پرداخت شهریه فرزندان یا خرید اقلام به‌وسیله وام‌ها را ندارند. این بخش از جامعه به‌عنوان یک اقتصاد بسته فقط قادر به گرو گذاشتن فروشگاه و مشاغل با چک نقد است که هزینه‌های گزاف و ریسک‌های زیادی برای آینده خود و فرزندانشان دارد. نتایج ممکن است نشانگر این باشد که افراد تازه تبعه‌ای که اکنون به سیستم‌های رسمی کشور واردشده‌اند فاقد تسهیلات مالی- اعتباری مالی بوده و همچنین احساس راحتی و اطمینان در استفاده از بانک‌ها را نداشته باشند.

ما نباید اهمیت مستندسازی اختصاصی افراد را نادیده بگیریم چراکه غیبت آن‌ها می‌تواند باعث بروز مسائلی شامل بازداشتن شخص از باز کردن حساب بانکی شود (وان واس ۲۰۱۰: ۲۲). گاهی اوقات حتی شناسایی مناسب افرادی که غیرشهروندیت را مدنظر دارند ممکن است از باز نکردن حساب بانکی جلوگیری نکند مانند وضعیت کُردها در سوریه (وان واس ۲۰۱۰: ۲۵).

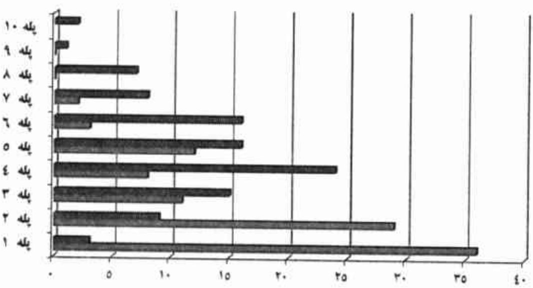
شرایط اجتماعی-فردی اشخاص

در این بخش از مقیاس نردبان وضعیت اجتماعی- فردی مک آرتور که شامل یک مقیاس دیدنی در تشکیل یک نردبان ده پله‌ای شکل گرفته است استفاده کرده‌ایم. دو عدد از این نردبان‌ها را کنار هم قرار داده و از پاسخ‌دهنده‌ها در مورد محل اقامتشان در زمان تابعیت و ۱۵ سال بعدازآن پرسیدیم. همچنین خاطرنشان کردیم که قبل از اینکه افراد را در هریک از نردبان‌ها قرار دهیم هر پاسخ‌دهنده تعریف مشابهی از شرایط اجتماعی

شخصی داشته است. به‌منظور این مطالعه ما تعاریف زیر را از شرایط اجتماعی اشخاص داریم: شرایط اجتماعی افراد منعکس کننده ادراک موقعیت خویشاوندان در سلسله‌مراتب اجتماعی است.

یک درجه‌بندی مقیاسی، شرایط یک کشور را نشان داده و سایر درجه‌بندی‌ها شرایط اجتماعی را نشان می‌دهد که اجتماع به‌وسیله افراد تعریف می‌شود.

دستورالعمل‌های خواندن نردبان: این نردبان نشان‌دهنده اقامت مردم در لبنان است. در بالای نمودار مردمی قرار دارند که بیشترین تحصیلات و بهترین مشاغل رادارند. در پایین نمودار مردمی هستند که کمترین درآمد و کمترین تحصیلات رادارند. بالاترین مورد یک نفر و در بالا و پایین‌ترین مورد یک نفر و در پایین نمودار و یکی مانده به پایین‌ترین نزدیک به آن قرار دارد (شکل ۵.۱۳).



شکل ۵,۱۳: نردبان اجتماعی مک آرتور، وضعیت اجتماعی- فردی

پیمایش گران تحقیق طی بازدید از افراد دارای تابعیت از آن‌ها خواستند تا برداشت خود را از شرایط خود در مقایسه با سایر شهروندان لبنان بیان

کنند. استفاده از ده پله از نردبان مک آرتور نشان داد، پاسخ‌دهنده‌ها شرایط خود را این گونه بیان کردند که پله‌های سطح بالاتر نشان‌دهنده افزایش شرایط و پله‌های سطح پایین نشان‌دهنده کاهش شرایط است (ر.ک ضمایم، نردبان اجتماعی مک آرتور).

شکل ۵.۱۳ نشان می‌دهد که شرکت‌کننده‌ها، تحرک کلاس ذهنی صعودی قابل‌توجهی را در طی ۱۵ سال بعد از تابعیت نشان می‌دهند. پاسخ‌دهنده‌ها بیان کردند که کلاس اجتماعی جاری آن‌ها به‌طور عمیقی بیشتر از کلاس اجتماعی‌شان در زمان تابعیت است.

شکل ۵.۱۳ به‌طور واضح نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌دهنده‌ها در زمان تابعیت خود را در سه پله اول معرفی کرده‌اند. در پایین نمودار طبقه‌ای از افراد که کمترین ثروت و تحصیلات و مشاغل بلندپایه یا هیچ شغلی رادارند قرار دارند. نمودار همچنین نشان می‌دهد که یک انتقال قابل‌توجه از سه پله اول به پله‌های ۴، ۵، ۶ در ۱۵ سال بعد از تابعیت وجود دارد که احساسات پاسخ‌دهنده‌های را منعکس می‌کند که تجربه حرکت صعودی را در پله‌ها به سمت بالا دارند. این افراد مردمانی با بیشترین تحصیلات و بهترین مشاغل هستند. نمودار ۵.۱۳ همچنین نشان می‌دهد که عده‌ای از افراد دارای تابعیت شرایط پله‌های بالای ۷و۸ را در ۱۵ سال بعد از تابعیت دریافت کرده‌اند.

چند سال پیش‌خوری در لبنان نوشت: در تصور طبقه اجتماعی در مورد شرایط متفاوت اجتماعی تنها یک گروه شغلی یا درآمدی مدنظر نیست بلکه کلیه معیارهای همچون درآمد، شغل، هزینه، تحصیلات و سایر معیارهای مرتبط، به‌صورت یک راهنمای کلاسی با همدیگر یک موقعیت

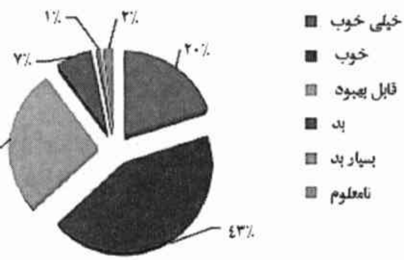
اجتماعی را تعریف می‌کنند (خوری ۱۹۶۹: ۷۵). اگر ما به تصور خوری پاسخ دهیم متوجه می‌شویم که معیارهای پاسخ‌دهنده‌ها ما به‌صورت مجموعه یا فردی یک طبقه اجتماعی واضح را بیان نمی‌کند. اگر این‌یک مورد باشد پس ما باید تعاریف دیگری را برای مسائلی از قبیل این‌که چرا پاسخ‌دهنده‌ها ما پله‌های نزدیک‌تر به بالای نردبان را انتخاب کرده‌اند جستجو کنیم.

پاسخ به این سؤال شاید بر ارزش خود شهروندان متکی باشد. یکی از تعاریف فوق توسط مَحو حمایت می‌شود که آن را قبل از تابعیت سال ۱۹۹۴ انجام داده است. مَحو دریافت که ۳۷٪ از کُردهای این تحقیق که تبعه لبنان بوده‌اند در پایین‌ترین شرایط اجتماعی ممکن قرار دارند. درحالی‌که ۹۲٪ از افرادی که کارت شناسایی داشته شرایط اجتماعی پایین را تعیین و ۱۰۰٪ از افرادی که شهروند یا صاحب کارت شناسایی بوده‌اند شرایط اجتماعی پایین را انتخاب کرده‌اند (مَحو ۱۹۹۵: ۸۲).

ما باید اشاره‌کنیم که تحرک اجتماعی در بین تبعه‌ها طبق ویژگی‌های شخصی و منزلت اجتماعی‌شان متفاوت است.

درک اشخاص از پیشرفت اقتصادی بعد از تابعیت:

به‌منظور درک بیشتر از خودارزیابی پاسخ‌دهنده‌ها از تأثیر تابعیت در برنامه‌های سراسر از آن‌ها پرسیده شد، آیا موقعیت اقتصادی‌شان بعد از تابعیت پیشرفت کرده است؛ اگر چنین است آیا به علت تابعیت این اتفاق افتاده است. پاسخ‌های آن‌ها چنین بود که ۲۰٪ از آن‌ها شرایط اقتصادی‌شان بسیار بهتر شده،۴۳٪ نسبتاً بهتر، ۲۷٪ بدون تغییر، ۷٪ بدتر و ۱٪ بسیار بدتر و ۲٪ بی‌پاسخ.

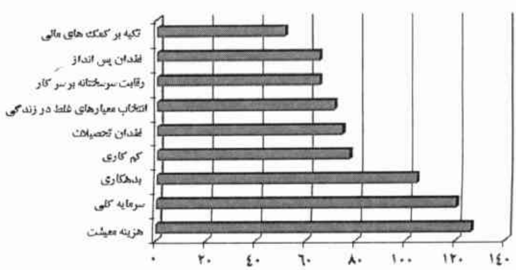


شکل ۵٫۱۴: نمودار پیشرفت اقتصادی پناه‌جویان بعد پذیرش تابعیت

برای تطبیق پاسخ‌های پرسشنامه بنا بر عقایدشان درباره نردبان اجتماعی باید تصورشان مبنی بهبود شرایط اقتصادی‌شان بعد از مدت‌ها را در نظر بگیریم. بزرگ‌ترین و تنها عامل دخیل که می‌تواند در تصور حرکت صعودی اجتماعی از نردبان مؤثر باشد شهروندیت لبنانی مهاجران است.

عامل‌های مؤثر شخصی حرکت به سمت بالا و پایین در نردبان اقتصادی اجتماعی:

عوامل مؤثر شخصی در ترقی و نزول از نردبان اجتماعی- اقتصادی در شکل ۵.۱۵ تحلیل‌شده است. پاسخ‌دهنده‌ها عامل اول را هزینه زندگی، دوم اقتصاد سرتاسری، سوم بدهکار بودن، سخت کار نکردن و در پایان نبود تحصیلات را عنوان کرده‌اند.



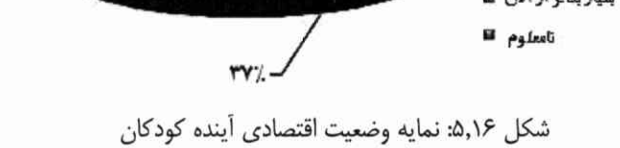
شکل ۵.۱۵: نمودار تحلیلی دلایل مؤثر ترقی و نزول جایگاه اجتماعی- اقتصادی

این پاسـخ‌هـا بینش پاسـخ‌دهنـده‌ها از جنبش اجتماعی و ضـوابط تعیین کننده عوامل در اولویت را برای توضیح حرکت به سمت بالا و پایین در نردبان شرایط اجتماعی را بیان می کند.

وضعیت اقتصادی آینده فرزندان:

از پاسخ‌دهنده‌ها پَرسیدیم آیا آن‌ها فکر می کنند که فرزندان لبنانی والدینی که در پایین نردبان درآمد هستند در بزرگ‌سالی نیز در پایین این نردبان باقی می‌مانند. پاسخ‌دهنده‌ها حرکت صعودی معنی‌داری را پیش‌بینی کرده که در صورت انجام گرفتن سریع آن شرایط اقتصادی آینده فرزندان بهتر از شرایط اکنونشان خواهد شد.

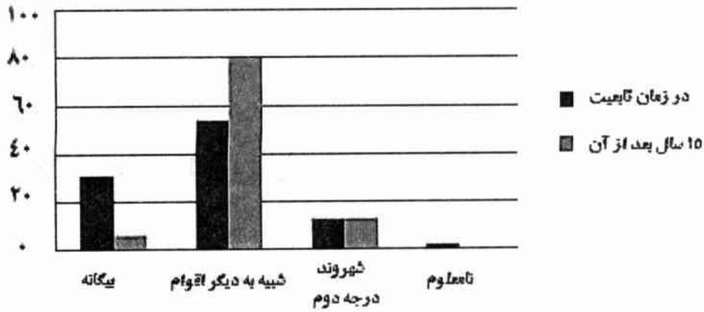
۲۶٪ چنین پیش‌بینی می کنند که شـرایط اقتصـادی آینده فرزندانشـان بسیار بهتر از خودشان خواهد شد، ۳۷٪ بهتر،۲۱٪ بدون تغییر، ۵.۵٪ بدتر، ۲.۵٪ بسیار بدتر و ۸٪ نظری نداشتند.



شکل ۵,۱۶: نمایه وضعیت اقتصادی آینده کودکان

چگونگی رفتار لبنانی‌ها در رابطه با کُردها بعد از پذیرش تابعیت

در لبنان، چندین ضابطه توهین‌آمیز برای کُردها از قبیل ضرب‌المثل‌های روزمره و صحبت‌های عمومی وجود دارد. برای مثال بعد از جنگ داخلی اصطلاح کُرد بودن یا همسایگی‌ها به‌صورت قالبی برای جمعیت‌های کم‌درآمد کُرد در محله‌های پایین‌شهر بیروت استفاده می‌شد.



شکل ۵,۱۷: نمودار ذهنیت اجتماعی لبنانی‌ها از کُردهای مهاجر

در مطالعه مَحو، بسیاری از کُردهای بازدید شونده تبعیض را گزارش کردند. در مطالعه ما یک‌سوم پاسخ‌دهنده‌ها بیان کردند که قبل از تابعیت با آن‌ها مثل غریبه‌ها رفتار شده درحالی‌که دوسوم گفتند که مانند لبنانی‌های معمولی با آن‌ها برخورد شده است. یافته‌های ما یک افزایش را در بهتر شدن رفتار بعد از تابعیت گزارش داده که می‌تواند به این معنی باشد که اکتساب شهروندی تأثیر مثبتی بر رفتار دارد.

فصل ششم،

نتایج پژوهش: الگوی رأی‌گیری و گرایش سیاسی

مقدمه

قانون انتخاباتی ۱۹۲۶ که زیر دستور فرانسه اجرا شد و به‌صورت اساس قوانین انتخاباتی امروزی در حال خدمت است، سیستم مشتری یابی سیاسی لبنان را به‌وسیله دستور دادن نهادینه‌سازی کرده که صندلی‌های پارلمانی بر اساس بازنمایی اعترافی و جغرافیایی بخش‌های حاکمیت مناطق توزیع‌شده است. تمام رأی‌دهندگان مناطق نماینده‌های پارلمانی خود را چهار سال یک‌بار تنها از طریق رأی دادن در هر انتخاب می‌کنند. به گفته حریق وظیفه این سیستم ایجاد رقابت بین نامزدهای درون و برون فرقه‌ای است (حریق ۱۹۸۰: ۱۶۵، ۱۷۱-۱۴۵).

به نظر پیکارد که این قانون سبب افزایش قدرت حامیان احزاب و برای هر حامی مانند یک فرمانروای فئودالی در قلمرو انتخاباتی عمل می‌کند (پیکارد ۲۰۰۲: ۲۵). بعداً فرمانروایان فئودال با یک گروه جدید از رهبران سیاسی که آن را زواما (جمع زوم) نامیدند جایگزین شدند (حمزه ۲۰۰۱: ۱۷۶-۱۷۲). این عمل زواما مانند واسطه‌هایی بین حوزه‌های انتخاباتی و منابع مواد به‌وسیله بیان یا مسیر از میان نهادها تحت کنترل بود. به‌عنوان یک نتیجه، رابطه‌ی شکل‌گرفته بین مشتریان/حوزه‌های انتخاباتی و رهبران سیاسی به یک شبکه بسته تبادلی تبدیل‌شده که خدمات اقتصادی و غیره توزیع‌شده بین مشتریان به یک وفاداری سیاسی تبدیل‌شده است (حمزه ۲۰۰۱: ۱۷۲).

این وفاداری در طول انتخابات از طریق ماشین سیاسی زواما آزمایش‌شده که نقش آن عبارت است از بازدید نمایه‌ها و برآورد تعداد رأی‌دهندگان، سازمان‌دادن دیدارها، عمل کردن به قول‌ها و پیشنهاد حمل

رأی‌دهندگان برای تضمین ورود آن‌ها در ایستگاه رأی دادن به‌طوری که هر نفر ورقه خود را دریافت و آن را در صندوق بیندازد. انتخابات در لبنان، سهمیه اساس طبیعت بازنمایی پارلمانی، روابط مشتری-حامی، ساختن منطقه‌ایِ و سیاست ملی را منعکس می‌کند که از طریق وفاداری‌های فرقه‌ای و علاوه بر آن وفاداری به افراد رهبران سیاسی فعالیت می‌کند (حمزه ۲۰۰۱: ۱۷۲-۱۷۱).

سیستم انتخاباتی لبنان پنج عنصر اساسی دارد:

- حق ایستادن در اعتراف گاه: جایگاه‌هایی که نامزدهای انتخاباتی که جایگاه‌های اعتراف به آن‌ها اختصاص داده‌شده است می‌توانند در آنجا منازعه کنند (گرچه نیازی به یک نامزد برای اثبات شرایط انتخاباتی وجود ندارد).
- حق رأی دادن غیر اعترافی: رأی‌دهندگان می‌توانند به تمام جایگاه‌های اخذ رأی در دسترس رأی دهند.
- رأی‌دهندگان حق بیش از یک رأی دارند: لبنان از مناطق انتخاباتی چند عضوی استفاده می‌کند. رأی‌دهندگان به‌اندازه جایگاه‌های موجود قادر به رأی دادن به نامزدهای انتخاباتی هستند (این تحت عنوان سیستم رأی بلوک شناخته‌شده است).
- رأی‌دهندگان با یک برگه قرعه‌کشی تنها رأی می‌دهند: تنها با یک برگه قرعه‌کشی، رأی‌دهنده اسامی نامزدهایی را که تمایل به رأی دادن آن‌ها دارند انتخاب می‌کنند. یک رأی‌دهنده ممکن است تنها بعضی از اسامی را انتخاب کند.

- این‌یک سیستم تعدد اکثریت است: جایی که تنها یک مکان برای رأی وجود دارد، جایگاهی پیروز می‌شود که بیشترین رأی را دارد. جایی که بیش از یک جایگاه اعتراف وجود دارد، جایگاه‌هایی برنده می‌شوند که بیشترین رأی‌ها را دریافت کرده‌اند.

واقعیت این است که سیستم انتخاباتی، حوزه‌های انتخاباتی را تشویق می‌کند که رأی دادن را به‌عنوان یک گام به سمت منفعت اقتصادی ببینند، کُردهایی که در سال ۱۹۹۴ اکثراً شهروند شده‌اند سریعاً باسیاست مداران بیروت که با حمایت آن‌ها در ارتباط‌اند شروع به توافق کردند. علاوه بر تعدادشان وابستگی مذهبی و این واقعیت که اکثر کُردها برای رأی دادن در بیروت ثبت‌نام شدند، شهروندی این امتیاز را به کُردها می‌دهد که به طرز ناگهانی ارزشی به دست آوردند که با زواما به دست نمی‌آمد. اکثر کُردهایی که در پایین هرم اجتماعی هستند قدرت آن‌ها مانند رأی‌دهندگانی که یک‌خرده معامله را به دست آورده‌اند می‌تواند برای ساختن معاملاتی با رهبران سیاسی بیروت که حاکمان بعدی این نوع سیاست‌ها هستند استفاده شود.

کاوفارانی بنا بر رساله خود معتقد است که در انتخابات سال ۱۹۹۶ (که در آن کُردهای تحت تابعیت در سال ۱۹۹۴ حقوق رأی دادن را برای اولین بار تمرین کردند)، رفیق حریری که رابط اعطای تلبعیت به کُردها در سال ۱۹۹۴ بود با هر هفت سازمان کُردها برای جستجوی رأی‌های آن‌ها در بیروت برای ائتلاف انتخاباتی‌اش ملاقات کرد. حریری یک بازرگان حرفه‌ای جهانی و مؤسس حرکت مستقبل، برجسته‌ترین رئیس اجتماع سنی و رهبر قطعی بیروت در مکانیزم سیاسی بسیار کارآمد حق

شرکت سیاسی در انتخابات را داشته است.

چنانچه قبلاً نشان داده شد، کُردها ساکن مناطق یک و دو و سه بیروت هستند (شکل ۴.۱).

منطقه۱ : سیف، اشرفیه و رمیل.

منطقه۲ : الباشورا، المعرفه و مداوار.

منطقه۳ : راس بیروت، عین المصریه، مینا الحسن، زقاق البلد، المصیبتیه و المزارا.

بنا بر گفته‌های ال. ام که عضو مهم یکی از احزاب کُرد در بیروت است، کُردها می‌توانند با ۲۷,۰۰۰ رأی در لبنان و حدود ۱۸,۷۰۰ رأی در بیروت[1] طبق توزیع زیر چیره شوند:

۱۳۰۰۰ رأی‌دهنده در زقاق البلد

۱۰۰۰۰ رأی‌دهنده در زقاق البلد

۱۵۰۰ رأی‌دهنده در المعرفه

۱۰۰۰ رأی‌دهنده در الباشورا

۲۷۶۹ رأی‌دهنده در المصیبتیه

۸۴۲ رأی‌دهنده در مینا الحسن

۱۹۳۲ رأی‌دهنده در المزارا

در این جلسه با رهبران کرد، حریری قول داد که یک کُرد را برای جایگاه عضو شورای مسئول امور کُردها قرار دهد. در داخل مؤسسات خودش که کارش توجه نمودن به نیازها و منافع ویژه جامعه خواهد بود (کاوفارانی ۲۰۰۳: ۱۲۱). به‌هرحال وقتی که این انجمن‌ها در میان خود

۱ تاریخ مصاحبه: ۱۳ دسامبر ۲۰۱۰، مکان خانه شخص مذکور واقع در بشامون.

موفق به توافق بر روی یک نماینده می‌شوند دستگاه سیاسی حریری یارانه‌ها را برای هر انجمن ارائه می‌دهد (کاوفارانی ۲۰۰۳: ۱۲۲). عدم تحکیم صفوف و عمل یگانه گرفتاری مزمن کُردهاست و موقعیتشان را به‌عنوان یک گروه تضعیف می‌کند. در بحث‌های ما با تنوع به‌خوبی اطلاع داده شد.

به گفته ان. ام[1] که رؤسای یکی از احزاب کُرد در بیروت است و همچنین اظهارات یک مقام سطح بالا در حزب مستقبل[2] و دو روزنامه‌نگار کُرد غیر لبنانی[3] عدم همبستگی بین گروه‌های کُرد مورد تائید قرار گرفت. درنتیجه قدرت مذاکرات دسته‌جمعی کُردها تضعیف می‌شود درحالی که موافق منافع افراد انتخابی هستند. این نتیجه بیشتر به‌وسیله شخص آر. اف بازگو شد که گفت در مصاحبه ما که حوضه کُردهای مهاجر لبنانی یک معامله خوب برای لبنان و سرمایه‌گذاری در اقتصاد لبنان است و اینکه اگر این بودجه‌ها در یک روش سیستماتیک‌تر سرمایه‌گذاری شوند، لابی اقتصادی بزرگ‌تری ایجاد خواهد شد که می‌تواند خزانه دولت لبنان را تحت تأثیر قرار دهد، اما افسوس ما کُردها سازمان‌یافته نیستیم.

باوجوداینکه اکثر فرزندان کُردهای تبعه در لبنان متولدشده بودند و احتمالاً می‌توانستند احساس کنند که طرف پایین سیستم سیاسی در مناطق قبل از تابعیتشان هستند، آن‌ها نتوانستند از روابط حامی-مشتری فرار کنند

---

۱ تاریخ مصاحبه ۲۴ نوامبر ۲۰۰۹.

۲ تاریخ مصاحبه ۲۶ آگوست ۲۰۱۰.

۳ تاریخ مصاحبه ۲۷ مارچ ۲۰۱۰.

که دادن شیوع چنین روابطی درصحنه سیاسی لبنان تعجب‌آور نیست (حرانی و دابوس ۲۰۱۱)؛ بنابراین برای آنالیز رفتار سیاسی فردی‌شان باید الگوی لیست مشتری عمومی را در داخل لبنان و ساختار حمایت‌کننده از آن را فرابخوانند. ازلحاظ نظری الگوهای رأی‌دهی شهروندان پذیرفته‌شده در لبنان امروزه بیشتر شبیه الگوی آمریکای بعد از جنگ جهانی اول است تا کشورهای معاصر اروپایی (حرانی و سنسینگ دابوس ۲۰۱۱: ۱۸۸).

بر طبق تحقیقات باس و کاسپر[1] تابعیت یافتگان یک کشور بیشتر از بومیان تولد یافته آن کشور تمایل به مشارکت سیاسی دارند (باس و کاسپر ۱۹۹۹). همچنین بنا بر گفته‌های تاکِل و مایسِل رویداد فوق نوعی دخالت مهاجران در امور کشور مقصد است. آن‌ها برای مثال اشاره به میزان رأی‌دهندگان غیربومی آمریکا نسبت به بومیان آمریکایی می‌کنند (تاکِل و مایسِل ۱۹۹۴: ۴۱۰). هر دو طرف تحقیقات فوق درنهایت به این نتیجه رسیدند که تنها عامل پایدار مشارکت سیاسی مهاجران در امورات سیاسی کشور مقصد حجم جمعیت متمرکز فراوان آن‌ها در آن کشور است.

در این پژوهش، بس و کاسپر فهمیدند که مدت‌زمانی که شهروند تابعیت یافته در یک کشور سپری کرده باید یک پیشگویی از مشارکت رأی‌دهی را بکند زیرا که شهروندان تابعیت یافته که به مدت طولانی تابعیت دارند

۱ Loretta E. Bass and Lynne M. Casper, Differences in registering and voting between native-born and naturalized Americans, Population Research and Policy Review, Volume ۲۰, Number ۶, ۴۸۳-۵۱۱.

عموماً بیشتر در داخل جامعه ادغام‌شده‌اند و همچنین بیشتر در آداب‌ورسوم محلی جذب‌شده‌اند و شاید بیشتر از اهمیت رأی دادن به‌عنوان اهرمی برای حفاظت از حقوق خود و دسترسی به منابع عمومی آگاه باشند (باس و کاسپر ۱۹۹۹).

مطلب فوق همگام با یافته‌های ما نیست زیرا همان‌طور که حرانی و سنسینگ مشاهده کردند کلیه تابعیت یافته‌ها در به دلیل درگرو بودن حق شهروندی خود زندانی در سلوک رأی‌دهی‌شان آزاد نیستند؛ زیرا بسیاری معتقدند که آن‌ها تابعیتشان را مدیون یک فرد سیاسی یا امثال آن هستند (حرانی و دابوس ۲۰۱۱: ۱۹۸-۱۹۲). کُردها و سایر شهروندان تابعیت یافته به‌پاس نعمت اعطای تابعیت همواره از حامیان سرسخت احزاب سیاسی هستند. برای مثال می‌توان به انتخابات پارلمان و انتخابات شهری بعد از سال ۱۹۹۶ اشاره کرد. بعدازآن انتخابات کُردها هیچ تلاشی در عرصه جبران کاستی‌های گذشته و قدم به آینده‌ای بهتر نکردند که همان خود دلیلی برای عقب‌ماندگی سیاسی کُردها در دستگاه پرپیچ‌وخم سیاسی لبنان شد.

رأی دادن در انتخابات (۱۹۹۶-۲۰۱۰)

بنا بر قانون اساسی لبنان هر شهروند قانونی ثبت‌شده حق اعطای رأی و مشارکت همسان سیاسی با دیگر اشخاص حقی و حقوقی کشور دارد. شهروندان ثبت‌شده لبنان هر چهار سال یک‌بار رأی مستقیم خود ۱۲۸ نفر عضو مجلس را انتخاب می‌کنند. مجلس دارای یک سیستم پارلمانی پلورال است که خود متشکل از دو جامعه مذهبی کثرت‌گرای مسلمان و

مسـیحی اسـت. نمایندگان انتخاب‌شـده دو نقش اصـلی قانون‌گذاری و انتخاب رئیس‌جمهور دارند. رئیس‌جمهور کشور به‌نوبه خود نخست‌وزیر و کابینه را بر اساس رأی زنی‌های اجباری با مجلس منصوب می‌کند.

چنین بیان می‌شود، سیستم انتخاباتی در قلب تقسیم قدرت سیاسی لبنان است. حجم اندازه حوزه‌های انتخابی بر اساس سیستم انتخاباتی لبنان است؛ بنابراین داشتن یک حامی بزرگ در میان حوزه‌های انتخابی برای انتخاب شدن در مجلس ضروری است. درنتیجه دستگاه‌های سیاسی متشکل از رهبران مختلف سـیاسـی نقش مرکزی مهمی را در متقاعد کردن هیئت انتخاب‌کنندگان با استفاده از انگیزه‌های مختلف برای رأی دادن به رهبران آن‌ها بازی می‌کنند.

این چارچوبی که مشارکت سیاسی شهروند لبنانی را تعریف می‌کند خود شامل شهروندان تابعیت یافته است. وقتی سؤال شد که آیا آن‌ها رأی دادنـد اکثر نمونـه‌هـای مـا جواب دادند که بدون هیچ ابهامی که آن‌ها در تمـام انتخابات ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ رأی داده‌اند. همان‌طور که در شـکل ۶٫۱ نمایش داده‌شـده اسـت، مشـارکت در انتخابات مجلس در ۱۹۹۶ به میزان ۷۷٪، در ۲۰۰۰ به میزان ۸۹٪، در ۲۰۰۵ به میزان ۹۰٪ و در ۲۰۰۹ بالاترین میزان یعنی قریب ۹۲٪ بوده است.

انتخابات پارلمانی	۱۹۹٦		۲۰۰۰		۲۰۰٥		۲۰۰۹	
	بله (٪)	خیر (٪)	بله (٪)	خیر (٪)	بله (٪)	خیر (٪)	بله (٪)	خیر (٪)
	۷۳	۲۳	۸۹	۱۱	۹۰	۱۰	۹۲	۸
انتخابات شهری	۱۹۹۸		۲۰۰٤		۲۰۱۰			
	خیر (٪)	بله (٪)	خیر (٪)	خیر (٪)	بله (٪)	خیر (٪)		
	۸۴	۱۶	۸۶	۱۴	۹۶	۶		

شکل ۶,۱: میزان مشارکت سیاسی در انتخابات ۱۹۹۶تا۲۰۱۰

مشارکت در انتخابات شهری سال ۱۹۹۸ به میزان ۸۴٪، در ۲۰۰۴ به میزان ۸۶٪ و در ۲۰۱۰ به میزان ۹۴٪ بوده است.

بنا بر آمارها مشارکت سیاسی کُردها صرف‌نظر از این‌که انتخابات مجلس است یا شهری در حال افزایش است. یافته‌ها با گزارش‌های در مورد مشارکت تابعیت یافته‌ها در انتخابات در لبنان همخوانی دارند. آکیل در تحقیق خود گزارش کرد: میزان مشارکت شهروندان تابعیت یافته از سال ۱۹۹۶ در انتخابات مجلس برابر یا شاید بیشتر از میزان مشارکت شهروندان بومی‌شده است (آکیل، ۱۹۹۷). از زمان شروع تحقیقمان تحقیق بر روی مشارکت سیاسی شهروندان تابعیت یافته در سراسر کشورها نتایج

متنوعی داده است به‌طوری که این سؤال پرسیده می‌شود که چه چیزی این میزان فوق‌العاده رأی دادن را تحریک می کند؟

در تحقیق بر روی نقش تابعیت یافته‌ها در انتخابات سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹ حرانی و سنسینگ نوشتند: با برخی از توجیهات اینجا می‌توان اظهار داشت که مشارکت بالای رأی‌دهنده‌ها کمتر یک بیان اراده جمعی و بیشتر نتیجه فقدان اراده آزاد مرتبط با حامی-مشتری احزاب لبنانی بوده است (حرانی و دابوس ۲۰۱۱: ۱۹۹). مطالب فوق ارائه‌شده در موضوع آموزش عالی یا تحرک اجتماعی- اقتصادی به‌منظور آشنایی با پروسه‌های سیاسی کشور لبنان اســت؛ زیرا کُردهای تابعیت یافته ذاتاً به‌اندازه کافی و برای احقاق حقوق خود که به چه کسی رأی دهند یا نه زرنگ و دانا هستند.

دلایل مشارکت در انتخابات:

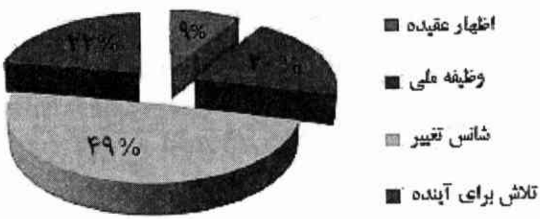
در این بخش دلایـل رأی دادن، تـأثیر رأی دادن و چگونگی تحـت تأثیر قرار گرفتن تصـــمیم‌گیری برای رأی دادن بـه این کـانـدیـدا یـا لیســت موردبحث و گفتگو قرار می گیرد؛ زیرا اکثر مخاطبین ما معتقدند که آن‌ها برای تغییر توازن سیاسی رأی می‌دهند.

در پرســش این که آیا مخاطبین معتقدند رأی‌هایشــان نتیجه انتخابات را تحت تأثیر قرار می‌دهد، پاســخ به‌شـدت مثبت بود: ۸۸٪ از مخاطبین نشـان دادند که رأی آن‌ها روی نتایج مؤثر است، در مقابل ۱۲٪ افراد مخالف آن بودند.

از میان پاسخ‌دهندگان، آن‌هایی که گفتند رأی ما اثری بر روی نتایج ندارد دلایل مختلفی ارائه شد. برخی عبارت‌اند از: ازنظر ریاضی، یک رأی نباید تفاوتی ایجاد کند؛ پول و ارتباط خانوادگی در پایمال کردن انتخابات و رأی دادن تأثیر مستقیم دارد که کُردها خود نمونه بارزی از اعمال تبعیض و نابرابری حقوقی در لبنان هستند.

اکثر کسانی که جوابشان مثبت بود این عقیده را ابراز کردند که رأی دادن آن‌ها برای موفقیت تحولات آینده شمارش می‌شود. علاوه بر این آن‌ها به‌طورقطع اظهار کردند که فقط برای انجام‌وظیفه ملی و اظهار عقیده‌شان رأی می‌دهند.

وقتی درباره این که چه کسی یا چه چیزی تحت تأثیر تصمیم مخاطبین برای رأی دادن قرار می‌گیرد سؤال شد، ۵۰٪ اشاره کردند که آن‌ها با توجه به اعتقاداتشان رأی داده‌اند، ۱۷٪ با توجه به گرایش مذهبی، ۱۳٪ با توجه به گرایش‌های سیاسی رأی دادند، ۱۳٪ با توجه به انتخاب خانواده، ۳٪ به دلیل گرایش‌های قومی و ۲٪ آخر هم گفتند که رأی آن‌ها بر اساس گرایش‌های حزبی بوده است.



شکل ۶،۲: دلایل مشارکت در انتخابات

کاوفارانی در رساله‌اش گزارشی مبنی تأثیرات تابعیت بر روی کُردها ارائه داد که دستگاه سیاست حریری چند ماه قبل از انتخابات ۲۰۰۰ دفاتر انتخاباتی را در محلات آن‌ها تأسیس کرد و نمایندگان این دفاتر محصولاتی را به خانوار ارائه دادند و در روز انتخابات انتخاب‌کننده‌ها با حمل‌ونقل و اوراق رأی‌دهی با اسم رفیق حریری و کاندیداهایش ارائه شدند (کاوفارانی ۲۰۰۳: ۱۳۷-۱۳۴).

علاوه بر این حریری برای تجهیز کردن هر رأی‌دهنده در بیروت از منابع مالی‌اش را استفاده کرد. او همچنین گزارش کرد که دستگاه حریری با دقت برای نیازهای کُردها به‌عنوان سازمان‌های کُردی حضور داشت که بعداً وقتی او یک دفتر ارتباط را برای کُردها در سازمان‌های رفاهی تعیین کرد رسمی شد (کاوفارانی ۲۰۰۳: ۱۴۵-۱۴۴). در مصاحبه ما با یک مقام از جنبش مستقبل به نام اس. اف به ما گفت که حریری چندین دفتر ارتباطی را برای ارتباط بین جنبش و سازمان‌های کُردی برای شناخت احتیاجات رأی‌دهنده‌ها تعیین کرد[1].

بیشتر جمعیت رأی‌دهندگان -به‌غیراز ۱۲٪ جمعیتی که امیدی به تأثیر مشارکتشان نداشتند- حدود ۸۸٪ اعتقاد به مؤثر بودن مشارکت سیاسی خود در انتخابات داشتند. حس قدرت به دلیل مبارزاتی که کاندیداها یا ائتلاف‌ها از طریق جلسات شهرداری و مبارزات انتخاباتی رسانه‌ای برای

۱ تاریخ مصاحبه ۲۶ آگوست ۲۰۱۰. مکان بیروت دفتر حزب مستقبل.

شکل‌دهی هدف قرار دادن نظریات حوزه‌های انتخاباتی راه‌اندازی کردند افزایش یافت[1].

برای پیش بردن این بحث که تابعیت یافته‌ها به‌راستی در سلوک رأی دادنشان مستقل نیستند ما به یافته‌های حرانی و دابوس مراجعه کردیم که نشان داد تابعیت یافته‌ها ائتلافشان را وقتی‌که موقعیت سیاسی حامیانشان تغییر می‌یابد تغییر می‌دهند، مخصوصاً پس از پایان اشغال سوریه[2] که تابعیت یافته‌ها صرفاً از رهبری ائتلاف مبتنی بر دستگاه خود به‌جای ایجاد نفوذ قومی لازم برای سیاست مستقل پیروی کردند (حرانی و دابوس ۲۰۱۱: ۲۰۰).

نمایندگی کُردها در مجلس:

وقتی‌که در مورداحساس پاسخ‌دهندگان درباره نمایندگی کُردها در مجلس سؤال شد، ۸٪ از پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که آن‌ها فقط نمایندگان خودشان را در نظر گرفته‌اند درحالی‌که ۹۲٪ آن‌ها مخالف آن بودند. تااندازه‌ای که نتایج وقتی با تعداد قریب به‌اتفاق کسانی که معتقد

---

۱ Chris Harnisch, ۲۰۰۹ Lebanese Parliamentary Elections, Critical Threats, June ۱۲, ۲۰۰۹, [http://www.criticalthreats.org/lebanon/۲۰۰۹-lebanese-parliamentary-elections].

۲ Marius Deeb - Syria's Terrorist War on Lebanon and the Peace Process, Palgrave Macmillan, ۲۰۰۳ and Mordechai Nisan, the Syrian Occupation of Lebanon in Peace with Syria: No Margin for Error by Yoash Tsiddon-Chatto, Shawn Pine, Mordechai Nisan and Dany Shoham, ACPR Publications, ۲۰۰۰, pp. ۴۹-۷۰.

بودند که رأی آن‌ها شمارش می‌شود مقایسه شد قابل‌توجه بود. ازجمله کسانی که نماینده‌های خودشان را در نظر می‌گیرند و در انتخابات شرکت می‌کنند، نیمی گفتند که آن‌ها به نماینده سنی بودند و نیمی اعلام کردند که به حزب پارلمانی حریری رأی داده‌اند.

از میان آن‌هایی که مشارکت فعال در انتخابات داشتند نیمی معتقد بودند که به دلیل ترکیب فرقه‌ای کشور کُردها نماینده ندارند زیرا که کُردها به‌عنوان سنی‌ها و سنی‌ها نیز به‌عنوان کُردها محسوب می‌شدند. این تمایل به تقسیم آرای کرد، به معنی آن است که وقتی نمایندشان را انتخاب می‌کنند، کُردها را در میان خود قبول ندارند.

کُردها تقریباً در انتخابات سال ۱۹۹۲ موفق شدند. در ابتدا به‌اتفاق پس از پایان جنگ داخلی یکی از نمایندگان خود را برای ورود به مجلس انتخاب کردند. حاج شیخ موسی تاجری ثروتمند و کاندیدای این دوره بود که بخشی از ثروت خود را به‌منظور ارتقای پروژه‌های تجارتش که هدفش بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی کُردها بود سرمایه‌گذاری کرده بود. نامبرده باوجود دو مانع نظیر قادر نامزد شدن وی قبل از قبول تابعیت سال ۱۹۹۴ و محدودیت کُردها برای شرکت در انتخابات موفق به جمع‌آوری ۶۰۰۰ رأی که حدود ۲۰٪ آرای بیروت بود شد. اگرچه موسی حتی موفق به اخذ یک کرسی نشد، اما تلاش کرد که به کُردها این امید را بدهد که در انتخابات آینده آن‌ها ممکن است به هدفشان که داشتن یکی از اقلیت خودشان در مجلس است برسند.

انتخابات شهری سال ۱۹۹۶ به کُردها طعمی واقعی از شهروندیت در شهر بیروت را داد. بر طبق گفته‌های کاوافارانی کُردها خواستار گنجاندن یکی از خودشان به لیست حریری بودند و ظاهراً حریری به خواست آن‌ها و فقط برای رد گم کردن تن داد. وی بعدها توضیح داد که گنجاندن یک عضو کُرد داخل لیست سیاسی‌اش با توجه به این واقعیت که خانواده‌های سنی بیروت یکی از کرسی‌های خود را به یک کُرد واگذار نمی‌کنند، غیرعملی است. او به آن‌ها قول داد که انتخابات شهری بعدی نتیجه متفاوتی خواهد داد به این معنی که یک کاندیدای کُرد در لیست انتخاباتی‌اش خواهند بود (کاوفارانی ۲۰۰۳: ۱۲۳).

بنا بر تحقیقات مَحو فقط ۲۸٪ کُردهای موردبررسی او معتقد بودند که سنی‌ها متحدند و تنها ۳۹٪ معتقد بودند آن‌ها بیشتر از سایر اقلیت‌ها قابل‌اعتماد تمام جوامع در لبنان هستند (مَحو ۱۹۹۵: ۱۲۰). بنا بر تحقیقات نشان می‌دهد که کُردها بیشتر ازنظر سیاسی حتی کنترل هم‌کیشان سنی مذهب خود هستند و بیشتر تحت اوامر آن‌ها زندگی می‌کنند.

مَحو که تحقیقش را درست قبل از اعطای تابعیت سال ۱۹۹۴ انجام داد، نوشت که اکثر پاسخ‌دهندگان احساس می‌کنند که کُردها ازلحاظ سیاسی بیگانه بودند و هنوز نیز هستند و بیشتر تحت کنترل هم‌کیشان سنی مذهب خود هستند. به‌هرحال به نظر می‌رسد که کُردها بعد از اعطای تابعیتشان و نقششان در انتخابات احساسشان را نسبت به حریری تغییر دادند. کاوفارانی گزارش می‌کند رفتار کُردها یک‌باره وقتی که حریری روی قولش در انتخابات نماند به پایان رسید.

با توجه به گفتمان رسمی سنی‌ها در دوره‌های قبل انتخابات می‌توان استنباط کرد که مرزهای قومی از کُردها به‌وسیله گروه‌های غالب برداشته‌شده است و گنجاندن کُردها برای یک دوره مشخص نرمال است. به‌هرحال وقتی رأی‌ها در حال حاضر قالب‌ریزی شده است و حزب جایی در قدرت را برای دوره بعد تضمین می‌کند مرزهای قومی کُردها مجدداشروع می‌شوند. کُردها دیگر اعضای معمولی اجتماع سنی‌ها در بیروت هستند. قول‌هایی که قبل از انتخابات داده شد به‌محض اینکه نتایج انتخابات بیرون بیاید رها می‌شوند. وقتی‌که دیگر زمان انتخابات نیست کُردهایی که به ملاقات دستیاران، متحدان حریری و مقامات رسمی که حامی آن‌ها بودند می‌روند، این شعار می‌دهند: ما نماینده شماییم که دیگر اثری ندارد زیرا که هیچ منابعی وجود ندارد که کُردها را درراهی که سایر سنی‌ها هدایت می‌شوند هدایت کند (کاوفارانی ۲۰۰۳: ۱۷۱-۱۷۰).

در مصاحبه ما با یک مقام رسمی سطح بالا در مستقبل نامبرده اظهار کرد که کُردها اصولی رأی می‌دهند اما اصولی سیاسی نمی‌شوند زیرا آن‌ها متلاشی‌شده و یک طرز عمل انتخاب متحد ندارند. نامبرده همچنین اظهار کرد که جنبش‌های آینده به‌عنوان هر گروه سنی یا دسته‌ای مانند انجمن برادری و اخوت مسلمانان یا جنبش‌های توحید با کُردها سروکار دارد. آن‌ها دوست دارند لبنانی شدنشان را ببینند و کمتر قومی پذیرفته شدنشان را می‌خواهد ازاین‌رو ازنظر جنبش‌ها آن‌ها در مرحله اول سنی و بعد لبنانی هستند. او اعتقاد دارد که جنبش‌های آینده موجب تقسیم شدن

ســهم ســنی‌هـا و ایجـاد گروه‌هـای قومی خرده ســنی منجر در مجلس می‌شوند[۱].

در کتاب اقلیت‌های خاورمیانه نیســان به‌طور خلاصــه اصــالت وجود کُردها را در کشورهای خاورمیانه پیروی‌کننده از این دانست که یک کُرد وقتی‌که در یـک کشــور عربی زنـدگی می‌کند یک عرب با یک فرمان وســوســه‌انگیز برای برابری و یکپارچگی خواهد شــد، اما این همچنین تهدیدی برای حذف انجمن‌های فرهنگی کوچک‌تر به‌وسیله پوشـاندن و خفه کردن آن‌ها در میان اعراب اسـت (نیسـان ۲۰۰۲: ۲۴). به‌عبارت‌دیگر وقتی‌که کُردها تقاضـای سیاسـی اخذ نمایندگی سـر بدهند به‌شدت مورد ســرکوب قرار می‌گیرنـد. بـه‌طوری‌کـه بـه درازای تـاریخ مورد هجوم و مـدرنیزاســیون حکومت‌های ســلاخ قرارگرفته‌اند که برای مثال می‌توان اشــاره بـه حکومـت آتـاتورک در ترکیـه مـدرن کرد. اس. اف در ادامه خاطرنشـان می‌کند که نمایندگی کُردها در داخل سـهمیه سـنی‌ها مربوط است به این واقعیت که آن‌ها شبیه یک فرقه ارمنی میان مسیحیان نیستند.

علاوه بر این توجه معینی برای وجود ملی‌گرایی کُردها یا قومیت آن‌ها وجود ندارد. او اضــافه کرد که وقتی ما خواهان یک کرســی مجلس یا شــهری هســتیم، پاســخ این اســت که: معذرت می‌خواهیم! شــما از ما می‌خواهید یک کرسـی سنی به شما بدهیم؟ کُردها جواب می‌دهند، ما نیز اهل سـنت هستیم. آیا وقتی‌که خانواده‌های کُرد نمایندگان سـنی انتخاب می‌کنند آن‌ها اهل ســنت نیســتند. این همچنین نشــان می‌دهد چگونه در

---

۱ تاریخ مصاحبه ۲۶ آگوست ۲۰۱۰. مکان بیروت دفتر حزب مستقبل.

غیاب بخش غیرمذهبی قوی و حضور یک سیستم لیست سرویس گیرنده در لبنان، اجتماع کُردها بین مکانیسم یک بخش عمومی سرویس گیرنده و ماشین آلات سیاسی محرومیت سنی‌ها گرفتارشده‌اند.

مصاحبه ما با آر. اف به‌خوبی گفتمان بین جوامع کُردها در لبنان و رئیس‌جمهور مسعود بارزانی از اقلیم کردستان عراق را در سفر رسمی خود به لبنان در سال ۲۰۱۰ توصیف می‌کند. آر. اف منتشر کرد وقتی بعضی از رهبران کُرد از رئیس‌جمهور بارزانی در مورد کمک به کُردها در لبنان سؤال شد پاسخ او این بود که تنها کمک آن‌ها بر طبق آنچه خواهد بود که قانون لبنان اجازه می‌دهد[۱]. با شنیدن این جواب کُردها بسیار ناامید شدند و به بارزانی پاسخ دادند که موقعیت کُردهای لبنان تا زمانی که مؤسسات اجتماعی خودشان را تأسیس کنند پایدار نخواهد بود. در غیر این صورت آن‌ها مجبور به پیروی کردن از جنبش‌مستقبل، حزب‌الله، عمل و احباش خواهند بود. درنهایت به بارزانی اعلام کردند که خواهان ادامه روند مذکور نبوده و خواستاری چهارچوب رسمی و قانونی خود در دولت و سیاست لبنان هستند[۲]. آر. اف در ادامه سخنان خود گفت که کُردها به عنوان اقلیتی لبنانی فاقد فعالیت سازمان‌یافته سیاسی هستند. به‌طوری که ادعای مذکور به‌وسیله فرد اِن. ام مبنی بر صحتش ادامه یافت و

---

۱ تاریخ مصاحبه ۲۷ مارچ ۲۰۱۰، بیروت.

۲ تاریخ مصاحبه ۲۷ مارچ ۲۰۱۰، بیروت.

وی افزود که چنانچه که سیاستمداران بیروتی در قبال کُردها بی‌انصاف نبودند بسیار پیش‌تر از الآن به وزارت و مجلس راه پیداکرده بودند[1].

در ادامه تحقیقمان متوجه شدیم که بعضی از کُردها در برابر اعمال فشار به آن‌ها برای کنار گذاشتن قومیتشان و ماندن در محرومیت و قبول هویت عرب غالب سنی تسلیم‌شده‌اند زیرا در داخل احزاب سیاسی موجود در کشور آن‌ها نیازمند یک حامی هستند. بعضی ادعا می‌کنند که ویژگی‌های کُردیشان به‌وسیله دستیابی به امکانات آموزشی، مهاجرت و تحرک اجتماعی-اقتصادی ارتقاءیافته است. سایرین غالباً مردم مِردالی-مُبالامی خریدار دو افسانه تازه کشف‌شده هستند (ساری ۲۰۱۰: ۵۰):

اول اینکه مردم مِردالی-مُبالامی از نسب پیامبر و سید هستند.

دوم اینکه آن‌ها نوادگان بانی هلال بوده و هویتشان عرب است.

این افسانه با استفاده از رسانه‌های اجتماعی و اینترنت سریع منتشر شد. وقتی در مورد حقیقت پنهان این ادعا سؤال شد دکتر شببو تالای گفت که صحبت تاریخی بانی هلال افسانه‌ایی بیش نیست[2]. اگرچه مجموعه ثروتمندی درون قوم کُرد وجود دارد، اما عملاً هیچ‌چیزی راجع به گروه مِردالی- مُبالامی که درگیر و دار یک بحران هویتی است نوشته‌نشده است. دکتر تالای تائید کرد که یک خلأ بزرگ در پیکره دانش در رابطه با این گروه زبان‌شناختی وجود دارد که با افسانه‌ها و اسطوره‌ها پرشده

---

۱ تاریخ مصاحبه ۲۷ مارچ ۲۰۰، بیروت.

۲ مصاحبه تلفنی انجام‌شده در تاریخ ۳ مارچ ۲۰۱۱.

است. اقلیت مِردالی- مُبالامی که در لبنان و همزیست با کُردها است به‌وسیله جستجو کردن تفاوت‌هایش خود را از مفهوم و لقب کُردها جدا می‌کنند.

ما همچنین در کار میدانی‌مان مشاهده کردیم که کُردها لایه‌هایی از اصالت هویت خود را در تصرف دارند که در محیط‌های چند فرهنگی و چند قومیتی و چند مذهبی‌اتی لبنان معمول نیست. هویت آن‌ها باحالتی‌هایی از قبیل گروه‌های مذهبی یا قومی غالب در زمینه‌های متفاوت به‌صورت متفاوتی بیان‌شده است. موضوع تحقیق ما بیان می‌کند که آن‌ها کُردهایی هستند که به حقوق سیاسی و نمایندگی در دولت رسیده‌اند (در مقایسه خودشان با آمریکایی‌ها). با تأکید در زمینه‌های دیگر گرچه فرقه‌های آن‌ها به مذهب مسلمانان سنی وفادار هستند وقتی با تبعیض مردم لبنان روبرو می‌شوند کرد بودنشان را ازدست‌داده و ادعای لبنانی بودن می‌کنند. ما همچنین تشخیص داده‌ایم که مِردالی‌هایی که زیرگروهی از کُردهای لبنان هستند خود را از جمع کُردها جدا احساس کرده گرچه هنگامی‌که تصمیم می‌گیرند عرب باشند یا هنگامی‌که احساس می‌کنند که کُرد هستند موقعیت اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد. آن‌ها هنوز برای تصدیق کرد بودنشان دودل هستند که این‌یک سؤال در مورد تخصیص خصوصی منابع اختصاصی برای کُردهاست. بسیاری از ملل خاورمیانه (شرقی) هویت‌های مشترکی وابسته‌ای نسبت به موقعیت ویژه خودشان در منطقه دارند (برونسن ۱۹۹۲: ۴۷).

ناگاتا در تحقیقاتش سه دلیل برای انتخاب یک هویت خاص ارائه می‌دهد: تمایل به بیان اتحاد یا فاصله اجتماعی، مزایای فوری حاصله از انتخاب یک گروه خاص، کسب شرایط خاص ترقی و نزول اجتماعی (ناگاتا ۱۹۷۴: ۳۴۰). تحقیقات فوق به ما نشان می‌دهد که اکثر تابعیت یافتگان نمونه تحقیق ما در مسیر فرهنگ غالب کشور مقصد حرکت کرده و ملیت تابعی را به اصالت خود ترجیح می‌دهند (ناگاتا ۱۹۷۴: ۳۳۲). به‌طوری که اکثر کُردهای بیروت چه در زمان انتخابات و چه بعد آن دارای هویتی مرکب هستند.

مشارکت سیاسی

در ادامه تحقیقمان از کلیه نمونه‌های پیمایش سؤال شد که در صورت مشارکت سیاسی در امورات سیاسی و انتخابات لبنان به‌عنوان یک کُرد شرکت می‌کنند یا یک شهروند اصیل و بومی لبنان. جواب پاسخ‌دهنده‌ها بسی گیج‌کننده بود. به‌طوری که ۱۲٪ از کل آن‌ها فقط در زمان تابعیت عضو احزاب کُرد شده بودند و مابقی افراد که حدود ۸٪ بودند فقط در سال ۲۰۱۰ مشارکت در انتخابات کرده بودند. این آمارها در احزاب غیر کُرد بسی متفاوت است. میزان مشارکت در احزاب اقلیت‌های دیگر در زمان تابعیت حدود ۸٪ و بعد آن در حدود ۹٪ بوده است. در کل به این نتیجه می‌رسیم که چگونگی مشارکت سیاسی اقوام مهاجر ساکن لبنان به‌صورت عضویت و فعالیت انتخاب مشکلی بوده و این اقوام همچنان در دوراهی انتخاب گرایش خود هستند.

کُردهای لبنان در طی این چند اصل دست به تأسیس چند سازمان یا حزب فرهنگی-اجتماعی کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: کلوب فرهنگی-ورزشی سیدار، سازمان همیاری لبنان، مجمع فرهنگی-حقوقی کُردهای لبنان، سازمان نیکوکاری کُردهای لبنان، سازمان جیل مستقبل، سازمان حمایت از هنر مردالی‌ها، سازمان همیاری مسجد روداب، گروه کوه‌نوردی فولکلور کُردهای لبنان و سازمان مددکاری اجتماعی کُردهای لبنان. در این میان چند سازمان خانوادگی دیگر به نام سازمان خانوادگی عمری و سازمان عمایرات که هر دو خیریه هستند وجود دارد. همچنین کُردهای فعال در عرصه سیاست حزبی به نام حزب دموکرات کُردهای لبنان تأسیس کردند که به‌عنوان شاخه‌ای از حزب دموکرات کُردستان عراق به سرپرستی بارزانی و حزب رهایی کُردستان در بیروت دایر شد. در ادامه تحقیقاتمان دریافتیم که عضوگیری احزاب فوق به‌شدت کم و سطحی است، به‌طوری‌که مدت‌هاست عضوی به آن‌ها مراجعه نکرده است. بسیاری از نمونه‌های شرکت‌کننده در جواب سؤال ما مبنی بر این‌که آیا در احزاب و سازمان‌های سیاسی کُرد عضو هستند یا نه جوابشان منفی بود و همگی مدعی بر عضویت در حزب مستقبل و الحبش بودند[1]. در طی

---

۱ A. Nizar Hamzeh and R. Hrair Dekmejian, A Sufi Response to Political Islamism: Al-Ahbash of Lebanon, the International Journal of Middle East Studies Vol. ۲۸, No. ۲, May ۱۹۹۶, pp. ۲۱۷-۲۲۹ and A. Nizar Hamzeh, Islamism in Lebanon: A Guide to the Groups, *The Middle East Quarterly,* Volume IV, No. ۳, September ۱۹۹۷, pp. ۴۷-۵۳.

مصاحبه با اِس. اِف دریافتیم که اکثریت کُردها عضو دو حزب مستقبل و الحبش هستند به‌طوری که طبق آمارها ۱۰٪ عضو جنبش الحبش و ۹۰٪ درصد عضو جنبش مستقبل هستند. در طی ادامه تحقیقات و تفصیلات خود در این مورد دریافتیم که اکثر جمعیت نوددرصدی کُردها حامی حزب مستقبل بوده نه عضو آن.

فصل هفتم

کلیات پژوهش

بحث کلی

هدف از ارائه تحقیق حاضر بررسی و تحلیل مسئله‌ی تابعیت بر روی کُردهای لبنان همگام با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی-اقتصادی و میزان تغییرپذیری دودمان این اقلیت در کشور لبنان است. میل رسیدن به چنین هدفی در این تحقیق تنها با تحلیل و بررسی شرایط اجتماعی- فردی این اقلیت در گرو پویایی ارتقاء جوامع آن‌ها بود. به‌عبارت‌دیگر بنیاد اصلی تحقیق حاضر تفصیل رابطه سوداگران بین شهروندیت و تابعیت به‌عنوان اصلی اجتماعی و پویا در جهت رسیدن به‌مراتب بالاتر ملت‌سازی است.

کلیه داده‌های اجتماعی- اقتصادی قرن بیستم بر محوری واقع‌گرایانه و قابل‌اندازه‌گیری بر مبنای پارامترهایی نظیر تحصیلات، شغل، درآمد و میزان مشارکت سیاسی قابل تفصیل و تحلیل هستند. همان‌طور که نمونه قومی موردتحقیق ما کُردهای لبنان هستند به‌تفصیل در باب تحلیل میزان مشارکت سیاسی و رابطه حامی- مشتری تأثیرگذار احزاب در قبال کُردها و در عرصه انتخابات و سیاست کثرت‌گرایی حکومت لبنان پرداختیم.

درون‌مایه این تحقیق عبارت است از تحلیل و بررسی وضعیت زندگی کُردهای لبنان بعد از گذشت ۱۵ سال تابعیت لبنانی همراه با در نظر گرفتن شرایطی همچون اکولوژی طبیعی جوامع کُرد، ساختارِ قومی، ساختار اجتماعی، آمار کار، فرهنگ، سیاست، فرصت‌های شغلی و سیاسی. تحقیق ذیل اطلاعاتی نو، جدید، آکادمیک و طبقه‌بندی‌شده در باب وضعیت اجتماعی کُردهای لبنان و تأثیر تابعیت بر زندگی آن‌ها در کنار پویایی تغییرپذیری درونی و سیاسی جامعه‌شان ارائه داده است. همچنین تلاش

شـــده اســـت که تا حد امکان تطبیق اطلاعاتی برداده‌های تحقیق مَحو در همین باب داده شـود. بنا بر گفته مَحو وضعیت نابسامان و ناپایدار نپذیرفته شدن شهروندیت کُردها در لبنان موجب محدودیت و عدم دسترسی آن‌ها به بسـیاری از فرصـت‌ها و امکانات اجتماعی شـده اسـت. به‌عبارت‌دیگر مسئله‌ی شهروندیتِ خود به‌مثابه پاشنه آشیل قدرت پویای پیشرفت کُردها در لبنان به شمار می‌آید (مَحو ۱۹۹۵: ۱۴۳).

درواقع تغییرپذیری اجتماعی وابســته به مقدار تأثر آن جامعه از محیط نیســت. بلکـه عواملی همچون رکود اقتصـــادی، بیکـاری، تبعیض، تنش مشـکلات اقتصـادی و سـیاسـی تأثیر بسزایی در پویایی یک جامعه دارند. البتـه بـاید متذکر این دلیل شـــد که میزان پویایی اجتماعی بین اشـــخاص تابعیت یافته هر قوم و نژادی به دلیل تفاوت در نگرش‌های قومی، فرهنگی و جغرافیـایی متفـاوت اســـت. بـه‌عبـارت‌دیگر تغییرات درون حاصـــل از مهارت‌ها موجب تورم و ناکارآمدی روش‌های قبلی و تأثیرگذاری بسزایی بر عامل پویایی اجتماعی و اقتصادی ملل خاورمیانه شده است.

از دیگر مزایـای این تحقیق در جهـت روشـــن شـــدن ابهـامات درباره کُردهـای لبنـان می‌توان بـه جواب ســؤالات و اظهـارنظر کُردهـا دربـاره مشـارکت سـیاسـی و نحوه انتخاب نمایندگانشـان اشـاره کرد. به‌طوری‌که اکثریت جامعه کُردهای لبنان امیدی به مشـارکت سـیاسـی یُ تغییر وضـع موجود خود و احزابشـــان نـداشـــتنـد. بخش گیج‌کننـده دیگر تحقیق در آنجاســـت که بخش عظیمی از کُردهای تابع ســـنی مذهب حامی احزاب سـیاسـی سـنی لبنان و خانواده‌های قدرتمند این مذهب هستند. درحالی‌که

بعد از انتخابات هیچ کُرسی یا حقوق سیاسی متوجه کُردها به‌عنوان رأی‌دهندگان سنی حامی حزب مترقی سنی نشده است. این عملکرد در نوع خود یک نوع سوءاستفاده سیاسی و قائلات به تبعیض میان کُردها و عرب‌ها است. در این قسمت نظر بر آن است که حکومت لبنان هم همچون سایر دول همسایه (ترکیه بعد از امپراطوری عثمانی) شعار بمیر یا ساکت شو را در پیش گرفته است.

از زمان اسکان موج مهاجران غیر تابعیت یافته کُرد در لبنان وزندگی آن‌ها در کارگاه‌ها و دکان‌های پایین‌شهر تلاش برای شروع کارهای خانگی کوچک و دستیابی به سود اقتصادی بیشتر پیشرفت روزافزونی داشته است. همچنین در آن‌سوی مسئله‌ی قشر باسواد و دارای امکانات اجتماعی روزبه‌روز بیشتر پیشرفت کرده و وارد عرصه‌های جدید اجتماعی و اقتصادی می‌شوند. بنا بر اطلاعات جدید و به‌روز تحقیق فوق امروزه خانوار کُرد لبنانی به‌منظور مقابله با مشکلات پیشین بیشتر از قبل فرزندانشان را به تحصیل و دستیابی به مراجع بالای علمی تشویق می‌کنند.

تحقیق حاضر علی‌رغم وجود تمامی محدودیت‌های پیش روی به‌عنوان اولین تلاش برای شناسایی مسئله‌ی کُرد در لبنان شناخته می‌شود. گرچه که این تحقیق خود برانگیزنده سؤالات بسیاری است اما امید است که با ارائه این مطالب افراد دیگری هم پا به عرصه تحقیق گذاشته و کمک بیشتری به هرچه روشن شدن بیشتر مسئله‌ی بکنند.

تحقیق ما پلی برخوانش بهتر رابطه شهروندیت، تابعیت و وضعیت اجتماعی-فردی افراد تابع بر مبنای پارامترهای تحصیلات، شغل، منزلت

اجتماعی و سـکونتگاه کُردهای تابع لبنان اسـت. به‌طوری که بخش اعظم خوانش‌هـای تحقیقمـان بر مبنـای روش تحقیق میـدانی برای تحلیـل بهتر رابطه و تأثیر شـهروندیت و تابعیت بر وضـعیت تغییرپذیری دودمان آینده تابعان شهروندی لبنان صورت گرفته است.

محدودیت‌های پژوهش

یکی از بزرگ‌ترین محـدودیـت‌های پژوهش حاضـر کمبود افراد نمونه برای پاسـخ‌دهنده‌ای پیمایش بود. همچنین محققان گروه ما در خارج از دایره موضـوعی تحقیق به دنبال راهبردهایی برای دسـترسـی به سـوژه‌های بیشـتر و مرتبط با پروژه بودند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از بادونیس‌ها، عرب‌های وادی خالد، ارمنی‌ها، فلسـطینیان و سـوریانی‌ها. نمونه‌ها شـامل اقشـار مختلف هر قوم بودند که در سـال‌های متفاوتی به لبنان مهاجرت کرده بودنـد و همین بـه مـا اجـازه داد تـا بیشـتر بر موضـوع تغییرپذیری اجتماعی کُردها و تأثیر تابعیت لبنانی بر زندگی محاوره آن‌ها تلاش کنیم.

امیـد می‌رود که در تحقیقات آینده‌مان موضـوع اجتماعی بحث را در حوزه تغییرپذیری داخلی اجتماع و خارج اجتماع بیشـتر بسـط بدهیم که بیشتر درگرو تعلیمات فرهنگ سازانه به ملت منظور است.

از دیـگر محـدودیـت‌هـای تحقیق تفـاوت در سـطح درک و فهم پاسخ‌دهنده‌ها پیمایش به دلیل تفاوت در سطح تحصیلات هرکدام از آن‌ها و همچنین تفهیم مقدار زمان لازم برای جواب پیمایش و عدم اتلاف وقت پژوهشـگران بود. لازمه پیش برد چنین کاری سـاده‌سـازی و تفهیم سـاده

گرانه پیمایش برای نمونه موردمطالعه است؛ زیرا هرچه متن سؤال یا پیمایش سخت‌تر باشد درک و مدت‌زمان پاسخ‌دهندگی آن برای فرد بیشتر می‌شود. به همین دلیل در کلیه مصاحبات انجام‌شده علی‌رغم اتلاف کمی وقت توانستیم با تأمین فضای فاقد استرس پاسخ‌دهنده را به هرچه بهتر در کیفیت جوابگویی ترغیب کنیم. در طرف دیگر مسئله‌ی مواجه باسیل بی‌تجربگی نمونه‌ها در برخورد با پیمایش، چگونگی پاسخ‌دهی سؤالات و تأمین اطمینان بین طرفین پژوهشگر در مقابل شخص پاسخ‌دهنده بودیم؛ زیرا بیشتر آنان به دلیل مشکلات و تهدیدات مبنی بر جاسوسی اطلاعات و تنش موجود در بین شیعه و سنی‌ها قادر به همکاری با پژوهشگران ما نبودند. علی‌رغم تهدیدات و مشکلات فراوان ما همچنان بر هدف خود استوار بوده و توانستیم بدون ایجاد هرگونه استرس و فشار پاسخ‌دهنده‌ها مان را ترغیب به همکاری کنیم.

تحقیقات آینده

بنا بر تمهیدات سیاسی و ساختاری در بنای اقتصاد هر ملت و جامعه، حکومت‌ها به‌منظور ارتقاء سطح زندگی و کیفیت آن در تلاش هستند که اقشار کم‌درآمد و فقیر سطح پله پیشرفت اجتماعی را به‌سوی مراتبی بهتر سوق دهند که در لبنان اندک تلاش‌هایی در این باب صورت گرفته است. عامل چنین اقدامی را می‌توان در نظام مشتری‌مداری یا محور سالاری یک جامعه پنداشت. تمامی شهروندان در پی به‌دست‌آوردن مزایای بهتر رفاهی برای خانواده‌هایشان هستند. ارتقاء الگوی تغییرپذیری اجتماعی در لبنان

بسته به تلاش و چینش درون سازمان خانوار است که مهم‌ترین نقش میدانی را در جامعه ایفا می‌کنند.

هر تلاشی در جهت ارتقاء این مراتب باید سلسله‌وار و مرحله‌ای باشد تا اینکه افراد پایین نردبان هم توانایی پیمایش پیشرفت را داشته باشند.

در کشور لبنان بسی لازم و مبرم است که حکومت در جهت ارتقاء پله پیشرفت‌های اقتصادی افراد پایین‌دست جامعه تلاش کند و بیشتر از قبل آن‌ها را به‌سوی پیشرفت و دستیابی عادلانه به‌سوی فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی سوق دهد. لازم است که تمامی ارگان‌ها و بخش‌های حکومت مردم را به‌سوی دسترسی عادلانه به امکانات رفاهی اجتماعی و تحصیلات عالیه سوق بدهند. لبنان بنا بر موقعیت خاص جغرافیایی و وجود فرهنگ باز پذیرش تابع می‌تواند بهترین جایگاه برای پذیرش افراد جدید و انرژی‌های جدید و محرک انسانی در عرصه‌های جدید جهانی باشد.

جامعه لبنان برای کُردهای ساکن آن فضایی فاقد دستیابی به تحصیلات و کسب آگاهی است. رهبران احزاب و سازمان‌های کُرد لبنانی باید قدم‌های استواری در جهت سرمایه‌گذاری بر روی تحصیلات فرزندانشان بگذارند و ایده غلط و قدیم این‌که تحصیلات عیاشی است را به دور بیندازند و به آینده و جهانی بیندیشند که تحصیلات اولین معرف هر شخصیت در عرصه‌ای مختلف است. جوامع کُرد لبنانی می‌بایست بیشتر از قبل تلاش برای ارتقاء وضعیت اجتماعی خود کنند. به‌طوری‌که تحصیلات زنان در مقابل مردان به‌طور عادلانه و یکسان باشد و آن‌ها هم دارای حق تحصیلات عالیه باشند و همچنین باید کلیه روابط اجتماعی و ارتباطات

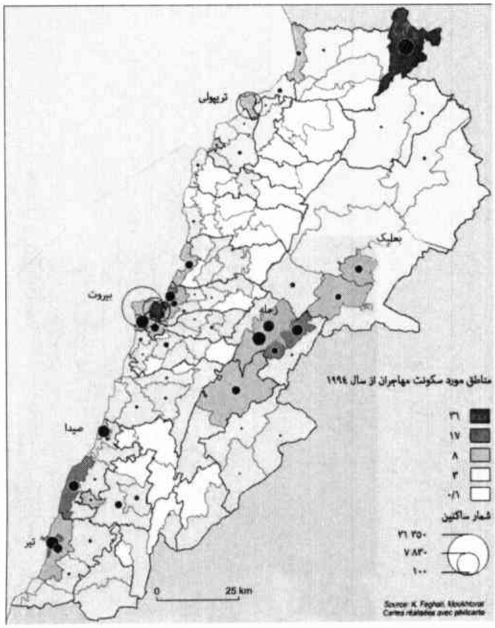
خارجی خود را جامعه و بر مبنای زندگی بهتر ارتقاء دهند و از گوشه‌گیری اجتماعی که منجر به مرگ فرهنگ و اجتماعشان می‌شود دوری کنند.

همان‌طور که قبلاً متذکر شدیم، جامعه امروز لبنان نیازمند پژوهش‌های تحقیق محور اجتماعی و سنخ‌شناسی آکادمیک برای عرضه و تحقیق بیشتر در جهت پیشرفت این کشور است. به‌طوری که بعد از جنگ داخلی سال ۱۹۷۵م هیچ تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است.

درنهایت می‌توان گفت که موضوع فوق نیازمند تحقیقات بیشتری درزمینهٔ تغییرپذیری اجتماعی تابعیت پذیرفته‌شدگان و مهاجران ساکن درون جامعه لبنان است.

فصل هشتم،

ضمایم



ضمیمه ۱. نقشه تراکم جغرافیای اتباع لبنانی

شیوه تحلیلی این نردبان بدین گونه است که تاج نردبان متشکل از افراد تحصیل کرده و مالك شغل است و مراتب پایین‌تر شامل کسانی است که دارای درآمد کمتر و سطح تحصیلات کمتری نسبت به‌مراتب بالاتر نردبان هستند. هرچه مراتب نردبان به پایین‌تر برسد میزان بیکاری و بی‌سوادی افراد بیشتر افزایش می‌یابد.



ضمیمه ۲. نردبان شرایط اجتماعی- فردی مک آرتور

تصاویر



جمیل مَحو و یاسر عرفات رهبر جنبش آزادی و رهایی فلسطین



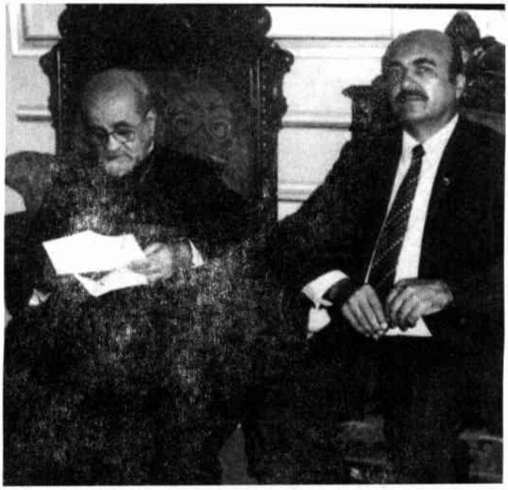
جمیل مَحو و یاسر عرفات رهبر جنبش آزادی و رهایی برای فلسطین



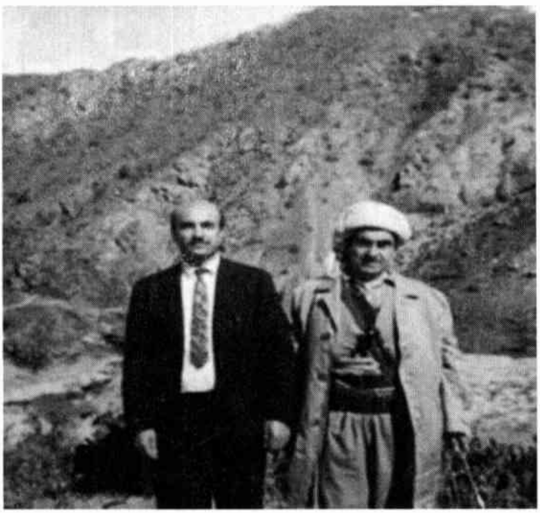
از چپ: ملا مصطفی بارزانی، بابو بیروتی ومحمد مَحو



از چپ: جمیل مَحو و شفیق وازان نخست‌وزیر لبنان



از راست: جمیل مَحو و پیر جمیل رهبر مسیحیان لبنان - بیروت ۱۹۶۲



از راست: ملا مصطفی بارزانی و جمیل مَحو - بارزان ۱۹۷۰



از راست نفر اول جمیل مَحو - از چپ نفر دوم پاتریک ماعوشی آخرین رهبر مسیحیان لبنان - بیروت ۱۹۶۴



از راست ادریس بارزانی (فرزند مصطفی بارزانی و برادر مسعود بارزانی رهبر کنونی اقلیم فدرال کردستان عراق) و جمیل مَحو - بیروت ۱۹۶۰



از راست: مسعود بارزانی رهبر کنونی اقلیم فدرال کردستان عراق و محمد مَحو

لبنان ۱۹۶۹



محمد مَحو - ۱۹۶۵ بیروت



جلسه اعلان برنامه حزب دموکرات کُردهای لبنان با شرکت هیئت سیاسی کُردهای سوریه به رهبری عبدالله سعید در ۱۹۶۸



دیدار مشورتی- دوستانه هیئت سیاسی کُردهای لبنان به رهبری جمیل مَحو با یاسر عرفات - بیروت ۱۹۷۰



از راست: راشد الصلاح وزیر داخله لبنان و جمیل مَحو



از چپ نفر چهارم جمیل مَحو و نفر پنجم رهبر جامعه آسوریان لبنان لوکا زودو ۱۹۷۱



محمد مَحو و محسن ابراهیم رهبر حزب کمونیست لبنان



تظاهرات مردمی جامعه کُردهای ساکن لبنان در اعتراض به سیاست‌های دولت و حمایت از همزیستی مسالمت¬آمیز کردی - عربی در لبنان بیروت ۱۹۷۰



از چپ نفر چهارم: جمیل مَحو، کمال جنبلاط و نماینده دروزی‌های لبنان



مجلس عمومی فعالین سیاسی کرد در لبنان در ۱۰ آگوست ۱۹۹۷ لندن به‌منظور اعلام برائت از سیاست‌های مشترک ضد کُردی دولت‌های سوریه و لبنان



از راست نفر سوم، عبدالکریم مَحو رهبر کنونی حزب دموکرات کُردهای لبنان در دیدار با هیئت سیاسی حزب در کشور آلمان

لوگوی رسمی حزب دموکرات کُردهای لبنان

مراجع

منابع انگلیسی و فرانسوی

- **Abdelnour, Z.** (۲۰۰۳) 'Michel and علیas Murr', *Middle East Intelligence Bulletin*, Vol. ٥, No. ٦, www.meib.org/articles/۰۳۰٦_ld.htm.

-**Abdih, Y. Chami, R. Gapen M. and Mati, A.** (۲۰۰۹) *Fiscal Sustainability in Remittance-Dependent Economies*, International Monetary Fund (IMF), IMF Working Paper, WP/۰۹/۱۹۰, http://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/۲۰۰۹/wp۰۹۱۹۰.

-**Akeel, R.** (۱۹۹۷) 'The Middle Bekaa: Two Distinct Features from Anjar the Armenian to the Fortifying Brigade: The Naturalized Executed the Orders and their Votes Bulldozered the Laws and the Money (In Arabic), *An Nahar*, September ۱٦.

-**Al Ariss, A.** (۲۰۱۰) R علی gious diversity in Lebanon: Lessons from a Small Country to the Global World. In M. Özbilgin, and J. Syed (eds.), *Managing Cultural Diversity in Asia: A Research Companion*, New York: Edward Elgar Publishing.

-**Aleinikoff, T. A.** (۲۰۰۱) Policing Boundaries: Migration, Citizenship, and the State. In G. Gerstle and J. Mollenkopf (eds.), *E Pluribus Unum? Contemporary and Historical Perspectives on Immigrant Political Incorporation*. New York: Russell Sage Foundation.

-**Al-Khatib, M. and Al-Ali, M.** (۲۰۱۰) 'Language and Cultural Shift among the Kurds of Jordan', Suomen Ki علی tieteellinen Yhdistys, The Linguistic Association of Finland, *SKY Journal of Linguistics*, ۲۳: ۳٦-۷.

-**Ammann, B.** (۲۰۰٥), Kurds in Germany. In M. Ember, C.R. Ember, and I.A. Skoggard, (eds), *Encyclopedia of Diasporas, Immigrant and Refugee Cultures Around the World*, Pp. ۱۰۱۹-۱۰۱۱. New York, London: Kluwer Academic Plenum Publishers.

-**Bahrain Center for Human Rights** (۲۰۰٦) Political Naturalization in Bahrain: Various Violations of Citizens and Foreign Workers Rights, September.

-**Bartl, J.** (۲۰۰۹) 'Questions of Belonging an Anthropological Fieldstudy among Kurdish Students in Stockholm. Thesis, Universität Wien, Sweden.

-**Bradford, B. and Boucher, B.** (۱۹۹۸) 'Migration, Remittances, and Inequality: Estimating the Net Effects of Migration on Income Distribution', *Journal of Development Economics*, ٥٥(۲): -۲۰۷ ۳۱.

-**Bradley DeFay, J.** (۲۰۰٤) 'Identity Matters: Immigration and the Social Construction of Identity in Garifuna'. Dissertation, University of California, San Diego.

-**Bratsberg, B. Ragan,** J. F. **and Z. M. Nasir** (۲۰۰۲). 'The effect of naturalization on wage growth: A panel study of young male immigrants', *Journal of Labor Economics*, ۲۰(۳): ٥۹۷-٥٦٨.

-**Kamat**, M. (۲۰۰۹) 'Democracy, Lebanese-Style', *Middle East Research and Information Project* (MERIP), http://www.merip.org/mero/mero۰٨۱٨۰۹.

-**Kamat**, **M. and Issar, S.** (۲۰۱۰) 'Bricks and Mortar Client ali sm Sectarianism and the Logics of Welfare Allocation in Lebanon', *World Politics*, ٦۲(۳): ٤۲۱-۲٨۱.

-**Chalhoub**, E. (۲۰۰٤) The Report of State of the Judiciary in Lebanon, The Arab Center for the Rule of Law (ACRLI) The International Foundation For Election Systems (IFES).

-**Credit Libanais Research** (۲۰۰٨) 'The Lebanese Real Estate Sector', October, Lebanon.

۱۰۰ Guita Hourani

-**Crissey, S, & File, Th.** (۲۰۰٨) Voting Behavior of Naturalized Citizens: ۲۰۰٦-۱۹۹٦, *U.S. Census Bureau Housing and Household Economic Statistics Division*, Presented at the Annual Meeting of the Population Association of America, New Orleans, LA, April ۱۹-۱٦.

-**Dawn, C. and Mansour, N.** (۲۰۱۱) Bedouin in Lebanon: Statelessness and Marginality, *RSC Newsletter*, Refugee Studies Centre (RSC), Oxford Department of International Development, University of Oxford, Winter ۲۰۱۱, http://www.rsc.ox.ac.uk/Abu t-us/newsletters/RSCWinterNews۱۱.pdf.

-**DeVoretz, D.** (۲۰۰۹) Immigrant Circulation and Citizenship: Hotel Canada? Presented to Implications of Migrant Citizenship Acquisition, IMISCOE Conference Malmö University, May ۱٥-۱۳.

-**DeVoretz,** D. and **Pivnenko,** S. (۲۰۰٤) The Economic Causes and Consequences of Canadian Citizenship, Institute for the Study of Labor (IZA), Discussion Paper No. ۱۳۹٥.

-**Di Bartolomeo,** A. **Fakhoury,** T. and **Perrin,** D. (۲۰۱۰) CARIM Migration Profile: Lebanon, Consortium for Applied Research on International Migration, Italy.

-**Dubar, C. and Nasr,** S. (۱۹۷٦), *Les classes sociales au Liban*, Paris: PFNSP.

-**El Khoury, M. and Panizza,** U. (۲۰۰۲) Social Mobility and R ali gion: Evidence from Lebanon. Mimeo, Inter-American Development Bank, Washington, D.C.

-**Fakhry Law Firm**, Legal Guide to Lebanon, n.d, n. p.

-**Fatfat, A.** (۲۰۰٦) Report on the Naturalized submitted by Acting Interior Minister Ahmed Fatfat to the National Dialogue Roundtable.

-**Feghali, K.** (۲۰۰۲). *The Naturalized in Lebanon by Decree* ٥٢٤٧ *of* ١٩٩٤*: Their Geographical and R* علی *gious Distribution and their Impact on the Elections.*

-**Gambill, G. & Abu Aoun,** E. (۲۰۰۰). Special Report: How Syria Orchestrates Lebanon's Elections, *Middle East Intelligence Bulleting,* ۲(۷),

http://www.meforum.org/meib/articles/۰۰۰۸_l۱.htm.

-**Gesemann, F.** (۲۰۰۷)The Integration of Young Muslims in Germany - Education and Training as Key Areas for Social Integration, *Migration Education,*

http://www.migrationeducation.org/fileadmin/uploads/Young_Muslims_in_Germany.pdf.

-**Gibney, M. and Hansen R.** (۲۰۰٥) *Immigration and Asylum: From* ١٩٠٠ *to the Present,* Volume I, and California: ABD, Inc. and Oxford: CLIO.

-**Giddens, A.** (۱۹۹۱). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age.* Cambridge: Polity.

-**Goffman, E.** (۱۹٥٦) *The Presentation of Self in Everyday Life,* New York: Doubleday.

-**Gokalp, D.** (۲۰۰۷) *Beyond Ethnopolitical Contention: The State, Citizenship and Violence in the 'New' Kurdish Question in Turkey,* Dissertation, University of Texas at Austin, USA.

-**Gunter, M. M.** (۲۰۰۸) *The Kurds Ascending - The Evolving Solution to the Kurdish Problem in Iraq and Turkey,* New York: Palgrave Macmillan.

-**Haladjian-Henriksen, S.** (۲۰۰٦) Social Stratification Obstacles to Reducing Inequality and Alleviating Poverty: The Case of Lebanon. In Maria Petmesidou and Christos Papatheodorou, (Eds), *Poverty and Social Deprivation in the Mediterranean: Trends, Policies, and Welfare Prospects in the New Millennium,* London: Zed Books.

-**Hamdan, K.** (۱۹۹٦), Les classes moyennes dans la guerre du Liban. In Fadia Kiwan, *Le Liban aujourd'hui,* Paris-Beyrouth, CNRS Editions - CERMOC.

-**Hamdan, K.** (۲۰۰۰), Le social dans la reconstruction du Liban,

http://www.mafhoum.com/press/hammar۰۳.htm.

۱۰۱ Guita Hourani

-**Harik, I.** (۱۹۸۰) Lebanon. In J. J. Landau, E. Özbudun and F. Tachau (Eds), *Electoral Politics in the Middle East: Issues, Voters, and ali tes,* London/Stanford, Calif. Croom Helm/Hoover Institution Press.

-**Heidhues, M. S.** (۲۰۰۳) *Golddiggers, Farmers, and Traders in the "Chinese Districts" of West Kalimantan, Indonesia*, Ithaca: Cornell University.

-**Hirschman, Ch.** (۱۹۹۶) Studying Immigrant Adaptation from the ۱۹۹۰ Population Census: From Generational Comparisons to the Process of 'Becoming American'. In A. Portes (ed.) *The New Second Generation*, New York: Russell Sage Foundation.

-**Hourani, G.** (۲۰۰۷) *Lebanese Diaspora and Homeland Relations*, paper presented at the Migration and Refugee Movements in the Middle East and North Africa Conference, The Forced Migration & Refugee Studies Program, The Center for Migration and Refugee Studies (CMRS), The American University in Cairo (AUC), Egypt, October ۲۵-۲۳, http://www.ndu.edu.lb/Lerc/publications/Lebanese%۲۰Diaspora%۲۰and%۲۰Homeland%۲۰Relations.pdf

- **Hourani, G. and Sensenig-Dabbous, E.** (۲۰۱۱) 'Naturalized Citizens: Political Participation, Voting Behavior, and Impact on Elections in Lebanon (۲۰۰۷-۱۹۹۶)', *Journal of International Migration and Integration* (JIMI), Online First", ۲۵ July ۲۰۱۱, pp. ۱۶-۱ [DOI ۱۰.۱۰۰۷/s-۱۲۱۳٤ ۷-۰۲۰۳-۰۱۱].

-**Huybrechts, E. and Verdoil, E.** (۲۰۰۰) Beyrouth Entre Reconstruction et Métropolisation, Observatoire de recherche sur Beyrouth et la reconstruction, Centre d'études et de recherches sur le Moyen-Orient contemporain (ORBR-CERMOC), *Villes en parallèle: Gouverner les métropoles*, N. ۳۳-۳۲, Laboratoire de géographie urbaine, Université de Paris X-Nanterre, pp.-۶۳ ۸۷, http://hal.archives-ouvertes.fr/docs/۰۰/۰۳/۱۹/٤۸/PDF/finalLSAVerdHuy.pdf.

-**Immigration and Refugee Board of Canada** (۲۰۰۲) *Lebanon: Whether Bedouins born in Lebanon are entitled to Lebanese citizenship and are able to obtain identity documents; information on decree No.* ۵۲٤۷, *whether it enabled naturalization of stateless Bedouins, time prior which it was in effect; consequences of illegal exit/entry in Lebanon*, LBN۳۸۰۷۸.E, ۵ March.

-**International Crisis Group (ICG)** (۲۰۰۵), Bahrain's Sectarian Challenge', *Middle East Report*, N°٤۰, May ۶.

-**International Foundation for Electoral Systems (IFES)** (۲۰۰۹) Highlights from the Lebanon SWMENA Survey, http://www.ifes.org/publication/a۹۹d۹۲e۲d۹۶۶fd۳b۶۰۱۰۰d٤۸۶da۰۲ba۲/LebanonSWMENA_survey.pdf.

-**Izadi, M.** (۱۹۹۲) *The Kurds: A Concise Handbook*. Washington, D,C.: Taylor & Francis, Inc.

-**Johnson, M.** (١٩٨٦) *Class and Client in Beirut: The Sunni Muslim Community and the Lebanese State* ١٩٨٥-١٨٤٠. London, Ithaca Press.

-**Joseph, S.** (١٩٧٨) "Muslim-Christian Conflict in Lebanon: A Perspective on the Evolution of Sectarianism." In: S. Joseph and B. Pillsbury (eds.), *Muslim-Christian Conflict: Economic, Political, and Social Origins*, Boulder: Westview Press.

-**Joseph, S.** (١٩٨٨) Feminization, Familism, Self, and Politics: Research as a Mughtaribi, in *Arab Women in the Field: Studying your own Society*, Soraya Altorki and Camillia Fawzi El-Solh (eds.), Syracuse: Syracuse University Press.

-**Kasparian, Ch.** (٢٠٠٩) *Les Jeunes Libanais dans la Vague d'Émigration de* ١٩٩٢ *à* ٢٠٠٧, Lebanon: Presses de L'Université Saint-Joseph.

١٠٢ Guita Hourani

-**Kawtharani, F.** (٢٠٠٣) The Interplay of Client علی sm and Ethnic Identity in Pluralist States: The Case of the Kurdish Community in Lebanon. Thesis. Beirut: The American University of Beirut.

-**Khalaf, M.** (٢٠٠٢) Women in Postwar Lebanon, *Lebanon's Second Republic*, ed. Kail Ellis, Florida: University of Florida Press.

-**Khayati, Kh.** (٢٠٠٨) From Victim Diaspora to Transborder Citizenship? Diaspora Formation and Transnational Relations among Kurda in France and Sweden, Linköping Studies in Arts and Science No. ٤٣٥, Linköping: Linköping University, Department of Social and Welfare Studies.

-**Knudsen, A.** (٢٠٠٩) Widening the Protection Gap: The "Politics of Citizenship' for Palestinian Refugees in Lebanon, ٢٠٠٨-١٩٤٨," *Journal of Refugee Studies*, ٢٢(١), pp. ٧٣-٥١.

-**Kuerban, A.** (٢٠٠٥) National Origin Diversity of Foreign-Born Asian Immigrants Voter Turnout in ٢٠٠٠, ETD Collection for Fordham University.

-**Labaki, B.** (٢٠٠٦) The Role of Transnational Communities in Fostering Development in Countries of Origin: The Case of Lebanon, Paper presented at ESCWA, Beirut, May ١٧-١٥.

-**Lessinger, J.** (٢٠٠٣) Indian immigrants in the United States: The emergence of a transnational population. In B. Parekh, G. Singh and S. Vertovec (Éds.), *Culture and Economy in the Indian diaspora*, London: Routledge.

-**Liebig, T.** (٢٠٠٧) The LAbu r Market Integration of Immigrants in Germany, OECD Social, Employment and Migration Working Papers No. ٤٧, DELSA/ELSA/WD/SEM (٢٠٠٧)٣.

-**Makaryan, Sh.** (۲۰۰۷) Citizenship Acquisition and Naturalization of Immigrants in the ۱۵ Former Soviet Union Republics, Paper presented at the annual meeting of the American Sociological Association, TBA, New York, New York City, August ۱۱.

-**Maroun, I.** (۲۰۰۰) The social Gap and the Crisis of the Middle Class, in *Linking Economic Growth and Social Development in Lebanon*, UNDP conference report, Beirut: UNDP.

-**Matras, J.** (۱۹۸۰) Comparative Social Mobility, *Annual Review of Sociology*, Vol. ٦, ٤٠١

-**Meho, L.** (۱۹۹٥). *The Dilemma of Social and Political Integration of Ethnoclass Groups within Pluralistic Societies: The Case of the Kurds in Lebanon.* Thesis. Beirut: American University of Beirut.

-**Meho, L.** (۲۰۰۲) 'The Kurds in Lebanon: A Social and Historical Overview'. *The International Journal of Kurdish Studies* ١٦ (۲-۱), pp. ۸۲-٥۹.
[http://findarticles.com/p/articles/mi_m۰SBL/is_١٦/ai_n۱۲۸۰۷۷۱۰/]

-**Meho, L. and Kawtharani, F.** (۲۰۰٥) The Kurdish Community in Lebanon and their Future Prospects, in Mohammed Ahmed and Michael Gunter, *The Kurdish Question and the* ۲۰۰۳ *Iraq War*, California: Mazda Publishers, Inc.

-**Meier, D.** (۲۰۰٥) Y a-t-il une "classe moyenne" au Liban? *Carnets de Bord*, No. ۱۰, Décembre pp. ٥٤-٤٦.

-**Miera, F.** (۲۰۰۹) Political Participation of Migrants in Germany, *EMILIE - An EU funded program for a European approach to multicultural citizenship: Legal, political and educational challenges.*

-**Mona, F. and Peillen, I.** (۲۰۰۳) The Case of Beirut Lebanon, Understanding Slums: Case Studies for the Global Report on Human Settlements, pp. ٤-۱.

-**Nagata, J.** (۱۹۷٤) what is a Malay? Situational Selection of Ethnic Identity in a Plural Society, *American Ethnologist*, ۱(۲), pp. ۳٥۰-۳۳۱.

-**Nahas, Ch.** (۱۹۹۸) Economie foncière ET immobilière au Liban,
http://charbelnahas.org/IMG/pdf/Economie_fonc___immob.pdf.

۱۰۳ Guita Hourani

-**Naïmy, V.** (۲۰۰٥) Unemployment in Lebanon: Application of Okun's Law, *Journal of Business and Economics Research*, Volume ۳, Number ۱۰, October, pp. ۳۳-۲٥.

-**Nancy, M.** (۱۹۸٥) Two Lebanese Villages in the Gulf: Village Transfers and LAbu r Markets, *Tiers Monde*, Vol. ۲٦, No. ۱۰۳, July-September, pp. ٥٥۲-٥۳۳.

-**Nash, M.** (۲۰۰۹) High Prices Keep Resident Lebanese from Buying Property in Beirut, *NOW Lebanon*, August.

-**Neh'meh, A.** (۱۹۹٦) Slipping through the Cracks: Social Safety Nets in Lebanon, in *The Lebanon Report*, Lebanese Centre for Policy Studies, No. ۲, http://lcps-lebanon.org/web۰٤/english/old/publications/periodicals/lreport/safety_nets.html.

-**Nicklett, E. and Burgard,** S. (۲۰۰۹) *Downward Social Mobility and Major Depressive Episodes among Latino and Asian-American Immigrants to the United States*, Population Studies Center, Institute of Social Research, University of Michigan, Report ٦٦٨-۰۹.

-**Nisan, M.** (۲۰۰۲) *Minorities in the Middle East: A History of Struggle and Self-Expression*, Second Edition, North Carolina and London: McFarland & Company, Inc. Publishers.

-**Nisan, M.** (۲۰۰۰) The Syrian Occupation of Lebanon. In Tsiddon-Chatto, Y. Shawn, P. Nisan, and Shoham, D. *Peace with Syria: No Margin for Error*, ACPR Publications.

-**Nisan, M.** (۱۹۹۱) *Minorities in the Middle East: A History of Struggle and Self-Expression*, Jefferson, NC: McFarland.

-**Now Lebanon** (۲۰۰۹) 'Striking Back: Unions and New Protest Movements Took to the Streets in ۲۰۰۸, January ۳.

-**Nozaki, Y. Inokuchi, H. and Tae-young, K. Legal** (۲۰۰٦) 'Categories, Demographic Change and Japan's Korean Residents in the Long Twentieth Century', *The Asian-Pacific Journal: Japan Focus*, ٦۳٥, http://japanfocus.org/products/topdf/۲۲۲۰.

-**Nunn, A. Monro, S. Bickerstaffe, T. and Kelsey, S.** (۲۰۰۷) Factors influencing social mobility, UK: Department for Work and Pensions, Research Report No ٤٥۰.

-**Ong, A.** (۱۹۹۹) *Flexible Citizenship: The Cultural Logic of Transnationality*. Durham, NC: Duke University Press.

-**Panizza, U** (۲۰۰۲) Are Islam's Values Really Different? Project Syndicate, http://www.project-syndicate.org/commentary/panizzi۱/English.

-**Pivnenko, S. and DeVoretz, D. J.** (۲۰۰۲) *The Recent Economic Performance of Ukrainian Immigrants in Canada and the US*, Institute for the Study of Labo, IZA DP No. ۹۱۳.

-**Republic of Lebanon**, Ministry of Finance (۲۰۱۰) Lebanon Country Profile.

-**Saadeh, S.** (۱۹۹۳) *The Social Structure of Lebanon: Democracy or Servitude*? Dar An-Nahar.

-**Sari, E.** The Construction of Cultural Boundaries and Identities in Intercultural Communication: The Case of Mardin as a Multicultural City, ***Ankyra: Ankara Üniversitesi Sosyal*** *Bilimler Enstitüsü Dergisi*, Vol. Issue ۲, pp. ٦۲-۱.

-**Schmidt, A.** (۲۰۱۱): The Experience of Social Mobility and the Formation of Attitudes toward Redistribution. GKSOCLIFE Working Paper Series, WP ٦/۲۰۱۱, Cologne.

-**Sheyholislami, J.** (۲۰۱۰) 'Identity, Language, and New Media: The Kurdish Case'. *Language Policy*, ۹ (۱), pp. ۳۱۲-۲۸۹.

-**Shiblak, A.** (۲۰۰٦) 'Stateless Palestinians', *Forced Migration Review*, Issue ۲٦.

-Sirkeci, I. (۲۰۰٦) *The Environment of Insecurity in Turkey and the Emigration of Turkish Kurds to Germany*. New York: Edwin Mellen Press.

-**Tam Cho, W. K.** (۱۹۹۹) 'Naturalization, Socialization, Participation Immigrants and (Non-) Voting', *Journal of Politics* ٦۱, ٤: ۱۱٥٥-۱۱٤۰.

- **Jordi Tajal, J.** (۲۰۰٦) 'Les Constructions de l'Identité Kurde sous l'Influence de la «Connexion Kurdo-Française» au Le وان t (۱۹٤٦-۱۹۳۰)', *European Journal of Turkish Studies* ۱۰٤ Guita Hourani

-**Jordi Tajal, J.** (۲۰۰۷) 'La Ligue Nationale Kurde Khoyboun: Mythes et Réalités de la Première Organisation Nationaliste Kurde, *Études Kurdes*, Hors Série III, L'Harmattan: Paris, France.

- **Jordi Tajal, J.** (۲۰۰۷) *Le Mouvement Kurde en Exil. Continuités ET Discontimuités du Nationalisme Kurde sous le Mandat Français en Syrie ET au Liban* (۱۹٤٦-۱۹۲٥), Berne: Peter Lang.

-**The Norwegian Country of Origin Information Centre** (۲۰۱۰) Kurds in Syria: Groups at Risk and Reactions against Political Activists, *Landinfo*, June.

-**Tucci, I.** (۲۰۰٤) Does Naturalization Make the Difference? The Socio-Economic Integration of Naturalized Citizens in France and Germany, paper presented at the ۲nd Conference of the EAPS Working Group on International Migration in Europe, International Migration in Europe: New Trends, New Methods of Analysis, Rome, Italy, and۲۷-۲٥ November.

-**Tuckel, P. & Maisel, R.** (۲۰۰۸). Nativity Status and Voter Turnout in the Early Twentieth-Century Urban United States, *Historical Methods*, ٤۱(۲), ۱۰۱-۱۰۰.

-**Tuckel, P. and R. Maisel.** (۱۹۹٤). Voter turnout among European immigrants to the United States. *Journal of Interdisciplinary History* Vol. ۲٤, No. ۳, pp. ٤۳۰-٤۰۷.

-**United Nations Development Programme (UNDP)** (۱۹۹۷) ***National Human Development Report: A Profile of Sustainable Human Development in Lebanon.***

-**Wan, Waas, L.** (۲۰۱۰) ***the situation of stateless persons in the Middle East and North Africa,*** **UNHCR.**

-**White S. C. and Stephan, W.** (۲۰۰۰) 'The Measurement of Racial and Ethnic Identity', *International Journal of Intercultural Relations,* Vol. ۲٤, pp. ٥٥۲-٥٤۱.

-**Yeğen, M.** (۲۰۰٤) 'Citizenship and Ethnicity in Turkey', *Middle Eastern Studies,* Volume ٤۰, Issue ٦, pp. pages ٦٦-٥۱

منابع عربی

منذر الموصلی، عرب و الاکراد رویه عربیة... للقضیة الترکیة/ الاکراد فی و کنهم القومی و فی الجوار العراقی-الترکی-الایرانی... وفی سوریه ولبنان، دارالعلم، الطبعة الثالثة،۱۹۹۵، ص۴۸۷

فضل شرورو، الاحزاب و التنظیمات و القوی السیاسیة فی لبنان، ۱۹۸۳.

جریده النهار، المحلق، ۲ تشرین الاول، ۱۹۹۳.

صلاح ابو شقرا، الاکراد شعب المعاناة: نافذه علی واقهعم فی لبنان و عالم، دارالهادی للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، لبنان، ۱۹۹۹.

احمد محمد احمد، اکراد لبنان و تنظیمهم الاجتماعی و السیاسی، مکتبة الفقیة، ۱۹۹۵.

الجریدة الرسمیة، العدد ۴۱، تاریخ ۱۹۵۶/۱۰/۱۰، المراسیم و القرارات الخاصة، صفحة ۹۳۵-۹۴۲.

الجریدة الرسمیة، العدد ۴۲، تاریخ ۱۹۵۶/۱۷/۱۰، المراسیم و القرارات الخاصة، ص۹۶۱-۹۶۴.

الجریدة الرسمیة، العدد ۴۸، تاریخ ۱۹۵۶/۲۸/۱۰، المراسیم و القرارات الخاصة، ص۱۰۹۹-۱۱۰۷.

الجریدة الرسمیة، العدد ۲۴، تاریخ ۱۹۵۷/۲۲/۵، المراسیم و القرارات الخاصة، ص۴۵۴-۴۵۸.

الجریدة الرسمیة، العدد ۲۶، تاریخ ۱۹۵۷/۵/۶، المراسیم و القرارات الخاصة، ص۴۹۷-۵۰۱.

اکرم حمدان، الرقم الاجمالی حتی آذار ۲۰۰۶، ۲۰۲۵۲۷ مجلسا من ۸۰ دولة، جریده مستقبل، ۳۰ آذار ۲۰۰۶.

Kurds of Lebanon

کوردی لوبنان



کاڵی کتێب

ناوەندی بڵاوکردنەوە : سنە، کاڵی کتێب